



حقوق ملت، ستون فقرات
قانون اساسی است



نتیجه حاکمیت قانون،
افزایش اعتماد عمومی
مردم است



حکومت برای محافظت از
آزادی‌ها شکل می‌گیرد

خسروپناه:

عدالت بدون آزادی محقق نمی‌شود و آزادی بدون عدالت به وجود نمی‌آید

در این شماره می‌خوانید:

۱۲ کتاب گویای ترجمه قانون اساسی به زبان انگلیسی منتشر شد

۲۰ بازار سرمایه؛ شاه‌کلید مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری برای تولید مسکن

۱۱۰ مروری بر صلاحیت‌های دادگاه قانون اساسی فدرال اتریش

۱۱۵ آیت الله ربانی شیرازی؛ یار امام و فقیه همیشه در صحنه

گفتگوی اختصاصی با استاد دانشگاه دورام:

دوام قوانین اساسی بیش از هر چیز دیگری به وضعیت سیاسی کشورها بستگی دارد



شورای نگهبان نمی‌گذارد دستگاه‌های کشور از قانون اساسی منحرف شوند

قانون اساسی ستون فقرات نظام است؛ در حقیقت مرکز اصلی سلسله اعصاب نظام است؛ معیار و ضابطه است و شورای نگهبان نمی‌گذارد که دستگاه‌های کشور از قانون اساسی منحرف شوند؛ نمی‌گذارد که قوانین مخالف قانون اساسی، تصویب و اجرا شود.

بیانات در دیدار اعضای هیأت‌های نظارت شورای نگهبان ۱۴/۱۱/۱۳۷۴

ایک



ماهنامه خبری پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان

سال دوم، شماره پنجم و ششم،
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۲۲ صفحه

فهرست مطالب

سرمقاله ۶ | سخن سردبیر ۸



دانش خبر.....۱۰

بررسی ۱۱ مصوبه در پژوهشکده شورای نگهبان توسط معاونت کارشناسی ۸ | رونمایی از چهل اثر علمی پژوهشکده شورای نگهبان با حضور وزیر علوم و اعضای شورای نگهبان ۹ | بررسی دو مصوبه در مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان ۱۰ | برگزاری اولین پیش نشست علمی همایش بین المللی آزادی در منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) ۱۰ | برگزاری نشست مشترک وزیر علوم و رؤسای دانشگاه های سراسر کشور با رئیس پژوهشکده شورای نگهبان ۱۱ | برگزاری کرسی ترویجی با موضوع «معناکاوی و سنجه شناسی عدالت قضایی در پرتو قانون اساسی» ۱۱ | بررسی ۸ پرونده استعمال شرعی دیوان عدالت اداری در پژوهشکده شورای نگهبان ۱۱ | چهل و ششمین شماره فصلنامه دانش حقوق عمومی منتشر شد ۱۲ | کتاب گویای ترجمه قانون اساسی به زبان انگلیسی منتشر شد ۱۲ | جلسه هیات امنای پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد ۱۳ | بازدید دانشجویان دانشگاه های علوم اسلامی رضوی و تربیت مدرس از پژوهشکده شورای نگهبان ۱۴ | برگزاری آکادمی زمستانه پژوهش حقوقی در پژوهشکده شورای نگهبان ۱۵ | پژوهشکده شورای نگهبان؛ برگزیده دومین دوره جایزه ملی قانون شد ۱۷ | برگزاری کرسی ترویجی با موضوع «در جست و جوی نظریه قانون گذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران» ۱۸ | برگزاری سه جلسه دفاع از طرح های جایگزین خدمت نظام وظیفه در پژوهشکده شورای نگهبان ۱۸



قلمرو قانون.....۲۰

استاد حقوق دانشگاه دورام: دوام قوانین اساسی بیش از هر چیز دیگری به وضعیت سیاسی کشورها بستگی دارد ۲۰ |

صاحب امتیاز: پژوهشکده شورای نگهبان

مدیرمسئول و سردبیر: محمد سلیمانی درجه

مدیر هنری: محمدحسن ابوالحسنی

دبیر تحریریه: علی کمالی

تحریریه: علیرضا کریمخانی،

علیرضا مزینانی،

ابوالفضل کندی،

محمد خزایی،

علی کمالی،

محمدعلی صدراپی

چاپ و فنی: سید محمدرضا سید علیخانی

عکس: فرزاد صابر

با تشکر از: محمدرضا آقابابایی،

محسن ابوالحسنی،

محمدرضا فارسیان،

محمدصادق فراهانی،

کاظم کوهی اصفهانی

نشانی: تهران، خیابان شهید بهشتی (ه)،

خیابان سرافراز، کوچه پنجم،

پلاک ۱۱

تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۵۰۰۷۰

پایگاه اینترنتی: www.ccri.ac.ir

فهرست مطالب

۸۲..... کارنامه



اصلی ترین هنجار قابل شناسایی برای اداره نظام حکومتی قانون اساسی است ۸۲

۸۶..... دفتر مذاکرات



چالش اختیارات نماینده ویژه رئیس جمهور/ محدود به امور اجرایی یا شامل تصمیمات غیر اجرایی؟ ۸۶

۱۰۶..... زمانه



نگارش اولین پیش نویس قانون اساسی؛ آغاز حرکت به سمت قانون اساسی ۱۰۶

۱۱۰..... پاسداران عدالت



دادگاه قانون اساسی فدرال اتریش؛ نهاد ناظر بر قانون اساسی و حقوق بنیادین شهروندان ۱۱۰

۱۱۵..... یاد



آیت الله ربانی شیرازی؛ یار امام و فقیه همیشه در صحنه ۱۱۵

۱۲۰..... تازه ها



تحقیق در متون و استاد حقوق عمومی و تحلیل محتوای نظارت شورای نگهبان ۱۲۰

مالیات بر عایدی سرمایه و مجموع درآمد؛ الزامات تحقق شعار سرمایه گذاری برای تولید ۲۶ | قانون مالیات های مستقیم، دیوار کج نظام حقوقی-اقتصادی کشور ۲۹ | بازار سرمایه؛ شاه کلید مشارکت مردم در سرمایه گذاری برای تولید مسکن ۳۳ | امکان سنجی استفاده از هوش مصنوعی به عنوان دستیار در نظارت شورای نگهبان بر مصوبات

۴۲..... محفل اندیشه



بیعت مردم برای معصوم مشروعیت ساز نیست ۴۲ | دامنه دات آی آر مرز جمهوری اسلامی در فضای مجازی است ۴۸ | نتیجه حاکمیت قانون، افزایش اعتماد عمومی مردم است ۵۲ | دکتر سیمایی: حقوق ملت، ستون فقرات قانون اساسی است/ دکتر کدخدایی: نتایج علمی همایش باید سیاست های اجرایی کشور اعمال شود ۵۴ | آیت الله رشاد: آزادی تشریعی و تکوینی دو روی یک سکه هستند / دکتر لاریجانی: حکومت برای محافظت از آزادی ها شکل می گیرد/ دکتر خسروپناه: عدالت باید در تمامی قوانین و سیاست گذاری ها به عنوان یک اصل محوری مورد توجه قرار گیرد ۶۰ | پیشنهاد طراحی سامانه جدید ترکیبی و تفکیکی براساس فقه و حقوق ۷۲ | دکتر مسعودیان: تحقق عدالت در دستگاه قضایی و احقاق حقوق طرفین دعوا یکی از مطالبات جدی قانون اساسی است/ دکتر اسحاقی: در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ابعاد مختلف عدالت توجه شده است/ دکتر توکل پور: عدالت قضایی باید در تمام مراحل، از تعیین مجازات توسط قاضی تا اجرای آن، رعایت شود ۷۶ | همایش حقوق ملت مصداق بارز دفاع نرم افزاری از جمهوری اسلامی است ۸۰

سرمایه‌گذاری برای رشد تولید؛ تجلی عرف حقوق اساسی در سیاست‌گذاری کلان



علی فتاحی زرفندی؛
قائم مقام پژوهشکده شورای نگهبان

در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، «تعیین شعار سال» توسط مقام رهبری، صرفاً یک اقدام تبلیغی یا نمادین نیست، بلکه در گذر زمان به سنتی حقوقی-سیاسی با کارکردی واقعی در هدایت سیاست‌گذاری عمومی بدل شده است. بر پایه اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای سه‌گانه در عین استقلال، تحت هدایت ولایت فقیه عمل می‌کنند. این اصل، بستری است برای شکل‌گیری عرف‌هایی که ضمن رعایت ساختار قانونی، به کارآمدی نظام سیاسی کمک می‌کنند. یکی از مهم‌ترین این عرف‌ها، تعیین شعار سال است؛ سنتی که اکنون جایگاهی تثبیت‌شده در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی یافته و به‌عنوان ابزاری برای اعلام اولویت‌های راهبردی کشور، نقش مکملی در هماهنگ‌سازی دستگاه‌های حکومتی ایفا می‌کند. شعار سال ۱۴۰۴ با عنوان «سرمایه‌گذاری برای رشد تولید» ادامه‌ای معنادار بر گفتارهای اقتصادی رهبری در سال‌های اخیر است. در این شعار، تمرکز سیاست‌گذاری از «خروجی» یعنی تولید، به «پیش‌نیاز حیاتی» آن یعنی سرمایه‌گذاری منتقل شده است. این تغییر جهت، نه‌فقط نشانه‌ای از نگاه راهبردی رهبری به مسئله تولید ملی است، بلکه نوعی مطالبه الزام‌آور از همه قوا برای هم‌افزایی و اقدام در جهت رفع موانع سرمایه‌گذاری نیز هست.

تحقق این مطالبه، نیازمند عزم مشترک قوای سه‌گانه و فعال‌سازی ظرفیت‌های نهادی کشور است. قوه مجریه باید با اتخاذ رویکردی ساختاری و مسئله‌محور، امنیت سرمایه‌گذاری را تأمین کرده و زمینه مشارکت بخش خصوصی را فراهم سازد. این امنیت، صرفاً اقتصادی نیست بلکه در معنای حقوق عمومی آن، به ثبات تصمیمات، شفافیت رویه‌ها، پیش‌بینی‌پذیری مقررات و پاسخگویی اداری اشاره دارد. دولت با مهار فساد، تسهیل فرآیندها و بازمهندسی ساختارها می‌تواند بستر اعتماد عمومی به سرمایه‌گذاری مولد را تقویت کند. اما بعد فرهنگی نیز در تحقق شعار سال اهمیت فراوان دارد. سرمایه‌گذاری و تولید، صرفاً پدیده‌هایی اقتصادی نیستند، بلکه به باور عمومی، روحیه کارآفرینی، و ارزش‌گذاری اجتماعی بر سرمایه‌گذار و تولیدکننده نیز گره خورده‌اند. از این رو، دولت و نهادهای فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ای موظف‌اند با ترویج عمومی شعار سال، آن را به مطالبه‌ای مردمی و اجتماعی تبدیل کنند. در حوزه قانون‌گذاری، مجلس شورای اسلامی نقش بی‌بدیلی در تسهیل بسترهای حقوقی سرمایه‌گذاری دارد. قوانین اقتصادی کشور اغلب با چالش‌های کارآمدی، هم‌پوشانی، و پیچیدگی‌های حقوقی مواجه‌اند که به‌جای حمایت، مانعی برای سرمایه‌گذار محسوب می‌شوند. وظیفه نخست مجلس، اصلاح ساختاری این قوانین با بهره‌گیری از دیدگاه کارشناسان و صاحبان تجربه است. در کنار این، تصویب قوانین حمایتی و تشویقی، همچون تضمین حقوق مالکیت، کاهش فشارهای مالیاتی، و تقویت ابزارهای تأمین مالی، باید در دستور کار جدی قرار گیرد.

از بعد نظارتی، مجلس می‌تواند با استفاده از ابزارهایی مانند سوال، تحقیق و تفحص و تشکیل کمیته‌های تخصصی در پیگیری تحقق شعار سال، نقش فعالی ایفا کند. این نظارت نباید صرفاً شکلی و واکنشی باشد، بلکه باید فرآیندمحور، پیشگیرانه و شفاف باشد؛ به‌گونه‌ای که عملکرد دولت و نهادها در معرض قضاوت عمومی و گزارش‌دهی مستمر قرار گیرد. قوه قضاییه نیز یکی از پایه‌های اعتمادسازی در حوزه سرمایه‌گذاری است. تضمین امنیت حقوقی سرمایه‌گذار از طریق رسیدگی تخصصی، شفاف، سریع و منصفانه به دعاوی، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در جذب سرمایه داخلی و خارجی ایفا کند. ایجاد شعب تخصصی اقتصادی، تقویت داورهای، و مقابله با فساد و رانت‌های سازمان‌یافته، بخشی از وظایف کلیدی این قوه در تحقق شعار سال است. قوه قضاییه، افزون بر داور حقوقی، باید در جایگاه حامی حقوق عامه و عدالت اقتصادی، فضای رقابتی سالم و برابر را در اقتصاد ملی تقویت کند.

در جمع‌بندی، باید گفت شعار «سرمایه‌گذاری برای رشد تولید»، نماد یک خواست راهبردی و یک آزمون جدی برای انسجام نظام حکمرانی است. تحقق آن، مستلزم عبور از شعارزدگی و حرکت به‌سوی نقشه راهی هماهنگ، شفاف و سنجش‌پذیر است. قوه مجریه باید موتور اجرای این راهبرد باشد، قوه مقننه وظیفه بسترسازی حقوقی را بر عهده دارد، و قوه قضاییه ضامن امنیت حقوقی و سلامت اقتصادی این مسیر است. آنچه در این میان حیاتی است، همکاری نهادی، شفافیت، و اراده سیاسی برای تحقق عدالت و توسعه ملی است.

نمایشگاه کتاب، پل میان قانون و مردم



محمد سلیمانی درجه، مدیرمسئول و سردبیر

هر سال، هم‌زمان با اردیبهشت‌ماه، شهر تهران میزبان رویدادی می‌شود که برای اهل فرهنگ و اندیشه، یادآور تلاقی شور داناتی و شوق دیدار است؛ نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، نه صرفاً رویدادی برای خرید و فروش کتاب، بلکه نمایش آینه‌ای از سطح فرهنگ، جریان اندیشه، و گفت‌وگوی میان نخبگان و مردم است. در روزگاری که بازارهای متنوع سرگرمی و رسانه، توجه مخاطب را درگیر خود کرده‌اند، همچنان صف‌های طویل مقابل غرفه‌ها، گویای عطش دانستن و زیستن با کتاب است.

نمایشگاه کتاب تهران، از جمله مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی سالانه کشور به شمار می‌رود. حضور گسترده ناشران داخلی و برخی ناشران خارجی، برنامه‌های فرهنگی متنوع، نشست‌های علمی و رونمایی از آثار تازه، این رویداد را به صحنه‌ای بزرگ برای ترویج دانش و تبادل فرهنگی بدل کرده است. آمارهای منتشرشده نشان می‌دهد که هر سال میلیون‌ها نفر از اقشار مختلف مردم به نمایشگاه کتاب می‌آیند؛ از پژوهشگران دانشگاهی تا خانواده‌هایی که کودکانشان را با ذوق و شوق به دیدار نخستین کتاب‌های زندگی‌شان می‌برند. در این میان، نباید از نقش کلیدی نمایشگاه کتاب در پیوند دادن مردم با پژوهش و دانش تخصصی غافل شد. بسیاری از مفاهیم انتزاعی و تخصصی، از طریق گفت‌وگو با نویسندگان، معرفی کتاب‌های تازه، و محصولات فرهنگی قابل‌فهم‌تر می‌شوند. یکی از حوزه‌هایی که بیش از همیشه به این واسطه‌گری فرهنگی نیاز دارد، حقوق عمومی و به‌ویژه قانون اساسی است.

قانون اساسی، سند بنیادین یک ملت است؛ نه فقط مجموعه‌ای از مواد و اصول، بلکه بیانگر روح جمهوری، ارزش‌های بنیادین، حقوق ملت، وظایف حاکمیت و مسیر آینده است. با این حال، جای خالی کتاب‌های جذاب، روش‌مند، و متناسب با زبان عمومی درباره قانون اساسی، محسوس و نگران‌کننده است. هنوز هم بیشتر کتاب‌های این حوزه، محدود به آثار دانشگاهی با زبانی تخصصی‌اند و فقر منابع ترویجی، آموزشی و داستانی در این حوزه کاملاً مشهود است. اگر قرار است قانون اساسی به متن زندگی مردم وارد شود، باید از طریق کتاب‌هایی قابل‌فهم، جذاب و متناسب با نیاز گروه‌های مختلف سنی و فکری معرفی شود. کودک و نوجوان ما باید از همان سال‌های آغازین، با مفاهیم اولیه ارزش‌های انقلاب، آزادی، عدالت، حق مشارکت و حقوق ملت آشنا شود، و این مهم، بدون تولید کتاب‌هایی خلاقانه و متنوع، ممکن نیست. جای خالی کتاب‌هایی برای والدین، معلمان، دانشجویان، طلاب، کارمندان و مدیران درباره حقوق عمومی و قانون اساسی، هنوز پُر نشده است و این خلأ، وظیفه‌ای بزرگ را متوجه نهادهای پژوهشی و آموزشی کشور می‌سازد.

در همین راستا، پژوهشکده شورای نگهبان امسال با نگاهی نو و حضوری متمایز در نمایشگاه کتاب شرکت کرده است. غرفه امسال پژوهشکده، تنها محل عرضه کتاب نیست؛ نمایشگاهی از تلاش‌های علمی، آموزشی و ترویجی یک نهاد حقوقی مهم است. بیش از ۴۰ عنوان اثر تازه منتشرشده در حوزه‌های حقوق عمومی، حقوق اساسی، تفسیر قانون اساسی، قانون‌گذاری، حقوق تطبیقی، مشروح مذاکرات و مبانی نظرات شورای نگهبان و آموزش مفاهیم بنیادین قانون اساسی، در غرفه انتشارات ما در این نمایشگاه عرضه شده‌اند. همچنین سامانه جدید فروش اینترنتی کتاب‌ها با ظاهری جدید و امکانات متنوع، دسترسی مخاطبان سراسر کشور را به آثار پژوهشکده آسان‌تر خواهد کرد.

توجه به قالب‌های مختلف، از متن‌های دانشگاهی و پژوهشی گرفته تا کتاب‌های آموزش عمومی، بروشورهای موضوعی، اینفوگرافیک‌ها، و حتی آثار قابل استفاده در مدارس، یکی از ویژگی‌های امسال فعالیت پژوهشکده است. تنوع در محتوا و قالب، توجه به علاقه‌مندی‌ها و نیازهای واقعی مخاطبان، و تأکید بر دسترس‌پذیری و کاربردی‌سازی مفاهیم حقوقی، بخشی از تحول محتوایی‌ای است که در این مسیر دنبال می‌شود.

این شماره «اساس‌نامه» را با امید به آن منتشر می‌کنیم که گامی باشد در جهت زنده‌تر شدن گفت‌وگو پیرامون قانون اساسی در فضای عمومی. همان‌گونه که کتاب می‌تواند دریچه‌ای باشد به سوی فهم جهان، قانون اساسی نیز می‌تواند پل ارتباطی میان مردم و ساختار حکمرانی عادلانه باشد. این پیوند را باید از طریق نشر، آموزش و گفت‌وگو تقویت کرد.

دانش خبر



بررسی ۱۱ مصوبه در پژوهشکده شورای نگهبان

حقیقی و حقوقی»، «طرح اصلاح قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز (مرحله چهارم)»، «اساسنامه صندوق حمایت از سرمایه‌گذاری صنایع کوچک»، «اساسنامه مرکز نظام ایمنی هسته‌ای کشور» و تعدادی از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی تهیه شد. در این گزارش‌ها، مصوبات مذکور از حیث موضوع‌شناسی و مغایرت یا عدم مغایرت آن‌ها با قانون اساسی برای استفاده در جلسه شورای نگهبان بررسی شده‌اند. گفتنی است در اسفند ۱۴۰۳ و فروردین ۱۴۰۴ بالغ بر ۱۹۷ صفحه گزارش اعم از گزارش‌های مجمع مشورتی حقوقی، نظرات استدلالی و استعلامات شرعی دیوان عدالت اداری تولید شده است.

در اسفند ۱۴۰۳ و فروردین ماه ۱۴۰۴ گزارش‌های مجمع مشورتی حقوقی برای «طرح تدوین و تنقیح قانون جامع سلامت»، «بخش دوم بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور»، «طرح فهرست قوانین و احکام نامعتبر در حوزه تجارت»، «طرح فهرست تصویب‌نامه‌های قانونی نامعتبر دوره فترت»، «طرح فهرست قوانین و احکام نامعتبر در حوزه کشاورزی و منابع طبیعی»، «طرح ساماندهی وضعیت حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی»، «لایحه اصلاح ماده (۸۷) قانون مدیریت خدمات کشوری (اعاده شده)»، «طرح استفساریه قانون منع فروش و واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی برای امر مسکن به شرکت‌های تعاونی مسکن و سایر اشخاص

رونمایی از چهل اثر علمی پژوهشکده شورای نگهبان با حضور وزیر علوم و اعضای شورای نگهبان



در حاشیه جلسه هیئت امنای پژوهشکده شورای نگهبان در تاریخ ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۳ که با حضور وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و اعضای شورای نگهبان برگزار شد، از چهل اثر علمی انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان که در سال ۱۴۰۳ چاپ و منتشر شده است، رونمایی شد.



این آثار شامل مشروح مذاکرات، مبانی نظرات و مجموعه نظرات فقهی شورای نگهبان، و کتب تألیفی در موضوعات شرح قانون اساسی، حقوق انتخابات، حقوق اقتصادی، دادرسی اساسی، حقوق تطبیقی، حقوق اساسی و غیره می‌باشد.

بررسی دو مصوبه در مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان

📌 دو مصوبه مجلس شورای اسلامی در جلسه روز یکشنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۳ مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان بررسی شد. در این جلسه که با حضور دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان و رییس پژوهشکده شورای نگهبان؛ دکتر پروین، عضو حقوقدان

شورای نگهبان؛ دکتر مولایی؛ عضو حقوقدان شورای نگهبان؛ دکتر طحان نظیف، عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان و جمعی از پژوهشگران تشکیل شد، اصلاحات صورت گرفته توسط مجلس شورای اسلامی در «طرح اصلاح موادی

از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران و دهیاران» و «جداول تفصیلی بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور» بررسی شد و حاضران درباره رفع و یا عدم رفع ایرادات شورای نگهبان بر این دو مصوبه اظهار نظر کردند.

برگزاری اولین پیش نشست علمی همایش بین المللی آزادی در منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی)



📌 اولین پیش نشست علمی همایش بین المللی حقوق ملت و آزادی مشروع در منظومه فکری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در تاریخ ۱۳ اسفند ماه ۱۴۰۳ با حضور آیت الله

رشاد، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ حجت الاسلام والمسلمین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و دکتر محمدجواد لاریجانی، رئیس پژوهشگاه دانش های بنیادی

در پژوهشکده شورای نگهبان و دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان و رییس پژوهشکده شورای نگهبان و رییس همایش در پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد

برگزاری نشست مشترک وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور با رئیس پژوهشکده شورای نگهبان

روسای دانشگاه‌ها و پژوهشگاه های کشور در ۱۴ اسفند ماه ۱۴۰۳ به صورت حضوری و مجازی در سالن شهدای جهاد علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگزار شد.

حسین سیمایی صراف، ویر علوم؛ دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان شورای نگهبان و رییس همایش، دکتر طحان نظیف، عضو حقوقدان شورای نگهبان و دبیر علمی همایش و

نشست تبیین همایش بین المللی حقوق ملت و آزادی مشروع در منظومه فکری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) با حضور دکتر

برگزاری کرسی ترویجی با موضوع «معناکاوی و سنجه‌شناسی عدالت قضایی در پرتو قانون اساسی»

علمی دانشگاه تهران و دکتر محمدهادی توکل پور، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضایی روز چهارشنبه ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۳ برگزار شد.

عدالت قضایی در پرتو قانون اساسی» با ارائه دکتر مصطفی مسعودیان، عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد و نقد دکتر محمد اسحاقی، عضو هیئت

کرسی نظریه پردازی، نقد و مناظره با همکاری این پژوهشکده و شورای عالی انقلاب فرهنگی با موضوع «معناکاوی و سنجه‌شناسی

بررسی ۸ پرونده استعلام شرعی دیوان عدالت اداری در پژوهشکده شورای نگهبان

کارگری، آموزش عالی، اموال تملیکی، امور اراضی، مالیات و موضوعات مختلف مربوط به شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهر و روستا بوده است.

شکایت شرعی تهیه و به جلسه فقهای شورای نگهبان ارائه شده است. این گزارش‌ها درباره طیف وسیعی از موضوعات از جمله فضای کسب و کار و مسائل

کارشناسان پژوهشکده شورای نگهبان در اسفند و فروردین گذشته، ۸ گزارش راجع به استعلامات شرعی دیوان عدالت اداری پیرامون پرونده‌های دارای

چهل و ششمین شماره فصلنامه دانش حقوق عمومی منتشر شد

پژوهشکده شورای نگهبان چهل و ششمین شماره (زمستان ۱۴۰۳) فصلنامه علمی- پژوهشی دانش حقوق عمومی را منتشر کرد. این فصلنامه که با هدف پیشبرد و اعتلای نظام حقوقی کشور به انتشار مقالات علمی- پژوهشی در حوزه حقوق عمومی مبتنی بر موازین اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد که با صاحب امتیازی پژوهشکده شورای نگهبان منتشر می‌شود.



علاقه‌مندان و پژوهشگران می‌توانند برای دریافت چکیده و اصل مقالات شماره جدید و اطلاع از فرایند چاپ مقالات در فصلنامه علمی- پژوهشی دانش حقوق عمومی به نشانی اینترنتی mag.shora-rc.ir مراجعه کنند.

کتاب گویای ترجمه قانون اساسی به زبان انگلیسی منتشر شد

کتاب گویای ترجمه قانون اساسی به زبان انگلیسی با همکاری پژوهشکده شورای نگهبان و شبکه رادیویی ایران صدا منتشر شد.

این پژوهشکده در راستای ترویج قانون اساسی و با توجه به فقدان ترجمه انگلیسی سلیس، روان و قابل اتکا از آن، با همکاری جمعی از مترجمین متخصص حوزه ترجمه زبان انگلیسی و همچنین متخصصین حوزه حقوقی اقدام به ترجمه انگلیسی متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به زبان انگلیسی کرد و با همراهی شبکه رادیویی ایران صدا، کتاب گویای قانون اساسی به زبان انگلیسی تهیه و در پایگاه اینترنتی این شبکه رادیویی منتشر شد.



جلسه هیات امنای پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد



را بررسی کردند و سپس درباره ساختار پژوهشکده به تبادل نظر پرداختند.

گفتنی است طبق اساسنامه پژوهشکده شورای نگهبان که به تصویب شورای نگهبان و به تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رسیده است، دبیر شورای نگهبان رئیس و عباسعلی کدخدایی، دبیر هیات امنای پنج نفر دیگر از اعضای شورای نگهبان، به همراه وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه کل کشور سایر اعضای هیات امنای پژوهشکده شورای نگهبان می باشند.

و سخنگوی شورای نگهبان و دکتر نجفی خواه، نماینده رئیس سازمان برنامه و بودجه، آقای دکتر کسکه، نماینده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در محل شورای نگهبان برگزار شد. در این جلسه دکتر علی فتاحی زفرقندی، قائم مقام پژوهشکده شورای نگهبان گزارشی از فعالیتها و برنامههای پژوهشکده در سال ۱۴۰۳ ارائه کرد و برنامههای پیش روی پژوهشکده را مطرح کرد و در ادامه اعضای هیات امنای پژوهشکده در سال ۱۴۰۳، ساختار ناک در پژوهشکده (نظارت، ارزیابی، تضمین کیفیت)

دومین جلسه هیات امنای پژوهشکده شورای نگهبان در سال جاری در تاریخ ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ با حضور آیت الله مدرسی یزدی، عضو فقیه شورای نگهبان؛ آیت الله اعرافی، عضو فقیه شورای نگهبان؛ دکتر حسین سیمایی صراف، وزیر علوم و تحقیقات و فناوری؛ دکتر سیامک رهپیک قائم مقام دبیر شورای نگهبان؛ دکتر عباسعلی کدخدایی عضو حقوقدان و رئیس پژوهشکده شورای نگهبان؛ دکتر حسن صادقی مقدم عضو حقوقدان و معاون اجرایی و امور انتخابات شورای نگهبان؛ دکتر هادی طحان نظیف عضو حقوقدان

بازدید دانشجویان دانشگاه‌های علوم اسلامی رضوی و تربیت مدرس از پژوهشکده شورای نگهبان



بازدید دانشجویان دانشگاه
تربیت مدرس (۱۴ اسفند ۱۴۰۳)



بازدید دانشجویان دانشگاه علوم
اسلامی رضوی (۷ اسفند ۱۴۰۳)

در راستای معرفی پژوهشکده و آشنایی دانشجویان با فعالیت‌های پژوهشکده شورای نگهبان، دو بازدید جداگانه از سوی دانشجویان دانشگاه علوم اسلامی رضوی (۷ اسفند ۱۴۰۳) و دانشگاه تربیت مدرس (۱۴ اسفند ۱۴۰۳) از این پژوهشکده انجام شد.

فراہانی (عضو هیئت علمی پژوهشکده) به تشریح فرآیند نظارت بر مصوبات مجلس، جایگاه شورای نگهبان و عملکرد معاونت پژوهش‌های کاربردی پرداختند.

این بازدیدهای دوساعته با هدف آشنایی دانشجویان با کارکردها و پژوهش‌های تخصصی پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد و فرصتی برای تعامل علمی میان دانشگاه‌ها و این نهاد پژوهشی فراهم کرد.

و صلاحیت‌های شورای نگهبان و فرآیند نظارت بر مصوبات مجلس را بررسی نمودند. در بازدید دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس که با همراهی دکتر حجت‌الله علم‌الهدی (قائم‌مقام سابق پژوهشکده و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس) صورت گرفت، دکتر امیر کشتگر (عضو هیئت علمی پژوهشکده) راهبردهای پژوهشی، پروژه‌ها و معاونت‌های پژوهشکده را معرفی کردند. همچنین دکتر محمدعلی

در بازدید دانشجویان دانشگاه علوم اسلامی رضوی، پس از مشاهده اسناد و جدیدترین آثار پژوهشکده، دکتر محمدرضا فارسیان (معاون اجرایی پژوهشکده) به تبیین ساختار و معرفی معاونت‌های پژوهشکده پرداختند. سپس دکتر علی فتاحی زفرقندی (قائم‌مقام پژوهشکده) بخش‌هایی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را تشریح کردند. در پایان، دکتر محسن ابوالحسنی (معاون پژوهش‌های کاربردی) جایگاه

برگزاری آکادمی زمستانه پژوهش حقوقی در پژوهشکده شورای نگهبان



دومین مدرسی که در روز اول دوره تخصصی آکادمی زمستانه پژوهش حقوقی به تدریس برای شرکت کنندگان پرداخت، دکتر محمدرضا اصغری شورستانی، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه علوم قضایی بود که درباره دسترسی به منابع فارسی و عربی در پژوهش حقوقی سخن گفت.

استاد دانشگاه علوم قضایی به منظور آشنایی شرکت کنندگان دوره با پایگاه‌های دسترسی به منابع و اسناد حقوقی، ابتدا به معرفی موتورهای جستجوگر عمومی فارسی و غیرفارسی پرداخت عمومی پرداخت و سپس پایگاه‌های خاص دسترسی به مقالات، کتب و پایان نامه‌های فارسی را معرفی کرد.

برای جویندگان دانش و هم برای نویسندگان برشمرد و سپس ضمن معرفی انواع مقاله، قواعد کلی مقاله‌نویسی حقوقی را تشریح کرد. این عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس همچنین به موضوعاتی مانند ساختار مقاله حقوقی، روش‌های انتخاب موضوع، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در تحقیق حقوقی و الزامات آنها، روش تطبیقی و تاریخی در تحقیقات حقوقی، منابع مهم در تحقیقات حقوقی و شیوه‌های ارزیابی تحقیقات حقوقی پرداخت و ذکر تجربه‌های عینی او در هر کدام از این حوزه‌ها به تبیین بهتر موضوعات برای حاضران در این دوره تخصصی کمک کرد و مورد استقبال آنها واقع شد.

دوره تخصصی آکادمی زمستانه پژوهش حقوقی به همت پژوهشکده شورای نگهبان و با همکاری بنیاد رشد و نوآوری حکمرانی ایران (برنا) در روزهای اول و دوم اسفند ۱۴۰۳ برگزار شد. اولین مدرس دوره تخصصی آکادمی زمستانه پژوهش حقوقی، دکتر علی بهادری، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس بود که راهبردهای مسئله‌شناسی، تدوین و انتشار یک پژوهش حقوقی را برای شرکت کنندگان تدریس کرد.

دکتر علی بهادری جهرمی در این دوره ضمن معرفی انواع محصولات تحقیق حقوقی، به تبیین اهمیت نگارش مقاله حقوقی پرداخت و آن را بهینه‌ترین ابزار پژوهشی هم



را به شکل عملیاتی تشریح کرد. دکتر محمد صادق فراهانی، پژوهشگر پسادکتری حقوق فناوری مدرس بعدی دوره تخصصی آکادمی زمستانه پژوهش حقوقی بود که موضوع دسترسی به منابع لاتین و ابزارهای کاربردی در پژوهش حقوقی را تدریس کرد. وی ابتدا به معرفی ابزارهای گردآوری اطلاعات پرداخت و در ادامه چگونگی مدیریت منابع را تشریح کرد و سپس پیشنهادهایی برای آسان شدن نگارش پژوهش‌های حقوقی به شرکت کنندگان در این دوره تخصصی ارائه کرد.

معاون حقوقی و امور مجلس مرکز ملی فضای مجازی سپس درباره چگونگی استفاده از پایگاه‌های استنادی خارجی با شرکت‌کنندگان در دوره سخن گفت و در نهایت نحوه دسترسی و دریافت رایگان کتب و مقالات خارجی را تشریح کرد.



این مدرس دانشگاه ابتدا به تبیین کلیات و مبانی هوش مصنوعی در پژوهش پرداخت و سپس قوانین و سیاست‌های حاکم بر پژوهش با هوش مصنوعی را تشریح کرد و در ادامه از نقش هوش مصنوعی در پژوهش سخن گفت.

قائم‌مقام پژوهشکده شورای نگهبان در ادامه با اشاره به اینکه باید هوش مصنوعی را در نقش همکار و دستیار پژوهشی پژوهشگر دید که کار پژوهش را تسهیل می‌کند، به معرفی مهم‌ترین ابزارهای پژوهشی هوش مصنوعی پرداخت و آنها را از حیث دسترسی و از حیث کاربرد در پژوهش و نیز از جهت قابلیت‌های آنها مقایسه کرد.

چگونگی اتصال و نیز چگونگی کاربرد ابزارهای هوش مصنوعی موضوع دیگری بود که فتاحی به آن پرداخت و در ادامه مراحل مختلف انجام پژوهش حقوقی با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی



پایگاه‌های خاص دستیابی به اسناد قانونی و همچنین متن قوانین، پایگاه‌های خاص دستیابی به آراء مرتبط با حقوق عمومی و گزارش‌های نظارتی، کتب مرجع تخصصی و دوره‌های آموزشی معتبر، پایگاه‌های مراکز آموزشی و پژوهشی فعال در زمینه حقوق، آراء و رویه‌های قضایی و همچنین پایگاه‌های داده برخط داخلی و خارجی از دیگر منابع فارسی و عربی در پژوهش حقوقی بودند که این عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه علوم قضایی به معرفی آنها برای شرکت‌کنندگان در دوره پرداخت.

دومین روز دوره تخصصی آکادمی زمستانه پژوهش حقوقی با تدریس دکتر علی فتاحی زفرقندی، قائم مقام پژوهشکده شورای نگهبان آغاز شد که درباره چگونگی کاربست هوش مصنوعی در تحقیقات حقوقی برای شرکت‌کنندگان در دوره سخن گفت.

پژوهشکده شورای نگهبان؛ برگزیده دومین دوره جایزه ملی قانون شد



گزارش کارشناسی پژوهشکده شورای نگهبان با عنوان «گزارش تجمیعی نسبت سنجی برنامه هفتم پیشرفت با قانون اساسی» در دومین دوره جایزه ملی قانون، عنوان گزارش برگزیده را کسب کرد و محسن ابوالحسنی، معاون کارشناسی پژوهشکده شورای نگهبان نشان دومین دوره جایزه ملی قانون را دریافت کرد.

شورای نگهبان که با عنوان «گزارش تجمیعی نسبت سنجی برنامه هفتم پیشرفت با قانون اساسی» به عنوان گزارش برگزیده دومین دوره جایزه ملی قانون در محور قانونگذاری خوب انتخاب شد، حاصل بررسی‌های فنی و تخصصی و نه صرفاً حقوقی برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران در معاونت کارشناسی پژوهشکده شورای نگهبان با حضور کارشناسان اکثر دستگاه‌های اجرایی کشور است.

سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری و ایجاد شبکه‌ای از نخبگان حوزه حقوق و سیاست‌گذاری، توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به عنوان بازوی علمی و مشورتی قوه مقننه طراحی شده است و در این دوره، آثار ارسالی در چهار محور «حکمرانی و حکومت قانون»، «نظام علم و تقنین»، «قانون‌گذاری خوب» و «مشارکت مردمی» به رقابت پرداختند. گفتنی است گزارش معاونت کارشناسی پژوهشکده

رویداد جایزه ملی قانون که آیین اختتامیه دومین دوره آن با حضور دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان و رئیس پژوهشکده شورای نگهبان؛ دکتر نگاهداری، رییس مرکز پژوهش‌های مجلس؛ محمدجواد لاریجانی، مدیر پژوهشگاه دانش‌های بنیادی و تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی برگزار شد، با هدف ترویج فرهنگ قانون‌مداری و حاکمیت قانون در جامعه و همچنین شناسایی و تکریم پژوهشگران و محققان حوزه

برگزاری کرسی ترویجی با موضوع «در جست و جوی نظریه قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران»



دکتر محمدهادی توکل پور، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضایی روز چهارشنبه ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۳ برگزار شد.

در پرتو قانون اساسی» با ارائه دکتر مصطفی مسعودیان، عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد و نقد دکتر محمد اسحاقی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و

کرسی نظریه پردازی، نقد و مناظره با همکاری این پژوهشکده و شورای عالی انقلاب فرهنگی با موضوع «معناکاوی و سنجه شناسی عدالت قضایی

برگزاری سه جلسه دفاع از طرح های جایگزین خدمت نظام وظیفه در پژوهشکده شورای نگهبان

در چارچوب طرح شهید صیاد شیرازی بنیاد ملی نخبگان، سه جلسه دفاع از طرح های پژوهشی جایگزین خدمت نظام وظیفه در پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد که در تمامی آن ها طرح های ارائه شده با درجه عالی مورد تأیید هیئت داوران قرار گرفت.



❖ در یازدهمین جلسه دفاع نیز که شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ برگزار شد، پژوهشگر نخبه علیرضا جعفرزاده بهاءآبادی طرح پژوهشی خود با عنوان «نگارش کتاب درسی متون فقه (۳) مقطع کارشناسی رشته حقوق» را ارائه نمود. این طرح پژوهشی با راهنمایی دکتر محمدصادق فراهانی و زیر نظر اساتید برجسته دکتر عبدالله بهارلویی (عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری) و دکتر میثم نعمتی (عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری) مورد ارزیابی قرار گرفت.

❖ دهمین جلسه دفاع که چهارشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۴ برگزار شد به دفاع پژوهشگر نخبه محمد بهمند فیروز از طرحی با موضوع «ضوابط و ارکان حاکم بر مسئولیت مدنی در نظرات شورای نگهبان» اختصاص داشت. این طرح پژوهشی با راهنمایی دکتر محمدصادق فراهانی و زیر نظر اساتید برجسته دکتر فیض‌الله جعفری (عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا)، دکتر محمد مهدی توکلی (پژوهشگر حقوق خصوصی و مدرس دانشگاه) مورد ارزیابی قرار گرفت.

❖ در نهمین جلسه دفاع که شنبه ۱۸ اسفند ۱۴۰۳ برگزار شد، پژوهشگر نخبه امیررضا اسدی طرح پژوهشی خود با عنوان «تحلیل رویه شورای نگهبان در خصوص جایگاه و حدود صلاحیت‌های هیئت وزیران» را ارائه کرد.

این طرح پژوهشی با راهنمایی دکتر محمدصادق فراهانی و زیر نظر اساتید برجسته دکتر یونس فتحی (عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا) و دکتر مسلم آقایی طوق (پژوهشگر حقوق عمومی و مدرس دانشگاه) مورد ارزیابی قرار گرفت.

قلمرو قانون؛



تفسیرها، تحلیل‌ها و اندیشه‌های حقوقی راهگشا

استاد حقوق دانشگاه دورام:

دوام قوانین اساسی بیش از هر چیز دیگری به وضعیت سیاسی کشورها بستگی دارد



گفت‌وگو و ترجمه: محمد شکوهی‌فر

اشاره: آناتوری پیلای از سال ۲۰۱۳ به دانشکده حقوق دورام^۱ پیوسته است و در زمینه حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل بشر تدریس می‌کند. تمرکز پژوهش‌های وی روی حق‌های اقتصادی و اجتماعی، از جمله حق مسکن، حق مراقبت‌های بهداشتی و حق تأمین اجتماعی است. وی مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد حقوق خود را از دانشگاه کوازولو-ناتال^۲ (آفریقای جنوبی) دریافت کرد و سپس در دانشگاه کیپ تاون^۳ (آفریقای جنوبی) مشغول به کار شد. او با دریافت بورسیه از صندوق دانشگاه کیپ تاون، برای تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی به دانشگاه کالج لندن^۴ رفت. پس از اتمام کارشناسی ارشد، در گروه حقوق عمومی دانشگاه کیپ تاون مشغول به کار شد و برای چندین سال، به تدریس حقوق اساسی، حقوق اداری و حقوق بین‌الملل بشر به دانشجویان این دانشگاه پرداخت. در سال ۲۰۰۶، بورسیه تحصیلی کشورهای همسودی (مشترک المنافع) را برای تحصیل در مقطع دکتری در دانشگاه کالج لندن دریافت کرد.

1. Durham University

2. KwaZulu-Natal

3. Cape Town

4. University College London



موضوع رساله وی بررسی نقش قضات در اعمال حق‌های اقتصادی و اجتماعی در آفریقای جنوبی، هند و بریتانیا بود. پس از اتمام دکتری و پیش از پیوستن به دانشکده حقوق دورام، به مدت دو سال، مدرس حقوق اساسی در دانشگاه لیدز^۱ بود. از آناشیری پیلا، مقالات متعددی در زمینه‌هایی مانند حق‌های اقتصادی و اجتماعی افراد، نظارت قضایی و غیره در مجلات معتبر بین‌المللی به چاپ رسیده است.

متن کامل گفت‌وگو با این استاد حقوق اساسی را در ادامه می‌خوانید.

سطح جزئیات موجود در قانون اساسی هند به دو عامل برمی‌گردد. نخست آنکه، مجلس مؤسسان ابتدا ۳۸۹ عضو داشت و سپس با تقسیم هند این تعداد به ۲۹۹ عضو کاهش یافت. اعضای این مجلس پیشنهادها، پیشنهادهای سیاسی، مذهبی و شغلی بسیار متنوعی داشتند. حزب کنگره — در مقام رهبر جنبش استقلال هند و حزبی سیاسی که پایگاه ایدئولوژیکی گسترده‌ای {در میان مردم} داشت — می‌خواست مطمئن شود که دامنه نمایندگی و نیابت {قانون اساسی} گسترده باشد. افزون بر این، تصمیمات مجلس مؤسسان، به جای رأی‌گیری، از طریق اجماع اتخاذ می‌شدند. هدف از همه این موارد کسب حمایت گسترده برای قانون اساسی کشوری بود که جمعیتش از تنوع قومیتی بالایی برخوردار بود و داشت از اقتدارگرایی حکومت استعماری فاصله می‌گرفت. در چنین فضایی، نیاز مبرمی به یک درک جدید و مشترک از قانون اساسی‌گرایی دموکراتیک احساس می‌شد.

سؤال: قوانین اساسی معمولاً اصول و ساختارهای بنیادین کشورها را ترسیم کرده و تدوین جزئیات قانونی را به نهادهای قانون‌گذار واگذار می‌کنند؛ با این حال، قانون اساسی هند چنین رویکردی نداشته و به جزئیات نیز پرداخته است. همان‌گونه که در یکی از مقالات خود تحت عنوان «قانون اساسی جمهوری هند» اشاره کرده‌اید: «قانون اساسی هند ... طولانی‌ترین قانون اساسی جهان است، به گونه‌ای که پیش‌نویس اولیه آن دارای ۳۹۵ اصل، هشت برنامه و جزئیات اداری بسیاری بود و تاکنون ۱۰۶ متمم نیز به آن افزوده شده است». چرا قانون اساسی هند تا این حد مفصل است؟ مزایا و معایب این سطح از تفصیل چیست؟ لطفاً توضیح دهید.

دلیل دوم به تأثیر «قانون حکومت هند مصوب سال ۱۹۳۵» مربوط می‌شود. در همان مقاله‌ای که خودتان اشاره کردید گفته‌ام که استقلال هند یک فرایند انتقال قدرت تدریجی از بریتانیا بود که از طریق همین قانون صورت گرفت؛ گفتنی است که این قانون هم‌شأن قانون اساسی است. قانون حکومت هند بسیار بحث‌برانگیز بود — از یک سو، در بریتانیا، آن را بسیار رادیکال و افراطی می‌دانستند و از سوی دیگر، در هند، از آن انتقاد می‌کردند که «پیامدهایش برای استقلال این کشور» کافی نیست. با این حال، هنگام تدوین قانون اساسی هند، برخی از تدوین‌کنندگان — به دلیل وجود قانون مصوب سال ۱۹۳۵ — تجربه قابل توجهی در زمینه مدیریت دولتی داشتند. بسیاری از مفاد قانون اساسی هند مستقیماً از همین قانون گرفته شدند. گفتنی است که تدوین‌کنندگان قانون اساسی آشکاراً می‌خواستند که این سند بازتاب‌دهنده هند جدید باشد و قصدشان این بود که وام‌گیری از قانون حکومت هند بر این هدف تأثیر نگذارد؛ در واقع، مفاد این قانون پایه و اساسی برای توسعه بیشتر {قانون} اساسی قلمداد می‌شد.

در خصوص مزایا و معایب قوانین اساسی بسیار مفصل نیز که پرسیدید، مباحثی که بالاتر گفتیم نشان می‌دهند که گاهی اوقات این امر چندان انتخابی هم نیست، بلکه ناشی از شرایط و بافتاری است قانون اساسی در آن تدوین می‌شود. {در برخی موارد،} برای دستیابی به یک توافق، بین طیف وسیعی از ذی‌نفعان و تصویب یک پیش‌نویس، ممکن است لازم باشد که به جزئیات متن نیز پرداخته شود تا ابهامات و تناقضات

موجود رفع گردند. از آن سو، در برخی موارد نیز ممکن است جلب رضایت طرفین به عنصر ابهام نیاز داشته باشد — یعنی حل و فصل برخی مسائل به آینده موکول شود. یک مثال {بجا} برای این موضوع، تصمیم تدوین‌کنندگان قانون اساسی مصوب سال ۱۹۹۶ آفریقای جنوبی است که تصمیم‌گیری پیرامون مجازات اعدام را به دادگاه قانون اساسی این کشور واگذار کردند؛ این دادگاه نیز در نخستین حکم خود، در سال ۱۹۹۵، در خصوص آن تصمیم‌گیری کرد. تدوین‌کنندگان این کار را با تصویب یک بند به نام «حق زندگی» انجام دادند که بی‌قید و شرط است؛ بخش ۱۱ قانون اساسی آفریقای جنوبی به‌وضوح بیان می‌دارد: «همه افراد حق زندگی دارند». دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی مجازات اعدام را مغایر با قانون اساسی تشخیص داد.

سؤال: یکی از نکات دیگری که به آن اشاره کرده‌اید «دوام» استثنایی قانون اساسی هند است. می‌توانید توضیح دهید که چه عناصر و سازوکارهای کلیدی‌ای در قانون اساسی هند وجود دارند که ماندگاری آن را تضمین کرده‌اند؟ قانون اساسی هند با چه چالش‌های خاصی روبه‌رو بوده و چگونه از طریق راهکارهای مختلف، همچون اجماع سیاسی، تفسیر قضایی، اصلاح قانون اساسی و غیره، خودش را با این چالش‌ها وفق داده است؟

به قانون اساسی و قانون اساسی‌گرایی مطرح می‌شود، تاکنون هیچ چالش بنیادینی در خصوص مشروعیت قانون اساسی وجود نداشته است — حداقل نه آن نوع چالشی که منجر به اصلاح عمده آن شود. بنابراین، این امر نشان می‌دهد که تلاش‌های تدوین‌کنندگان ثمربخش بوده است: آنها {موفق شدند} سندی را تدوین کنند که درکی مشترک از دموکراسی را ایجاد کرد و تقویت‌کننده همان درک برای آینده بود.

در عین حال، این درک {مشترک از دموکراسی همیشه} ثابت و مورد توافق همگان نیست. قانون اساسی هند تاکنون ۱۰۶ بار اصلاح شده و متمم خورده است. افزودن متمم یکی از ابزارهایی است که به قانون اساسی امکان می‌دهد تا موضوعیت خودش را حفظ کند و با نیازهای روبه‌تحول جامعه همگام بماند. برای نمونه، در سال ۱۹۸۹، با تصویب یک متمم قانون اساسی، سن رأی‌دهی از ۲۱ سال به ۱۸ سال کاهش یافت و توانایی جمعیت جوان هند برای مشارکت در فرایندهای سیاسی افزایش پیدا کرد. در عین حال، {تعدد متمم‌ها} این پرسش را برمی‌انگیزاند که مفاد قانون اساسی در چه وضعیت و جایگاهی قرار دارند؟ فارغ از هر چیزی، اگر مفاد قانون اساسی از نوعی جایگاه «برتر و عالی» برخوردار نباشند، دست‌کم در حد استدلال و بحث، می‌توان گفت که این سند هیچ تفاوتی با دیگر قوانین عادی ندارد. رویکرد هند نسبت به تصویب متمم‌های قانون اساسی نه همانند برخی کشورها سخت‌گیرانه است و نه همانند برخی دیگر سهل‌گیرانه؛

احساس ضرورت برای تدوین یک قانون اساسی جدید، در هر کشوری، در شرایط محدودی اتفاق می‌افتد. به طور کلی، می‌توان گفت که معمولاً نوعی بحران یا گسست از گذشته به تدوین قوانین اساسی جدید منجر می‌شود؛ برای نمونه، می‌توان به پیدایش یک کشور جدید از طریق جدایی یا مواقعی اشاره کرد که قانون اساسی {جدید} سرآغاز استقلال کشور مربوطه از بند استعمار یا سایر حکومت‌های سرکوبگر است. گاهی اوقات نیز، ممکن است قوانین اساسی منسوخ شوند و تغییرات مورد نیاز، آن‌قدر گسترده باشند که نتوان از طریق اصلاح به آنها دست یافت؛ برای نمونه، منتقدان قانون اساسی مصوب سال ۱۹۴۴ ایسلند همین استدلال را مطرح می‌کنند. با این حال، از بحران مالی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۱ نیز به‌عنوان یکی از عواملی یاد می‌شود که منجر به {آغاز} روند {ناتمام} اصلاح قانون اساسی این کشور در طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۳ شد. از این رو، دوام قوانین اساسی — بیش از هر چیز دیگری — به وضعیت سیاسی کشورها بستگی دارد. پراتاپ بانو مهتا، {یکی از حقوق‌دانان برجسته هند}، این کشور را یک «دموکراسی سیاسی آشفته» توصیف کرده است. فساد در کشور گسترده است، نابرابری اجتماعی و اقتصادی همچنان یک مشکل جدی محسوب می‌شود و خشونت علیه زنان و اقلیت‌های مذهبی نیز ادامه دارد. با وجود این {چالش‌ها}، هند از زمان استقلالش تاکنون یک دموکراسی پایدار بوده است. افزون بر این، اگرچه در هند نیز، همانند هر دموکراسی دیگری، انتقاداتی نسبت

به عبارت دیگر، موقعیت این کشور در میانه طیف قرار دارد که نه متمم‌ها را با کسب اکثریت ساده تصویب می‌کند و نه رویکرد بسیار سختگیرانه‌ای مانند ایالات متحده آمریکا و استرالیا دارد که تصویب متمم در آنها بسیار نادر است.

هر بحثی پیرامون متمم‌های قانون اساسی هند — بدون اشاره به «دکترین ساختار بنیادین»^۱ — ناقص خواهد بود. توسعه این دکترین از دو چالش مهم حکایت دارد که در آغازین سال‌های شکل‌گیری دموکراسی برآمده از قانون اساسی هند ایجاد شدند. این دکترین در گیرودار نبردی پدید آمد که بر سر اصلاحات ارضی در دادگاه‌ها جریان داشت. قانون اساسی هند — به‌مثابه سندی تحول‌آفرین — تدوین شد و بسیاری از مفاد آن بر ضرورت انجام اصلاحات اجتماعی فوری صحنه می‌گذارند. مباحثی که در مجلس مؤسسان مطرح می‌شد بازتاب‌دهنده این نگرانی بودند که پاسداری از حقوق بنیادین افراد — به ویژه حق مالکیت — ممکن است تلاش‌ها برای اصلاحات اجتماعی را با مشکل مواجه کند. در سال‌های اولیه، به نظر می‌رسید که این نگرانی‌ها موجه هستند — زمین‌داران ثروتمند با طرح حق مالکیت خود نزد دادگاه‌ها کوشیدند تا مانع اقدامات دولت شوند: دولت هند قصد داشت تا برای تملک زمین‌ها، غرامت‌های متفاوتی بپردازد و به عمل مالیات‌ستانی زمین‌داران ثروتمند از زمین‌داران کوچک پایان دهد. در واکنش به این موضوع، پارلمان هند چندین متمم را برای قانون اساسی

کشور تصویب کرد. در پرونده گولکنات^۲، که در سال ۱۹۶۷ طرح گردید، اکثریت قضات دیوان عالی هند اعلام کردند که پارلمان نمی‌تواند قانون اساسی را به‌گونه‌ای اصلاح کند که حقوق بنیادین افراد را خدشه‌دار کند.

پس از انتخابات سال ۱۹۷۱، پارلمان هند چندین متمم را به تصویب رساند که هدفشان حفظ قدرت این نهاد برای تحدید حقوق مالکیت و اصلاح قانون اساسی بود. این متمم نیز، در پرونده سرنوشت‌ساز کساواناندا^۳، نزد دیوان عالی کشور به چالش کشیده شدند. اگرچه دیوان رأی پرونده گولکنات را نقض کرد، اما اظهار داشت که قدرت {پارلمان} برای اصلاح قانون اساسی شامل تغییر ساختار بنیادین یا ویژگی‌های بنیادین قانون اساسی نمی‌شود. این ویژگی‌های بنیادین عبارت‌اند از:

(۱) برتری و تفوق قانون اساسی؛

(۲) چارچوب جمهوری و دموکراتیک حکومت؛

(۳) ماهیت سکولار قانون اساسی؛

(۴) تفکیک قوا بین نهاد قانون‌گذار، نهاد اجرایی و نهاد قضایی؛

(۵) ماهیت فدرال قانون اساسی. این {رویداد} آغاز «دکترین ساختار بنیادین» هند بود.

این دکترین همچنان در حال تحول است — تصمیم‌گیری پیرامون اینکه آیا یک متمم با ساختار بنیادین قانون اساسی مغایرت دارد یا خیر بر عهده دیوان عالی است. بنابراین، طبیعی

1. Basic Structure Doctrine
2. Golaknath
3. Kesavananda



به همین ترتیب، در زمینه دعاوی مربوط به منافع عمومی نیز، اقدامات عده‌ای از قضات و وکلا، از دهه ۱۹۷۰، برای تسهیل آیین دادرسی در راستای بهبود دسترسی افراد محروم به دادگاه‌ها سبب شد تا دادگاه‌ها — به‌ویژه دیوان عالی کشور — به‌مثابه محلی برای اصلاحات اجتماعی شناخته شوند. با این حال، از آن زمان تاکنون، دیوان عالی هند این نقش را پیوسته و مداوم ایفا نکرده است. دلایل این امر متنوع و پیچیده هستند؛ در اینجا، باز هم سؤالاتی در مورد نقش نهاد قضایی و استقلال آن مطرح می‌شوند. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که رویکرد متغیر دیوان عالی هند، در زمینه اصلاحات اجتماعی، ناشی از نگرانی‌های این نهاد در خصوص امنیت نهادی‌اش است. دیوان عالی این کشور — گاهی اوقات — تسهیل‌کننده اصلاحات اجتماعی بوده، اما همیشه این کار را با در نظر گرفتن واکنش‌های منفی احتمالی از سوی دولت انجام داده است.

است که این امر سبب بروز نگرانی‌هایی در خصوص کنشگری قضایی قضات شده است، هرچند که دیوان عالی هند، در طول سال‌های مختلف، در استفاده از این دکترین خویشتن‌دارانه و سنجیده عمل کرده است. افزون بر این، در جریان وضعیت اضطراری ۱۹۷۵-۱۹۷۷ — که دوره‌ای بسیار چالش‌برانگیز در تاریخ قانون اساسی هند بود — دیوان عالی هند آن متممی را، که رسیدگی قضایی پیرامون انتخابات نخست‌وزیری و ریاست مجلس را تحدید می‌کرد، مغایر با ساختار بنیادین قانون اساسی تشخیص داد. با این حال، این رویکرد یکدست و ثابت نبود — دیوان عالی هند در رأی خود پیرامون پرونده «دادرس منطقه‌ای اضافی، جبالپور علیه اس‌اس شوکلا»، که با انتقادات شدیدی مواجه شد، اعلام نمود که اختیارات دولت برای بازداشت پیشگیرانه در دوران وضعیت اضطراری، که در سرکوب حقوق مخالفان سیاسی و روزنامه‌نگاران مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفت، مشمول نظارت قضایی نیست. بسیاری از صاحب‌نظران، این رأی را (که تنها یک قاضی با آن مخالف بود) به این واقعیت نسبت می‌دهند که استقلال قضایی {دیوان} در آن زمان از سوی دولت تهدید می‌شد.



مالیات بر عایدی سرمایه و مجموع درآمد؛ الزامات تحقق شعار سرمایه‌گذاری برای تولید



محمد خزائی
دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق(ع)

در حوزه تولید و لزوم مشارکت فراگیر و همگانی اعم از بخش خصوصی و دولتی و همچنین مشارکت عموم مردم در این مسیر اشاره فرموده اند. این تأکیدات با عنایت به وضعیت کنونی اقتصاد ملی که با چالشهای ساختاری متعدد و محدودیت های جدی مواجه است و شرایط تورمی حاکم بر آن منجر به سرازیری سرمایه های مردمی به سمت فعالیت های نامولد مانند بازار طلا و ارز شده است قابل فهم

سال ۱۴۰۴ مانند چندین سال گذشته با محوریت حل مشکلات اقتصادی کشور از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان سال سرمایه گذاری برای تولید نام گذاری گردید. انتخابی که بیانگر اهمیت حیاتی و استراتژیک هدایت منابع مالی و داراییهای اقتصادی به سمت فعالیت های مولد و تولید محور است. معظم له در پیام نوروزی خویش به ضرورت نقش آفرینی سرمایه گذاری

نیز مالیات بر عایدی سرمایه میتواند جریانهای نقدینگی را از بخشهای غیر مولد و ناپایدار اقتصادی به حوزه های پایدار و تولید محور منتقل کرده و موجب ایجاد ثبات و پایداری در بازارهای مالی و کالایی شود.

از طرف دیگر مالیات بر مجموع درآمد (PIT) به عنوان یک پایه مالیاتی دیگر نیز دارای کار کرد تنظیم گری مشابهی است. با این حال این مالیات علی رغم آنکه چندین سال است در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار دارد. تاکنون به تصویب نرسیده است. این در حالی است که استقرار این پایه مالیاتی با فراهم آوردن امکان شناسایی دقیق تر و جامع تر درآمدهای حقیقی افراد، موجب هدایت مؤثر منابع اقتصادی به سمت فعالیتهای مولد خواهد شد. همچنین اجرای صحیح این مالیات موجب ارتقای عدالت افقی و عمودی در نظام مالیاتی افزایش شفافیت اقتصادی و تقویت شرایط بهینه برای سرمایه گذاری های بلند مدت و پایدار در حوزه تولید خواهد گردید.

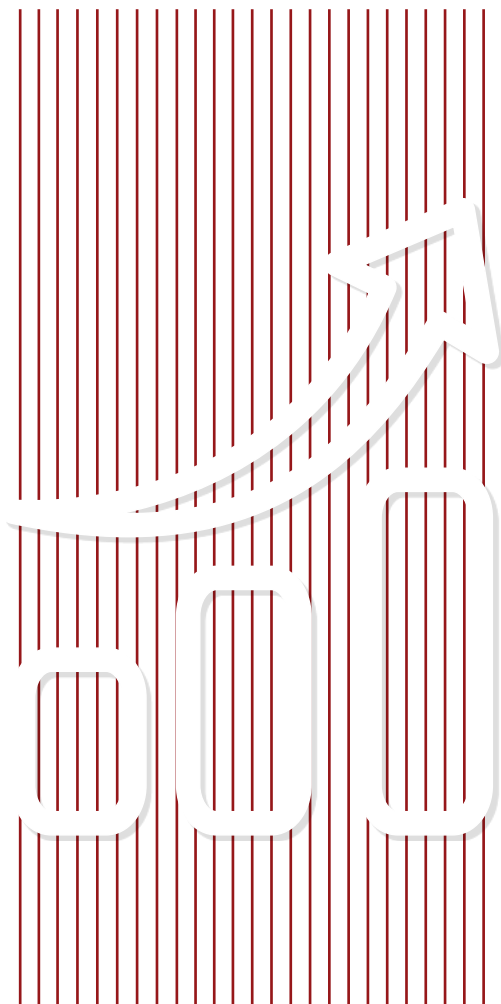
با این وجود مجلس شورای اسلامی در مسیر تصویب این دو پایه مالیاتی با برخی موانع و چالشهای جدی مواجه شده است. طرح مالیات بر سوداگری و سفته بازی به دلیل اشکالات و ایرادات مطرح

و تحلیل میباشد. در این شرایط هدایت سرمایه های عمومی به حوزه تولید به عنوان یک راهکار عملیاتی میتواند نقشی محوری و تعیین کننده در غلبه بر مسائل و معضلات اقتصادی و حل مشکل معیشت مردم ایفا کند.

در این چارچوب پایه های مالیاتی مرسوم نظیر «مالیات بر عایدی سرمایه و مالیات بر مجموع درآمد» که در بسیاری از کشورهای جهان اعمال میشود می توانند به مثابه ابزارهای مؤثری برای تحقق هدف جهت دهی سرمایه ها به سوی تولید محسوب گردند. مالیات بر عایدی سرمایه (CGT) که در سال ۱۴۰۲ تحت عنوان طرح مالیات بر سوداگری و سفته بازی» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید به عنوان سازوکاری برای مقابله با پدیده های سوداگرانه و سرمایه گذاریهای غیر مولد و مخرب معرفی شده است. تجارب بین المللی نیز بیانگر آن است که وضع و اجرای این مالیات علاوه بر کاهش تمایلات سوداگرانه موجب افزایش منابع درآمدی دولت تقویت عدالت اجتماعی و ارتقای سطح تخصیص بهینه منابع مالی خواهد شد.

مطالعات کارشناسی نیز بر اهمیت و ضرورت تحقق این مالیات تأکید نموده و آن را به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی برای کنترل و مدیریت فعالیتهای غیر مولد ارزیابی کرده اند. از منظر اقتصاد سیاسی

برای همراهی با سیاستهای مالیاتی جدید خواهد شد و در مجموع تحقق این اقدامات زمینه را برای عملیاتی شدن شعار راهبردی سال سرمایه گذاری برای تولید به شکل مطلوب و اثر گذار فراهم خواهد نمود.



شده از سوی شورای نگهبان و هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام هنوز به مرحله نهایی نرسیده است. به موازات این امر طرح مالیات بر مجموع درآمد نیز همچنان در مرحله بررسی های تقنینی و کارشناسی قرار دارد. تأخیر در فرایند قانون گذاری و تصویب این دو پایه مالیاتی زمینه ساز استمرار وضع موجود و تداوم جهت گیری منابع مالی به سمت فعالیتهای غیر مولد خواهد بود. از این رو ضروری است مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای ذی صلاح در سال سرمایه گذاری برای تولید با اتخاذ رویکردی جامع کارشناسانه و تعامل محور موانع حقوقی و تقنینی موجود را به سرعت مرتفع نمایند.

بنابراین مجلس شورای اسلامی باید با درک شرایط خاص اقتصادی کشور و اهمیت تحقق راهبرد کلان اقتصادی سال ۱۴۰۴ پیگیری تصویب و اجرای دقیق این دو پایه مالیاتی را در اولویت دستور کار سال ۱۴۰۴ خود قرار دهد. اتخاذ سیاستهای اجرایی دقیق فراگیر و کارآمد در کنار تلاش برای ارتقای فرهنگ مالیاتی و آگاهی بخشی عمومی نیز میتواند به تسریع و ارتقای کارآمدی فرایند اجرای این سیاستها کمک نماید تقویت سازوکارهای نظارتی و شفافیت بخش در این زمینه موجب ارتقای اعتماد عمومی و ایجاد انگیزه در فعالان اقتصادی



قانون مالیات های مستقیم، دیوار کج نظام حقوقی- اقتصادی کشور



دکتر مهدی ابراهیمی
پژوهشگر پژوهشکده شورای نگهبان



ملت به شکل عمده‌ای تضییع شود. امروز و پس از ۴۶ سال اجرای این قانون در نظام اسلامی و در سایه اعمال اصلاحات سال ۱۳۹۴ شاهد موارد متعددی از نقض نظام اداری صحیح، نهادینه سازی تعارض منافع و ظلم به ملت در مفاد آن هستیم. فارغ از متن قانون حاکم که از جهات مختلف محل خدشه است، رویه‌های جاری در سازمان مربوطه و نحوه تعامل نامناسب متصدیان این سازمان و ادارات آن

قانون مالیات های مستقیم نخستین بار در سال ۱۳۴۵ تصویب گردید تا بنیاد نظام مالیاتی کشور قرار گیرد. علی‌رغم چندین بار اصلاح، مع الاسف متن مواد این قانون و اصلاحیه های آن هیچ گاه مورد نظارت و سنجش شرعی و اساسی از ناحیه شورای نگهبان قرار نگرفت. از این رو به عقیده متخصصین تعجبی ندارد که این قانون مملو از ابهامات و ایرادات شرعی یا اساسی باشد و در نتیجه حقوق

با مردم هم مزید بر علت. نویسنده در این یادداشت سعی دارد با نگاه مروری و کلی بر مواد قانونی، نمایی از وضعیت نامناسب موجود را به نمایش بگذارد تا با نیکاندیشی مسئولین ذی ربط جملگی در مسیر اصلاح قرار گرفته و برطرف گردد و شاهد نظم و نظامی در شان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باشیم.

نخستین ایراد وارد بر قانون مالیات های مستقیم ماده ۲۱۷ این قانون است که صریحا مقرر می دارد:

«به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه داده می شود که یک درصد از وجوهی که بابت مالیات و جرایم موضوع این قانون وصول می گردد (به استثنای مالیات بر درآمد شرکت های دولتی) در حساب مخصوص در خزانه منظور نموده و در مورد آموزش و تربیت کارمندان در امور مالیاتی و حسابرسی و تشویق کارکنان و کسانی که در امر وصول مالیات فعالیت موثری مبذول داشته و یا می دارند خرج نماید. وجوه پرداختی به استناد این ماده به عنوان پاداش وصولی از شمول مالیات و کلیه مقررات مغایر مستثنی است.»

این ماده طبیعتا مقامات، مدیران و کارمندان این سازمان را تشویق به اخذ هرچه بیشتر مالیات از مردم و در عمل از اضافه دریافتی آن منتفع می گرداند. این رانت و پورسانت قانونی همچنین زمینه رفتار غیرقانونی و عملکرد جهت دار مسئولین مالیاتی اعم از ممیزان و مدیران این سازمان را فراهم می کند. عمق این ایراد و تخطی از قاعده مهم اجتناب از تعارض منافع در نظام اداری، آنگاه مشخص می شود که شاهدیم بسیاری از پرونده های مالیاتی علی الراس، بدون بررسی و مذاقه، بدون ابلاغ و اطلاع فرد مودی به شکل شتابزده تشکیل شده و در موارد متعددی، آشکارا در تعارض با موازین حقوقی، مشمول جرایم سنگین مالیاتی و تحمیل بارمالی نامشروع به افراد می شوند.

عاملی که این نقیصه را تشدید می کند مواد ۹۷ و ۱۹۱ قانون مالیات های مستقیم است. مطابق ماده ۹۷ قانون مزبور در مواردی که دفاتر و اسناد مؤدی مورد پذیرش قرار نگیرد، سازمان امور مالیاتی می تواند مالیات را به صورت علی الرأس (برآوردی) تعیین کند. این مساله شامل کثیری از مودیان غایب و نامطلع از فرایند تشکیل پرونده خود نیز می شود. افرادی که با رفتار خاص ادارات مالیاتی در نهایت از حقوق مسلم خود مندرج در مواد ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۳۷ و ۲۳۹ جهت اعتراض بی بهره می مانند.

از طرفی ماده ۲۷۰ قانون مزبور در مقام تهدید مجریان مالیاتی، مقرر داشته است:

«هر گاه بعد از تشخیص مالیات و غیر قابل اعتراض بودن آن معلوم شود که ماموران مالیاتی و نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور عضو هیات حل اختلاف مالیاتی از روی تعمد یا مسامحه بدون توجه به اسناد و مدارک مودی و بدون تحقیقات کافی درآمد مودی را کمتر یا بیشتر از میزان واقعی تشخیص داده‌اند، علاوه بر جبران خسارت وارده به میزانی که شورای عالی مالیاتی تعیین می‌نماید متخلف به مجازات اداری حداقل سه ماه و حداکثر پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.»

این دو ماده اولاً امکان تعیین علی‌الراس مالیات را حتی بدون اطلاع از مشروعیت و مبنای صحیح اخذ آن و به استناد هر مدرکی پیش‌بینی نموده و ثانیاً از خوف مجازات و البته به‌طمع بهره‌مندی از «هر میزان» مالیات بدست آمده و از «هر طریق»، زمینه اخذ ظالمانه حداکثری، بدون مبنای مستند قانونی را از مردم فراهم می‌آورد.

مضاف بر این مساله باید ماده ۱۵۷ این قانون را نیز بررسی کرده و مزید بر علت

دانست. در این ماده مقرر گردیده است که نسبت به مؤدیان مالیاتی که در اظهارنامه یا ترازنامه و حساب سود و زیان تسلیمی خود درآمدی ابراز نکرده‌اند و همچنین نسبت به سایر مؤدیانی که از اساس اظهارنامه یا ترازنامه و حساب سود و زیان تسلیم نکرده‌اند، مرور زمان مالیاتی پنج سال از تاریخ سررسید پرداخت مالیات وضع می‌گردد و پس از انقضای پنج سال مذکور، مطالبه مالیات مربوطه در هیچ موردی امکان‌پذیر نخواهد بود. این مساله عامل دیگری در نقض قواعد حقوقی و رفتار بر مبنای نظام اداری صحیح بوده و بر مبنای آن مقامات مالیاتی از اساس، بدون ملاحظه فرایند قانونی تشکیل پرونده و ابلاغ، بار تعهدات و هزینه‌ها را مستقیماً بر فرد مظنون به پرداخت مالیات انداخته و با گام‌های بعدی که در قالب اختفاء حقوق، ترس و تهدید از پرداخت جرایم و دیرکرده‌ها، انجام می‌شود، ایشان را وادار به پرداخت مبالغی می‌کند که در بسیاری از موارد از اساس وجاهت و مشروعیت قانونی ندارد.

در این خصوص نمی‌توان رفتار ناپسند برخی ممیزین ادارات مالیاتی را نادیده گرفت که پس از سکوت و مخفی نمودن حقوق مؤدیان و اخذ مبالغ مالیاتی گزاف، در مقام مواجهه با اعتراض ایشان و از آنجا که به واقع مستندات پرونده کافی و محرز مبالغ‌ماخوذه نبوده، این‌گونه

بسته شدن حساب های بانکی، با اضطراب مبالغی را چه بسا بلاوجه می پردازد تا پس از آن به اختیار، و نه تکلیف قانونی وزیر، پرونده او با صرف زمان و هزینه زیاد مجدداً مورد رسیدگی مجدد قرار گیرد. رسیدگی که می تواند عطف به ماده ۲۱۷ موجب کاهش درآمد سازمان و پاداش های مستقیم ذی نفعان باشد.

فارغ از این موضوع مساله ارجاع به کارشناسان حسابرسی و از اساس منصوبان هیات های رسیدگی کننده به اعتراضات، همان افرادی هستند که یا علقه سازمانی دارند و یا از طرف مقام قضایی به عنوان نماینده حاضر می شوند که دسته دوم هم همانند حسابرسان متعلق به خانواده نظام مالیاتی هستند و فاقد خصیصه بی طرفی و تعارض منافع هستند.

بر این اساس و بر مبنای تجربه نظام حقوقی و پرونده های متعدد مالیاتی مطروحه در دیوان عدالت اداری لازم است پویش جدی برای اصلاح این قانون اولاً بر مبنای اصول مسلم عدالت، عدم تعارض منافع و نظام اداری صحیح و ثانیاً تحت نظارت و اشراف شورای نگهبان صورت پذیرد تا زمینه رفع مظالم موجود و اصلاح نظام مالیاتی کشور که بستر مهمی برای عدالت اجتماعی و رونق اقتصادی است فراهم گردد.

استدلال می کنند که «پرداخت اماره صحت در محاسبه مبالغ و مشروعیت اخذ است و وقتی مودی پرداخت می کند، یعنی بدهی را قبول داشته است.» شایان ذکر است در این مرحله که عملاً حقوق این دسته از مودیان از همه جا بی خبر برای اعتراض و اصلاح مبالغ تضییع شده، هیچ راهی برای تجدید نظر خواهی باقی نمی ماند مگر سازکار ماده ۲۵۱ که همه چیز را در مسیر احقاق حق حقوق مودیان در این فرایند ناصحیح، فارغ از تعارض منافع اعضای هیات رسیدگی کننده به یک «می تواند» وزیر وابسته نموده است:

ماده ۲۵۱ مکرر: «در مواردی که مودی مالیاتی به ادعای غیرعادلانه بودن مالیات قطعی شده در مراجع مالیاتی شکایت داشته باشد، می تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی هیأت حل اختلاف مالیاتی، شکایت خود را همراه با دلایل و مدارک به دبیرخانه هیأت موضوع این ماده تسلیم نماید.

وزیر امور اقتصادی و دارایی می تواند شکایات واصله را به هیأتی مرکب از سه نفر که از بین اشخاص باتجربه و مطلع در امور مالیاتی انتخاب می شوند، ارجاع نماید. رأی هیأت به اکثریت آراء قطعی و لازم الاجرا است.»

به عبارت دیگر، مودی پس از اغوا و تهدید شدن به پرداخت مضاعف و دریافت تذکر شدید عواقب عدم پرداخت اعم از



بازار سرمایه؛ شاه‌کلید مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری برای تولید مسکن



حمید فعلی

پژوهشگر پژوهشکده شورای نگهبان



نیامده است. از سوی دیگر رونق تولید در صنعت مسکن به عنوان یک صنعت مادر می‌تواند صنایع دیگر را نیز به تبع فعال شدن و رشد خود راه بیندازد. اما علیرغم تأکید اصل ۳۱ قانون اساسی بر ضرورت تضمین حق بر مسکن متناسب با نیاز برای هر فرد و خانواده ایرانی توسط دولت و با وجود اینکه سرمایه‌گذاری در ملک و مسکن در ایران امنیت اقتصادی نسبی داشته و جزء

تأکید مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر بر مقوله تولید، اغلب به دلیل افت و خیزهای اقتصادی و سیاسی با موانعی جدی برای تحقق پیشرفت اقتصادی کشور مواجه بوده است. از جمله مهمترین عوامل ایجاد قدرت پایدار برای با ثبات‌سازی و کاهش تأثیر مسائل سیاسی، مشارکت مردم در تولید است که به دلایل متعددی تا کنون توفیق چندانی در این زمینه به دست

۱. انتشار اوراق بهادار مرتبط با مسکن

یکی از انواع اوراق بهادار، اوراق یا صکوک اجاره است که دارنده آن به صورت مشاع، مالک بخشی از دارایی است که منافع آن بر اساس قرارداد اجاره به مصرف‌کننده یا بانی واگذار شده است. شرکت‌های توسعه‌دهنده مسکن می‌توانند با استفاده از دارایی‌های خود (زمین یا پروژه‌های نیمه‌تمام) اوراق اجاره منتشر کنند تا منابع مالی مورد نیاز برای تکمیل پروژه‌ها را تأمین کنند. این اوراق در بورس یا فرابورس معامله می‌شوند و بازدهی آنها ناشی از اجاره‌بهای دارایی‌های پایه است. اوراق رهنی نیز که در تبصره (۴) ماده (۴) قانون جهش تولید مسکن و مطابق با ماده (۱۴) قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن در شبکه بانکی برای تأمین مالی ساخت مسکن، در صورت اعطای تسهیلات مسکن قابل انتشار در بانک مقرر شده است، اگرچه در ماده (۶) این قانون اشاره به پرداخت یارانه سود انتشار آنها از منابع صندوق ملی مسکن شده است، اما در بورس نیز قابل انتشار بوده و می‌تواند به عنوان روشی برای تأمین مالی مسکن تلقی بشود. انتشار اوراق مشارکت برای پروژه‌های مسکن نیز از جمله دیگر انواع انتشار اوراق است که در بازار سرمایه رد بخش مسکن می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. با انتشار اوراق مشارکت منابع حاصل از آن می‌تواند توسط دولت یا شرکت‌های خصوصی صرف ساخت مسکن بشود. این اوراق می‌تواند با حمایت دولت یا بانک مسکن برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران عرضه شود. در جزء (۴) ماده (۱۴) قانون ساماندهی اوراق مشارکت در

اصلی‌ترین نیازهای مردم بوده و بیش از ۴۰ درصد سبد هزیننه خانوار را تشکیل می‌دهد و به این جهات می‌تواند برای مشارکت مردم در تولید بسیار انگیزه‌بخش باشد، اما دولت‌های مختلف نتوانسته‌اند، مشارکت مردم را به ساخت مسکن به نحو مطلوبی جلب نمایند. در این راستا ماده ۵ قانون جهش تولید مسکن مصوب ۱۴۰۰/۵/۱۷ بر تأسیس، توسعه و تسهیل مقررات فعالیت صندوق‌های سرمایه‌گذاری موضوع بند (۲۰) ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ برای تأمین مالی ساخت و اجاره واحدهای مسکونی از طریق جذب سرمایه بخش خصوصی تأکید کرده است و با این روش مسئله تولید مسکن می‌تواند از طریق مشارکت مردم با سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه تا حد قابل توجهی رفع گردد. با این حال جلب سرمایه‌های مردمی در بازار سرمایه به طور کلی و در بخش مربوط به مسکن از بازار سرمایه با موانع مختلفی مواجه است که در اجرای ماده (۵) مزبور منجر به عدم تأمین مالی مسکن از طریق بازار سرمایه و اتکای بیشتر به بانک شده است.^۱ سازکارهای حقوقی رفع این موانع اهمیت ویژه‌ای در این بین دارد. در این یادداشت، ضمن بررسی مهمترین راهکارهای حقوقی مالی مسئله فوق، کلید اصلی جلب مشارکت مردم در تولید مسکن به ویژه با تأکید بر قانون جهش تولید مسکن بررسی می‌شود.

۱. صلواتیان و حیدرپور، ۱۴۰۳: ۱۲

تمامی امور و هزینه‌های پیدا کردن، خرید، اجاره و نگهداری ساختمان را برعهده داشته و متوسط سوددهی آنها در سال مالی گذشته ۴/۵۳ درصد و معادل دو برابر سود بانکی بوده است. این صندوق‌ها با جذب سرمایه از مردم، منابع را در پروژه‌های ساخت مسکن سرمایه‌گذاری می‌کنند. سرمایه‌گذاران از سود حاصل از فروش یا اجاره واحدها بهره‌مند می‌شوند.

صندوق‌های سرمایه‌گذاری در مسکن را عمدتاً در نوع می‌توان مشاهده کرد: صندوق‌های زمین و ساختمان (ETCF) و صندوق‌های سرمایه‌گذاری املاک و مستغلات (REITs). در صندوق‌های املاک و مستغلات مالک یا اداره‌کننده املاک و مستغلات است یا تأمین‌کننده املاک درآمدزا است و به سرمایه‌گذاران خرد نیز اجازه سرمایه‌گذاری در املاک بدون نیاز به خرید آنها داده می‌شود. این صندوق‌ها به سه نوع مالکیت املاک و مستغلات، املاک و مستغلات رهنی و صندوق‌های ترکیبی تقسیم می‌شوند. در نوع مالکیتی صندوق با خریداری املاک از طریق لیزینگ و تعمیر و ساخت و ساز کسب درآمد می‌کند و در نوع رهنی از طریق خرید وام‌های رهنی در بازار ثانویه و صندوق‌های ترکیبی نیز هر دو نوع فعالیت را می‌کنند.^۲ سرمایه‌گذاری در این صندوق‌ها می‌تواند محدود به بخش خصوصی نبوده و بخش عمومی و دولتی نیز می‌توانند با تزریق سرمایه و ارائه املاک خود

جوزه حمایت بانک‌ها از تولید مسکن بدین بیان مقرر شده است: «انتشار اوراق مشارکت و سایر ابزارهای مالی اسلامی مانند صکوک و استصناع با سررسیدهای مختلف»، لیکن کاربست این ابزار در بازار سرمایه نیز مزایای خود را دارد، کما اینکه بانک‌ها تا کنون چندان در تأمین مالی تولید مسکن موفق ظاهر نشده‌اند و راهکاری جایگزین و انگیزه‌بخش برای سرمایه‌گذاران باید ایجاد بشود. با این حال هنوز این اوراق جای خود را به عنوان جایگزین اوراق قرضه باز نکرده‌اند.^۱ علاوه بر این اوراق مباحه برای فروش اقساطی مسکن نیز راهکار دیگری در زمینه اوراق بهادار پشتیبان تولید مسکن در بازار سرمایه است. از این طریق شرکت‌های سازنده می‌توانند واحدهای مسکونی را به صورت نقدی تأمین مالی کنند و سپس به خریداران به صورت اقساطی بفروشند.

۲. ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری در مسکن

صندوق‌های سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مسکونی (RESEs) در کشورهایی نظیر ایالات متحده آمریکا (۱۹۶۵)، کانادا (۱۹۹۳)، ژاپن (۲۰۰۱)، فرانسه (۲۰۰۳)، آلمان و بریتانیا (۲۰۰۷) و مجموعاً ۴۰ کشور به صورت پیش‌بینی صندوق‌های سرمایه‌گذاری املاک و مستغلات در قانون، تجربیات موفق و یا بعضاً کم‌توفیقی را داشته است. مثلاً در فرانسه شرکت‌های سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات (IPSC)

۱. قلی‌زاده منقوطی، ۱۳۹۷، ۲۲۰.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: پاک‌نژاد، نوید و رضانی، مریم، (۱۴۰۳)، ظرفیت‌های اجرای ماده (۵) قانون جهش تولید مسکن: ابزارها و راهکارهای بازار سرمایه در صنعت ساختمان و تولید مسکن (با تأکید بر صندوق‌های سرمایه‌گذاری بخش مسکن)، گزارش دفتر مطالعات زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۹۹۴۳.

به این بازار نه تنها موجب رونق آن بشوند، بلکه برخی نهادهای عمومی غیر دولتی نظیر صندوق‌های بازنشستگی را که دچار کمبود منابع در بودجه دولتی و وجود معضل در استقلال مالی از دولت بوده، مطابق پژوهش‌های صورت گرفته می‌توانند منابع مالی پایداری را با نقدشوندگی بالایی برای خود ایجاد نمایند.^۱

در مقابل صندوق‌های زمین و مسکن جانب در دولت یا بخش خصوصی می‌تواند صندوق‌هایی ایجاد کند که زمین‌های دولتی یا پروژه‌های نیمه‌تمام را به سرمایه‌گذاری عمومی اختصاص دهد. سرمایه‌گذاران در این نوع صندوق‌ها با خرید واحدهای تجاری، اداری و مسکونی در تأمین مالی ساخت و ساز شریک می‌شوند. این صندوق‌ها می‌توانند از طریق بستر ماده (۶) قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن، از اراضی تفاهم با دولت زمینه سرمایه‌گذاری برای مولدسازی اموال مازاد دولتی را فراهم کنند. طبق این ماده کلیه وزارخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی که صدرصد (۱۰۰٪) سرمایه و سهام آنها متعلق به دولت می‌باشد مکلفند نسبت به واگذاری رایگان اراضی در اختیار خود که در چهارچوب مکان‌یابی‌های موضوع این قانون واقع می‌گردند با فوریت اقدام نمایند. مطابق تبصره (۲) ماده (۸) آیین نامه اجرایی مولدسازی دارایی‌های دولت که در راستای اجرای مصوبه مولدسازی دارایی‌های دولت، جلسه ۶۷ شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا تصویب شده

است، این دسته از اموال دولتی نیز جزء اموال مازاد موضوع مصوبه شورای عالی نبوده و از حیث کاربردهای اختصاص داده شده برای اموال مازاد در این مصوبه با مانعی مواجه نیست. در این راستا در ماده (۳) آیین نامه اجرایی ماده (۵) قانون جهش تولید مسکن مصوب ۱۴۰۲ به دولت چنین اجازه‌ای داده است، اما مسئله اینجاست که نوع این صلاحیت اختیاری است و بخشی از چنین فرآیندی نسبت به اموال مازاد دولتی باید به صلاحیتی تکلیفی مبدل بشود. کما اینکه اغلب مواد فصل دوم قانون جهش تولید در خصوص تأمین زمین، بار تکلیفی بر دستگاه‌های دولتی دارد.

۳. تسهیل مقررات پذیرش شرکت‌های ساخت‌وساز در بورس و فرابورس

از طریق کاهش و تسهیل شرایط پذیرش برای شرکت‌های عمرانی و مسکن در بازار سرمایه تخصصی مسکن می‌توان مطابق منطق حاکم بر قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰، می‌تواند ورود سرمایه به ساخت مسکن را افزایش داد. سازمان بورس می‌تواند معیارهای پذیرش شرکت‌ها را برای شرکت‌های فعال در حوزه مسکن تسهیل کند تا بتوانند از طریق افزایش سرمایه یا انتشار اوراق، منابع مالی جذب کنند. همچنین برای افزایش نقدشوندگی سهام شرکت‌های ساخت و ساز، می‌توان از حامیان مالی (Market Maker) استفاده کرد تا سرمایه‌گذاران خرد با اطمینان بیشتری وارد این بازار شوند.

۱. رسولیان، دشتبانی و گل‌کانی، ۱۴۰۱: ۵۱

مردم سرمایه‌گذار ایجاد کند. بنابراین برای پروژه‌های مسکن ارزان قیمت یا اجتماعی، دولت می‌تواند اصل و سود اوراق را تضمین کند تا ریسک سرمایه‌گذاری کاهش یابد، در حالی که چنین تضمینی در قانون جهش تولید مسکن در این نیامده است.

۶. توسعه بازار بدهی اسلامی

بازار بدهی بازاری است که در آن انواع اوراق مبتنی بر بدهی مبادله می‌شوند. استفاده از صکوک و اوراق وقف برای مسکن محرومان راهکار دیگر تأمین مالی مسکن از طریق بازار سرمایه است. از این طریق نهادهای عمومی یا خیریه می‌توانند از صکوک وقف برای ساخت مسکن‌های اجتماعی استفاده کنند و بازدهی آن را از محل اجاره یا فروش واحدها پرداخت کنند.

۷. افزایش آگاهی و آموزش سرمایه‌گذاران

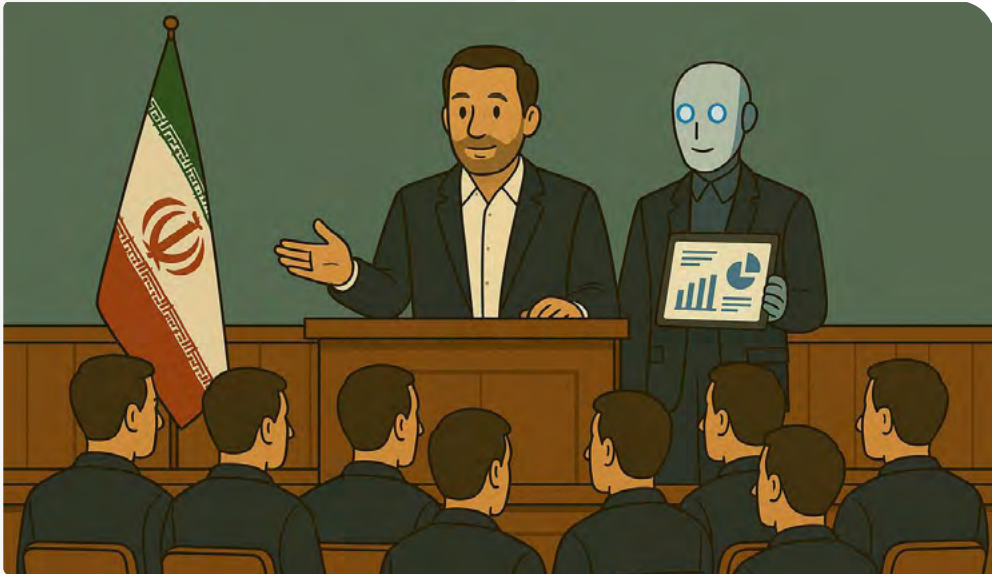
در انتها نیز باید افزود که بدون آگاهی مردم از ظرفیت‌های بازار سرمایه برای ساخت و خرید مسکن، نمی‌توان انتظار داشت سرمایه‌هایی که در نظام بانکی بدون گردش مالی مولد خفته است وارد این بخش بشود. بنابراین برای اجرای مطلوب ماده (۵) قانون جهش تولید مسکن برنامه‌های ترویجی بورس مسکن باید در دستور کار دولت قرار گیرد. سازمان بورس و وزارت راه و شهرسازی می‌توانند با آموزش عمومی با کمک رسانه به ویژه سازمان صدا و سیما، مردم را با مزایای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مسکن از طریق بورس آشنا کنند.

۴. انتشار اوراق گام (اوراق حق تقدم ساخت مسکن)

سازوکار پیش‌فروش مسکن از طریق بورس نیز راهکار دیگری است که طی آن دولت یا سازندگان می‌توانند اوراقی منتشر کنند که به دارندگان آن حق خرید واحدهای مسکونی با قیمت ثابت در آینده داده شود. این روش شبیه پیش‌فروش سنتی مسکن است، اما با نظارت بورس و کاهش ریسک عدم تکمیل پروژه همراه است.

۵. مشوق‌های مالیاتی و تضمین‌های دولتی

معافیت مالیاتی برای سرمایه‌گذاران در تبصره (۱) ماده (۵) قانون جهش تولید مسکن نسبت به دو جهت «انتقال زمین‌های بخش دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی» و «انتقال واحدهای مسکونی از صندوق به دارندگان واحدهای سرمایه‌گذاری نهایی این صندوق‌ها و اجاره املاک و مستغلات توسط شرکت‌های سرمایه‌گذاری» پیش‌بینی شده است. به نظر می‌رسد معافیت‌های بیشتری نیز در سایر ابعاد فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌های خصوصی مزبور در این بخش قابل پیش‌بینی باشد که البته این مسئله در ماده (۹) آیین مربوطه در همین حد آمده و در این قالب نمی‌توان قانون را توسعه و تفسیق داد. بنابراین مبتنی بر رویکرد بند (۶) سیاست‌های کلی نظام در بخش تشویق سرمایه‌گذاری ابلاغی ۱۳۸۲ مقام معظم رهبری، دولت می‌تواند سود حاصل از سرمایه‌گذاری در اوراق یا صندوق‌های مسکن را از مالیات معاف کند و در این جهت قانون مزبور باید اصلاح بشود. علاوه بر این تضمین دولتی برای اوراق پروژه‌های مسکن اجتماعی می‌تواند اعتماد بیشتری برای



امکان سنجی استفاده از هوش مصنوعی به عنوان دستیار در نظارت شورای نگهبان بر مصوبات



علیرضا مزینانی
پژوهشگر پژوهشکده شورای نگهبان



امروزه با پیشرفت چشم‌گیر و برق‌آسای هوش مصنوعی، تمام علوم بشری تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند؛ به عبارت دیگر هوش مصنوعی که هدف از پیشبرد آن تقلید هوش بشری توسط ماشین‌ها برای بهبود زندگی انسان‌هاست، تمام علوم و فنون را وارد فصل جدیدی کرده است. علم حقوق نیز از این قاعده مستثنا نیست و مباحث مربوط به حقوق و هوش مصنوعی در سالیان اخیر مورد توجه حقوق‌دانان برجسته جهان قرار گرفته است. کاربرد هوش مصنوعی در حوزه‌های مختلف حقوقی از جمله قضاوت و وکالت، تسهیل در تدوین قراردادهای حقوقی، حقوق انتخابات، تدوین و تنقیح قوانین، حکمرانی و دولت الکترونیک و بسیاری از ساحات دیگری که حقوق به عنوان دانش تنظیم روابط اجتماعی در آن ورود پیدا می‌کند، از نظر تئوریک تثبیت و در بسیاری از کشورها در سطوح عملی اجرایی شده است.

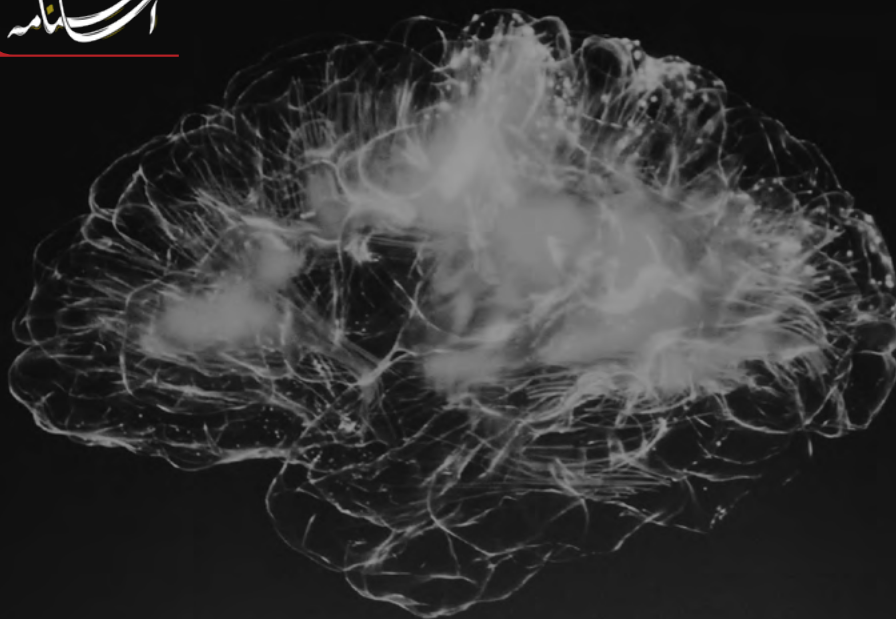
سیستم هوش مصنوعی منتقل کرد تا در پرونده‌های پیش‌رو مطابق آن حکم کند. مطابق اصول نود و چهار و نود و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مهلت شورای نگهبان برای نظارت بر انطباق مصوبات مجلس شورای اسلامی با شرع مقدس و قانون اساسی، ده روز است که شورا می‌تواند در صورت عدم کفایت این مهلت، ده روز دیگر نیز از مجلس شورای اسلامی درخواست تمدید وقت کند. طبیعتاً در این فرصت اندک، بررسی ابعاد گوناگون یک مصوبه و تطبیق آن با ۱۷۷ اصل قانون اساسی امری دشوار است. به علاوه این صلاحیت شورای نگهبان انحصاری بوده و صرفاً باید از طریق ۱۲ عضو شورا صورت گیرد و قابل تفویض به غیر نیست. این ضیق وقت و پیچیدگی و زمان‌بر بودن تطبیق مصوبات با قانون اساسی، به صورت ویژه درباره مصوبات مطول و دارای مواد متعدد نمایان می‌شود؛ مصوباتی که ممکن است تدوین و نهایی‌سازی آن سال‌ها در مرکز پژوهش‌های مجلس، جلسات کمیسیون و جلسات صحن به طول انجامیده باشد ولی شورای نگهبان موظف به اعلام نظر خود در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت این مصوبات با قانون اساسی در مهلت نهایتاً ۲۰ روز است.

یکی از مهمترین کاربردهای هوش مصنوعی در حقوق، تسهیل در امر دادرسی است. به کارگیری هوش مصنوعی در حقوق یک پیشنهاد جدی در تضمین یک عادلانه دادرسی است و موجب اطمینان از انصاف و برابری تصمیم‌گیری می‌شود. اگر پیشرفت‌های هوش مصنوعی با داده‌های کافی و سامانه‌های هدفمند همراه باشد، اقدامات تشخیصی بر عهده دادرس را تغییر خواهد داد. با وجود دستیار هوشمند، مقام دادرس می‌تواند به جای اقدامات فعلی، بر فرآیندهای دادرسی نظارت کند و تجربه و شهود خود را برای هدایت فرآیند ورودی و ارزیابی خروجی هوش مصنوعی به کار گیرد. امروزه این کاربرد هوش مصنوعی در حوزه دادرسی قضایی در بسیاری از کشورهای جهان، مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. کاربرد هوش مصنوعی در فرآیند نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس شورای اسلامی اساسی نیز سازوکاری مشابه دادرسی قضایی دارد و می‌توان از آن به عنوان ابزاری برای کمک در تطبیق یک مصوبه با اصول قانون اساسی استفاده کرد؛ بدین معنا که اگر با استخراج رویه نهاد شورای نگهبان و احصا کامل آن، تفکیک موضوعی و در صورت لزوم تحلیل سوابق صورت گیرد، در هر حوزه داده‌هایی بدست می‌آید که می‌توان آن را به

برای تسهیل در فرآیند فوق‌الذکر، شورای نگهبان از سال‌ها پیش راهکارهایی را تجربه کرده است که مهم‌ترین آن بررسی کارشناسی مصوبات مجلس در پژوهشکده شورای نگهبان پیش از طرح در جلسات شورا است تا پژوهشگران حقوقی با تدقیق در این امر، گزارش کارشناسی تدوین و این گزارش در جلسات شورا طرح شده و فرآیند تصمیم‌گیری را برای اعضا تسهیل کند. با تمام این‌ها اما امروزه هوش مصنوعی نشان داده در هر حوزه می‌تواند تحول‌آفرین باشد و با بهره‌گیری از این فناوری در فرآیند مذکور نیز می‌توان صفحه جدیدی را بر روی شورای نگهبان و نظارت بر مصوبات باز کرد. برای تسهیل در امر دادرسی اساسی، می‌توان با طراحی یک سیستم هوش مصنوعی و تهیه الگوریتم‌های لازم در این خصوص، از این فناوری به عنوان ابزاری برای تهیه گزارش اولیه بررسی مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی مبتنی بر رویه و نظرات پیشین شورای نگهبان استفاده کرد تا به عنوان یک دستیار در کمترین زمان ممکن و متناسب با محدودیت زمانی شورا، به کار گرفته شود. بدیهی است که در هر حال تصمیم‌گیری نهایی با اعضای شورای نگهبان است و هوش مصنوعی در این حوزه، صرفاً به عنوان دستیاری تسهیل‌گر کاربرد دارد.

طبیعتاً مباحث فنی مربوط به ساخت سیستم‌های هوش مصنوعی جهت بهره‌برداری از آن در این حوزه، بر عهده متخصصان علوم کامپیوتر است؛ لکن طراحی و تدوین داده‌ها و استدلال حقوقی به عنوان الگوریتمی که این سیستم‌ها بایستی مبتنی بر آنها کار کنند، در حیطه تخصص پژوهشگران حقوق است. در علوم کامپیوتر الگوریتم را به عنوان مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های متوالی و با جزئیات کامل که برای حل یک مسئله مورد استفاده قرار می‌گیرد، تعریف می‌کنند. سیستم‌های کامپیوتری برای اجرای کارها و انجام وظایف خود نیازمند داده و برنامه هستند. با توجه به موارد گفته شده، برنامه نویسی، نقطه شروع تولید یک برنامه نیست؛ بلکه پیش از شروع برنامه‌نویسی و پیاده‌سازی کدها، بایستی مراحل گام به گام انجام یک کار تهیه و تدوین شود. بنابراین برای نوشتن یک برنامه که در کامپیوتر اجرا می‌شود، ابتدا به الگوریتم آن نیاز است.

با توضیحات فوق‌الذکر، پیش‌نیاز کاربست هوش مصنوعی به عنوان دستیار در فرآیند نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی از سوی شورای نگهبان، طراحی الگوریتم حقوقی آن است. بدین منظور نیز بایستی رویه شورای نگهبان در موضوعات گوناگون احصا و تقسیم‌بندی شود تا سیستم هوش مصنوعی مبتنی بر این داده‌های الگوریتمی



و نظرات شورای نگهبان در خصوص هر موضوع طی ۴۴ سال اخیر، مصوبات مجلس شورای اسلامی را بررسی و با قانون اساسی تطبیق دهد. البته این تعریف با تسامح بوده و ممکن است با الگوریتم‌های رایج در علوم کامپیوتر که در بیشتر موارد به زبان رایانه طراحی می‌شوند، تناسب زیادی نداشته باشد. از این جهت باید «الگوریتم حقوقی» را عنوان جدیدی مبتنی بر توضیحات گفته‌شده دانست که به ادبیات حقوق فناوری‌های نوین اضافه می‌گردد.

ممکن است گفته شود داده‌های موجود در سامانه جامع نظرات شورای نگهبان، یعنی مصوبات مجلس و نظرات شورای نگهبان و مصوبات اصلاحی مجلس، می‌توانند برای این منظور کافی باشند. اما به نظر می‌رسد با استفاده از این داده‌های خام نمی‌توان خروجی مطلوبی از سیستم هوش

مصنوعی گرفت و بدین جهت بایستی با طبقه‌بندی موضوعی نظرات در هر حوزه و اضافه کردن شرح و تفصیل در صورت نیاز، نتیجه عملکرد هوش مصنوعی را تا حد ممکن دقیق کرد و ضریب خطای آن را کاهش داد. برای تأمین این داده‌ها نیز از سال‌ها پیش پژوهشکده شورای نگهبان کلان‌پروژه تحقیقاتی‌ای را تحت عنوان «حقوق اساسی رویه‌ای» برای شناسایی رویه شورای نگهبان در موضوعات گوناگون آغاز کرده که بسیاری از موضوعات آن به سرانجام رسیده‌اند. به نظر می‌رسد با وجود این مجموعه غنی محتوایی، پیش‌نیاز محتوایی استفاده از هوش مصنوعی در بررسی مصوبات تأمین شده و در صورت نیاز و وجود زیرساخت‌های فنی، امکان بهره‌گیری از این فناوری به عنوان تسهیل‌گر دادرسی اساسی وجود دارد.

محفل اندیشه؛



کرسی‌هایی برای نوآوری و دانش

آیت‌الله سعدی در تبیین نظریه ولایت فقیه مطرح کرد:

بیعت مردم برای معصوم مشروعیت‌ساز نیست



اشاره: در ادامه سلسله جلسات «الگوی حکمرانی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه» با تدریس آیت‌الله سعدی، جلسات هفتم و هشتم در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۱ و چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۵ با حضور جمعی از پژوهشگران پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد.

بازخوانی ادله بیان شده توسط صاحب دراسات در باب نظریه نخب

آیت‌الله سعدی با اشاره به آنکه بایستی ادله نخبیون فی حدّ نفسها و به خودی خود مورد بررسی قرار بگیرد، بیان نمودند که خوب است تا دلائلی که قائلان به نظریه نخب با تمسک به آنها نظریه خویش را مطرح می‌سازند مورد	
--	--



شاید خیلی صحیح نباشد، مخصوصاً بر اینکه دلیل اخصّ از مدّعا است و به لحاظ عقلی می‌توان چندین فرضیه داد تا انحصار طُرق در حکم عقل را از بین برد نه اینکه لزوماً به انتخاب ولی امر از سوی عامّة مردم برسیم؛ فرض بکنیم که به‌همان حکم عقل می‌توان به تصمیم‌گیری اهل حلّ و عقد رسید نه اینکه راه‌کار، منحصر در طریق انتخاب و آن هم از سوی تک‌تک افراد باشد. لذا از این نظر، انحصار طریق در گونه‌ای که صاحب دراسات به آن اشاره می‌کنند مورد نقد است.

استاد درس خارج حوزه علمیه دلیل دوم را از منظر صاحب دراسات، «سیره عقلاء» عنوان نمودند و این گونه مورد تحلیل قرار دادند که سیره عقلاء چنانچه مورد ردع شارع قرار نگرفته باشد مورد تمسک قرار می‌گیرد

مطالعه، مذاقه و کنکاش قرار گیرد تا این مهم معلوم آید که آیا این ادله، فی حدّ نفسها و به خودی خود، در دلالت بر نظریه نخب، تمامیت دارد؟ از این‌رو ایشان با اشاره به کتاب دراسات - به‌عنوان مهم‌ترین منبعی که نظریه نخب را مطرح می‌سازد - ادله مطرح شده در این کتاب پیرامون نظریه نخب را در ادامه، طرح و مورد نقد و تحلیل قرار دادند.

عضو مجلس خبرگان رهبری با قرائت متن کتاب دراسات {صفحات ۴۹۳ به بعد از جلد نخست این کتاب}، نخستین دلیل از نظر صاحب دراسات را که بر نظریه نخب دلالت دارد، «دلیل عقل» عنوان نمودند و در نقد دلالت آن اینگونه بیان داشتند که به‌نظر می‌رسد اجمالاً استنباطات عقلیه به این صورتی که در این دلیل بیان شده، در فقه



عضو مجلس خبرگان رهبری دلیل چهارم از مجموعه ادله نخب را «عهد و بیعت مردم با ولی امر» معرفی نموده و در تحلیل و نقد آن تصریح داشتند که تمسک به این دلیل عجیب بوده و دلالت آن برای اثبات نظریه انتخاب، بعید است؛ چرا که اولاً بیعت برای معصوم که مشروعیت‌ساز نیست و این امر اتفاقی و اجماعی بین المسلمین است که بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت با نصرت بوده است. حال شما چطور بیعت با معصوم را زمینه‌ساز نظریه انتخاب می‌دانید؟ معلوم است که چنین چیزی با نص ولایت نبی و امیر المؤمنین علیهما السلام که منصوب من قبل الله بودند، معارض خواهد بود. ثانیاً اشکال دیگر آن است که ما در ارکان اینک بیعت، انتخاب حاکم را می‌رساند شک و تردید داریم و از این‌رو شما نمی‌توانید به عموماً خود آن عقد (از جمله اوفوا بالعقود) استناد کرده و صحت آن را اثبات کنید. در نتیجه، این دلیل نیز تمام نخواهد بود.

آیت الله سعدی در تشریح دلیل پنجم از ادله انتخاب، «دله قرآنی و روایی ناظر بر شورا» را معرفی نموده و اشاره داشتند که فارغ از بررسی هر یک از روایات مورد استناد در این زمینه، لازم است تا نکته‌ای را به صورت کلی در نقد چنین استنباطی از روایات بیان کنیم. ایشان بیان نمودند که به‌طور مثال به استدلال امیر المؤمنین علیه السلام در مقابل معاویه اشاره می‌کنند که حضرت، فرمایشاتی بر این مضمون داشته‌اند: همانانی که با خلفای پیشین بیعت نمودند با بنده بیعت نموده‌اند. در پاسخ به این دلیل و مشابه آن بایستی گفت همان گونه که

و حال آنکه در بحث ولایت، می‌دانیم که انتخاب را اگر مشروعیت‌ساز بدانیم این امر مردود، مطرود و مورد رد معصوم علیه السلام قرار گرفته است. از این نظر، سیره عقلاء در این خصوص، مورد امضاء شارع نیست و با سیره عقلانی نمی‌توان عدم الردع شارع را ثابت نمود و به تعبیر دیگر، کبری قضیه که نمی‌تواند محقق موضوع خودش باشد.

در ادامه، آیت الله سعدی دلیل سوم صاحب نظریه نخب را استناد به «قاعده سلطنت یا قاعده تسلیط» بیان نموده و در نقد آن این گونه بیان نمودند که سلطه بر حقوق است و نه بر احکام؛ به این معنا که در قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم»، ماهیت آن، سلطه بر حق است و حال آنکه در بحث ولایت، ما شاهد ماهیت حکمی آن هستیم و بایستی گفت که بین امر یا همان ولایت و مال که مردم بر آن مسلط هستند، تمایز و تفاوت است. در نتیجه، امر یا ولایت از مصادیق حق نیست که اموال بر آن صدق نموده و بتوان قاعده سلطنت را در آن جاری دانست.

که برای هر فرد یک سهم رأی در نظر می‌گیرند
مغایر و بلکه معارض است.

ایشان در انتهای جلسه نیز به پرسش‌های مطرح
شده از سوی پژوهشگران پرداختند.

از نصب خاص تا نصب عام؛ تحلیل تطبیقی مشروعیت معصوم و فقیه

در جلسه هشتم، آیت الله سعدی با اشاره به خلاصه مطالب جلسات پیشین، بر این نکته تأکید نمودند که قصد ایشان از ارائه مطالب در این جلسات، «طراحی ساختار قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی» است که در مراحل کسب قدرت، کاربست قدرت و نهادسازی مبتنی بر قدرت، پایش و کنترل قدرت پیگیری خواهد شد. همچنین عضو مجلس خبرگان رهبری با اشاره به آنچه که در جلسه هفتم در خصوص ادله صاحب دراسات پیرامون نظریه نخب طرح و نقد نموده بودند، به تکمیل وجوه نقد خود پرداختند. در این جلسه، آیت الله سعدی با اشاره به خلاصه مطالب جلسات پیشین، بر این نکته تأکید نمودند که قصد ایشان از ارائه مطالب در این جلسات، «طراحی ساختار قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی» است که در مراحل کسب قدرت، کاربست قدرت و نهادسازی مبتنی بر قدرت، پایش و کنترل قدرت پیگیری خواهد شد. همچنین عضو مجلس خبرگان رهبری با اشاره به آنچه که در جلسه هفتم در خصوص ادله صاحب دراسات پیرامون نظریه نخب طرح و نقد نموده بودند، به تکمیل وجوه نقد خود پرداختند.

استناد به آیه شورا در خصوص توجیه نظریه نخب با این اشکال روبرو شد که رأی به هیچ وجه نمی‌تواند مشروعیت‌ساز باشد و اگر چنین باشد بایستی در خصوص همان معصومین علیهم السلام شاهد انتخاب باشیم و حال آن که به اتفاق و اجماع چنین چیزی فاقد وجهت شرعی و خطا است. در اینجا نیز پاسخ به همان منوال است و می‌گوییم اگر از فرمایش جناب امیر المؤمنین علیه السلام برداشت انتخاب حاکم و مشروعیت‌ساز بودن بیعت صورت بگیرد بایستی در خصوص اثبات ولایت ایشان و سایر معصومین علیهم السلام نیز شاهد تمسک به مبنای انتخاب باشیم و حال آنکه به قطع و یقین می‌دانیم که ولایت ایشان به موجب نصب من الله تعالی بوده است. نقد دوم از این قرار است که برخی مانند آیت الله مؤمن در مباحث کتاب «الولاية الهیة» بر این امر اشاره دارند که استناد امیر المؤمنین علیه السلام به این مباحث در مقابل امثال معاویه، از باب جدل و اسکات خصم بوده است و نه اثبات مدعا. نقد سوم از این قرار است که این ادله، دلیل برای اثبات مدعا ندارد؛ توضیح آنکه قائلان به نظریه نخب بر این ادعا هستند که حوزه عمومی حوزه مشترک است و هر رأی یک سهم در حوزه عمومی است و اگر کسی منتخب نباشد حق تصرف در حوزه عمومی را نخواهد داشت. ادله بیان شده اتفاقاً خلاف این را می‌گوید؛ چرا که در همین روایات (مثلاً بیان امام علی علیه السلام در مقابل معاویه) حق انتخاب -بدان گونه که در نظریه نخب مطرح است- از امثال معاویه و اهل شام سلب شده است و واضح است که این امر با مدعای نخبیون

نقد استناد به دلیل سیره عقلاء در اثبات نظریهٔ نخب

استاد درس خارج حوزهٔ علمیه در ادامه بیان نمودند که دو نوع مناقشه در خصوص استناد به سیرهٔ عقلاء در اثبات نظریهٔ نخب وجود دارد؛ نخست مناقشهٔ صغروی با این توضیح که وقتی به بررسی اوضاع تاریخی در این رابطه می‌پردازیم چنین سیره‌ای را نه تنها مشاهده نمی‌کنیم بلکه اغلب قریب به اتفاق جوامع آن دوران و قبائل و مانند اینها انتقال حکم و حکومت‌شان از طریق وراثت و نه انتخاب بوده است. دیگر آنکه مناقشهٔ کبروی نیز با این توضیح وجود دارد که در سیره اگر بخواهد دلیل باشد باید ممضاه باشد؛ چه امضای اثباتی و چه امضای با سکوت و عدم الردع. حال در خصوص اینکه انتخاب سیرهٔ عقلاء بوده و اتفاقاً ممضاه شرعی است از کجا آمده است؟! اتفاقاً ادعای نظریهٔ نصب این است که اگر سیره هم

تحلیل انتقادی استناد صاحب دراسات به دلیل عقل در اثبات نظریهٔ نخب

آیت الله سعدی در خصوص نقد تمسک نخبیون به دلیل عقل بیان نمودند که اتفاقاً نظریهٔ نصب بهتر می‌تواند به دلیل عقل استناد بکند تا نظریهٔ نخب. توضیح آنکه هر کسی که در بحث ادلهٔ نصب نبی یا امام معصوم علیهم السلام - که در علم کلام مطرح می‌شود- تأمل نماید به لحاظ دلالت عقل بهتر می‌تواند نصب فقیه به منصب ولایت از سوی ایشان را بپذیرد تا اینکه مشروعیت معصوم را به نصب الهی بداند و مشروعیت فقیه را به انتخاب. البته دلالت عقل به نصب در مورد معصوم، نصب خاص است و در خصوص فقیه نصب عام. گفتنی است که این نقد در کنار آن چیزی است که جلسهٔ پیشین در خصوص اشکال به نحوهٔ استناد به دلیل عقل توسط صاحب دراسات مطرح شد.



تصدی را از طریق انتخاب صحیح می‌داند، کجا چنین انتخاباتی برگزار شده است؟ حتی اگر گفته شود که امیر المؤمنین علیه السلام جایگاه خود را مستنداً به بیعت مردم نخبی می‌داند و جایگاه مأمور خراج خویش را به صورت غیر مستقیم نیابی و وکالی بیان می‌کنند، پاسخ خواهد آمد که بحث مأموران مالیاتی در حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بوده‌اند که در آنجا که قطعاً انتخاب و نیابتی؛ چه مستقیم و چه غیر مستقیم مطرح نبوده است. رابعاً از آنجا که ظهور بدوی حجت نیست، چنانچه برخی از اخبار و روایات بدو ظاهر در نخب باشند، ظهور آنها با استظهار ادله نصی به کنار خواهد رفت؛ در جمع بین ادله نصب گفته خواهد شد که این استظهار چگونه از دست می‌رود.

طرح و نقد استناد به فحوی قاعده سلطنت

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام در نقد کیفیت استناد صاحب دراسات به قاعده فقهیه تسلیط که بیان می‌دارد: «لناس مسلطون علی اموالهم» در اثبات نظریه نخب اینگونه بیان نمودند که در نقد این استناد نیز دلالت فحوی و اولویت مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد؛ چه اینکه حوزه امر و ولایت به لحاظ جنس، ذاتاً حکم است و نه حوزه حق که بخواهد به دلیل السلطنه تمسک کنیم. دیگر آنکه حتی اگر شک کنیم که ولایت و حکم می‌تواند مشمول قاعده سلطنت قرار بگیرد یا خیر در اینجا نیز نمی‌توانیم عند الشک به اطلاق قاعده سلطنت تمسک کنیم. بنابر این توضیح، مردم مسلط بر اموال خود هستند نه بر احکام.

باشد - اگر از مناقشه صغروی چشم‌پوشیم - این سیره مردوع به ردع از سوی معصوم است. این ردع البته از اخبار صحیح بسیاری از اهل بیت علیهم السلام قابل برداشت است؛ آنجا که امامت را ودیعه‌ای الهی مطرح می‌کنند و الخ.

طرح و نقد ادله روایی نظریه نخب

صاحب دراسات روایتی را از امیر المؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه نقل می‌کنند که ایشان در آن نامه به مأموران خراج می‌فرمایند: «فإنَّكم خزان الرعيَّة و وُكلاء الأُمَّة و سفراء الأئمَّة». صاحب دراسات از عبارت وکلاء الأئمَّة اینگونه استفاده می‌کند که کارگزار حکومت اسلامی در باب خراج و مالیات یکی از مناصب حاکمیتی را دارا است و چنانچه امام معصوم در خصوص جایگاه او به ماهیت وکالی بودن آن اشاره دارند پس به نظر می‌رسد که می‌توان ماهیت حاکمیت و مبنای مشروعیت آن را وکالی در نظر گرفت و آن را به سایر مناصب حکومت تعمیم داد. آیت الله سعدی در تحلیل این استناد بیان داشتند که در این استناد، غفلت از کل جمله شده است و در استنطاق و استظهار عبارت مذکور، باید عبارت «سفراء الأئمَّة» را هم دید که اگر بنابر برداشت صاحب دراسات باشد، با این عبارت هم می‌توان گفت منصب حاکمیتی سفارت از سوی امام است و نصب است. ثالثاً این قضیه، قضیه خارجی است و با قضیه حقیقه تفاوت دارد؛ با این توضیح که درست است که امیر المؤمنین علیه السلام به فلان مأموری که به دنبال خراج می‌رود فرموده‌اند: تو وکیل امت هستی. اما باید پرسید که بنابر نگاه نخب که

در انتهای جلسه نیز استاد محترم به پرسش‌های پژوهشگران حاضر در جلسه پرداختند.



دامنه دات‌آی‌آر مرز جمهوری اسلامی در فضای مجازی است



اشاره: سی امین جلسه از سلسله نشست‌های تخصصی «حکمرانی از نظر تا عمل» با رویکرد ارزیابی و آسیب‌شناسی نظام حکمرانی ایران در دو حوزه «نظری» و «کارکردی»، با موضوع «حکمرانی فضای مجازی با تحلیلی بر تجربه طرح صیانت» در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۳ در پژوهشکده شورای نگهبان با حضور اعضای پژوهشکده برگزار گردید.

رهبری که در جلسه مورخ ۱۶ شهریور ۱۴۰۳ در نخستین جلسه دیدار با اعضای دولت جدید چهاردهم فرموده بودند که: «فضای مجازی دیگر امروز مجازی نیست، یک واقعیتی است در زندگی مردم که روز به روز هم دارد پیش می‌رود،

تنظیم مقررات در فضای مجازی جایگاه ویژه و مهمی دارد

دکتر رضا تقی‌پور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت دهم و نماینده مجلس شورای اسلامی یازدهم و دوازدهم با بیان نقل قولی از مقام معظم

وضع قانون و اصلاح آن، بر لزوم اهتمام به جایگاه تنظیم مقررات به جهت انعطاف و سرعت آن تاکید نمود و معتقد بود که با تصمیم‌گیری‌های سریع و به روز به واسطه وضع مقررات نظام حکمرانی با چالش‌های کمتری مواجه خواهد شد و تنظیم مقررات در فضای مجازی جایگاه ویژه و مهمی دارد.

دامنه دات آی آر مرز جمهوری اسلامی در فضای مجازی است

در ادامه نماینده مجلس شورای اسلامی به مقوله مرز در فضای مجازی اشاره کرد و افزود: کاملاً از نظر ما مرز جمهوری اسلامی در فضای مجازی مشخص است و دامنه دات‌آی‌آر می باشد، اطلاعات مربوط به کسانی است که تابعیت جمهوری اسلامی ایران را دارند، ولو اینکه در خارج از کشور باشند و محتوایی که تولید می‌شود در داخل مرز فضای مجازی کشور هست.

تحقق عناصر حاکمیت در فضای سایبری

به گفته این استاد دانشگاه، عناصر اساسی حاکمیت ملی که در دنیای فیزیکی وجود دارند، در فضای سایبری نیز مصداق دارند. وی افزود که بر این اساس، اصولی که از مفهوم حاکمیت ملی نشأت می‌گیرند، در حوزه فضای مجازی نیز باید رعایت شوند.

آنچه مهم است، این است که در فضای مجازی، حکمرانی قانون‌مند وجود داشته باشد» جلسه را آغاز نمود و با اشاره و اتکا به منابع و اسناد بین‌المللی موجود در این حوزه و همچنین پیشینه و تجربیات سایر کشورها بر لزوم تحقق حکمرانی قانون‌مند در فضای مجازی تاکید نمود.

عضو حقیقی شورای عالی فضای مجازی با تاکید بر فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه فضای مجازی یک واقعیتی است که روز به روز نقشش بیشتر می‌شود، خاطر نشان کرد: در جمهوری اسلامی ایران برای فضای واقعی، بالغ بر ۱۱۹۰۰ عنوان قانون، وجود دارد. اگر اعتقاد بر این است که فضای مجازی امتداد فضای مجازی است، اوقات و بخش غالبی از زندگی افراد و مردم در این فضا صرف می‌گردد، لذا با توجه به اینکه قلب نظام حکمرانی «قانون» است، مسئله‌ای که وجود دارد آن است که تا الان برای فضای مجازی چند قانون به تصویب واجرا رسیده است؟

تقی پور با تشریح و توضیح شئون پنجگانه حکمرانی (سیاستگذاری، قانونگذاری، تنظیم مقررات و رگولاتوری خرد، اجرا و نظارت) بر ابهام جایگاه تنظیم مقررات به عنوان حلقه واصل قانون و اجرا در کشور اشاره نمود و راه حل بسیاری از مشکلات را در مبحث مقررات دانست. وی با تاکید بر ساختار و فرآیندهای سخت

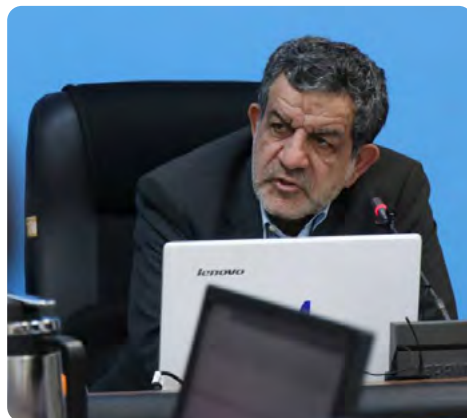
نظریه مقابل: حکمرانی چندذینفعی

در مقابل، نظریه "چندذینفعی" قرار دارد که تأکید می‌کند حکمرانی اینترنت نباید تنها در اختیار چند شرکت خاص باشد، بلکه دولت‌ها نیز باید بر فضای مجازی کشور خود کنترل داشته باشند. به گفته این کارشناس، بر اساس اصول سازمان ملل، حاکمیت‌های ملی جزء ذی‌نفعان اصلی فضای سایبری محسوب می‌شوند و حق دارند در قلمرو خود، مطابق با قوانین داخلی‌شان، سیاست‌های اینترنتی را تنظیم کنند.

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت در نشستی تخصصی به تشریح ابعاد مختلف قانون‌گذاری در حوزه فضای مجازی پرداخت. وی تأکید کرد که قوانین مرتبط با حکمرانی سایبری در چهار حوزه تنظیم شده‌اند: حفظ امنیت ملی، حفظ نظم عمومی، تضمین و حفظ نظم سایبری. در این میان، دو مورد نخست مربوط به فضای واقعی بوده و دو مورد دیگر به فضای مجازی اختصاص دارند. به گفته وی، حکمرانی سایبری به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود: حکمرانی با فضای سایبر، حکمرانی در فضای سایبر، و حکمرانی بر فضای سایبر.

بررسی طرح صیانت و روند تدوین آن در مجلس

دکتر رضا تقی‌پور، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت دهم و نماینده مجلس شورای اسلامی، در ادامه نشست،



این اصول شامل احترام به حاکمیت فضای سایبری، عدم تجاوز دوسویه، عدم مداخله دوطرفه در امور سایبری و برابری حاکمیت است.

دو دیدگاه درباره حکمرانی اینترنت بین‌المللی وجود دارد

در ادامه این نشست، دو دیدگاه اصلی درباره حکمرانی اینترنت در سطح بین‌المللی بررسی شد. بر اساس اظهارات این کارشناس، ایالات متحده آمریکا از نظریه‌ای تحت عنوان "حکمرانی توسط ذی‌نفعان" حمایت می‌کند. در این نظریه، مدیریت اینترنت در اختیار شرکت‌های بزرگ فناوری مانند اپل، گوگل، فیس‌بوک، آمازون و مایکروسافت قرار دارد. طرفداران این رویکرد معتقدند که اینترنت به‌عنوان یک دستاورد آمریکایی، باید تحت نظارت همین شرکت‌ها اداره شود و سایر کشورها صرفاً از آن بهره‌برداری کنند.

است. این فرآیند شامل ده مرحله است که در ابتدا شامل جرمه نقدی بوده و در نهایت، در صورت تداوم تخلف، اقدامات محدودکننده دیگری در نظر گرفته شده است.

دکتر تقی‌پور همچنین اظهار داشت که با تصویب این طرح، مرکز ملی فضای مجازی نقش "تنظیم‌گر تنظیم‌گرها" را ایفا خواهد کرد و مسئولیت تدوین اصول و چارچوب‌های مشخص برای تنظیم‌گران حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات را بر عهده خواهد داشت.

این نشست با تأکید بر لزوم قانون‌گذاری شفاف و نظام‌مند در حوزه فضای مجازی به پایان رسید. به گفته میهمان جلسه با اجرای صحیح این مقررات، می‌توان فضای مجازی کشور را به نحوی مدیریت کرد که هم حقوق کاربران حفظ شود و هم بستر مناسبی برای فعالیتهای دیجیتال فراهم آید.



به تاریخچه تدوین و بررسی طرح "نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی" پرداخت. وی اظهار داشت که این طرح ابتدا در مجلس دهم مطرح شد و در مجلس یازدهم با تغییراتی اساسی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس اظهارات وی، این طرح ابتدا با نام "طرح صیانت" شناخته می‌شد، اما به دلیل حساسیت‌های افکار عمومی، عنوان آن به "طرح حمایت از کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی" تغییر یافت.

به گفته دکتر تقی‌پور، طرح مذکور در تیرماه ۱۴۰۰ از مرکز پژوهش‌های مجلس تحویل گرفته شد و از مهرماه همان سال جلساتی با حضور اتحادیه‌ها، اصناف و شرکت‌های خصوصی برگزار شد. در مجموع، سیزده جلسه رسمی کمیسیون و چندین جلسه غیررسمی برگزار شد تا ابعاد مختلف این طرح بررسی شود.

تمرکز بر تنظیم‌گری به جای محدودسازی فضای مجازی

نماینده مجلس شورای اسلامی با اشاره به برخی انتقادات مطرح‌شده نسبت به این طرح، تأکید کرد که برخلاف تصورات عمومی، هدف آن فیلترینگ نبوده، بلکه ایجاد چارچوبی برای تنظیم مقررات در فضای مجازی بوده است. وی تصریح کرد که در ماده ۱۸ این طرح، فرآیند رسیدگی به تخلفات سکویای دیجیتال مشخص شده



دکتر کدخدایی در دومین آیین جایزه ملی قانون:

نتیجه حاکمیت قانون، افزایش اعتماد عمومی مردم است



تضمین عدالت و ایجاد نظم در جامعه و رسیدن مردم به سعادت ابدی است و روش آن برابری در مقابل قانون است. وی درباره شاخص‌های این موضوع افزود: نخست شفافیت قانون است.

دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان و رئیس پژوهشکده شورای نگهبان در دومین دوره جایزه ملی قانون در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گفت: معمولا هدف از حاکمیت قانون،

این رژیم تصویب شده، اما اجرا نشده است. همچنین رئیس‌جمهور فعلی آمریکا از بسیاری پیمان‌های بین‌المللی خارج شد و حتی موضوع خروج از سازمان ملل را مطرح می‌کند تا حمایت از رژیم صهیونیستی همچنان ادامه داشته باشد. به عبارتی غرب هیچ‌کدام از قوانین را در حوزه حاکمیت قانون اجرا نمی‌کند. در حالی که اسلام مفتخر به حاکمیت قانون و اجرای آن در همه شئون است.

عضو حقوق‌دان شورای نگهبان با بیان اینکه قوانین باید به روز، دارای قابلیت اجرایی و استحکام لازم باشد، تصریح کرد: تمام دنیا مراکز تخصصی برای کمک به نمایندگان خود در حوزه تدوین و طراحی قوانین دارند و مجلس شورای اسلامی هم باید از چنین مراکز تخصصی همچون مرکز پژوهش‌های مجلس برای بحث و بررسی مسائل در حوزه تخصصی استفاده کند.

همچنین پیش‌بینی‌پذیر بودن قوانین مهم است تا این قوانین امور جاری را مختل نکند و قوانین وضع شده آینده جامعه را به طور روشن ترسیم کرده و قانون فقط منفعت عده ای خاص را در نظر نگیرد.

رئیس پژوهشکده شورای نگهبان تاکید کرد: نتیجه حاکمیت قانون باید اعتماد عمومی مردم باشد تا مردم به حاکمیت و مسوولان اعتماد کنند. همچنین باید نتیجه حاکمیت قانون به افزایش سواد سیاسی و رشد آن کشور منجر شود. دکتر کدخدایی با بیان اینکه قانون اساسی فردی نیست و تفاوتی بین مردم و مسوولان در قانون وجود ندارد، گفت: نمونه آن در رهبران دینی ما همچون حضرت علی(ع) دیده می‌شود که در دادگاه برای دادرسی حاضر می‌شود. وی با اشاره به چالش‌های حاکمیت قانون گفت: در موضوع رژیم صهیونیستی، قطعنامه‌های متعددی علیه





در نشست مشترک همایش آزادی مطرح شد:

دکتر سیمایی: حقوق ملت، ستون فقرات قانون اساسی است دکتر کدخدایی: نتایج علمی همایش باید در سیاست های اجرایی کشور اعمال شود



دکتر حسین سیمایی در نشست تبیین «همایش بین المللی حقوق ملت و آزادی های مشروع در منظومه فکری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)» که با حضور دکتر کدخدایی رئیس ستاد برگزاری همایش، دکتر طحان نظیف، دبیر علمی همایش و روسای دانشگاه ها و پژوهشگاه های کشور به صورت حضوری و مجازی در سالن شهدای جهاد علمی این وزارت برگزار شد، اظهار داشت: مرحوم دکتر قاضی که از اساتید برجسته حقوق اساسی هستند، معتقد بودند «فصل حقوق ملت در قانون اساسی ایران، روح قانون است» و با توجه به این جایگاه و اهمیت قانون اساسی و فصل حقوق ملت، بیهوده نیست که شهروندان در همه جا، دولت ها را با فصل حقوق ملت بررسی و معیار دآوری قرار می دهند.

بسیار جای تعجب است که چگونه در مجلس بررسی قانون اساسی، فصل حقوق ملت به راحتی به تصویب می‌رسد با توجه به آنکه پیشینه مطالعات دینی کمتر بود. البته یکی از دلایل آن حضور شخصیت‌های بزرگ و برجسته‌ای از جمله مرحوم دکتر بهشتی در مجلس بودند و چه بسا به تصویب رسیدن این فصل و این اصل‌های مترقی را مدیون ایشان هستیم.

وزیر علوم با اشاره به عنوان همایش «همایش بین‌المللی حقوق ملت و آزادی‌های مشروع در منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)» گفت: در عنوان همایش، هم حقوق ملت و هم آزادی ذکر شده است و می‌توان گفت آزادی، ذکر خاص است که بعد از عام آمده است و در

وی افزود: بسیار باعث افتخار است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۸ این فصل با ۲۳ اصل پیش‌بینی شده است. در پیشینه مطالعات دینی و اسلامی ما چنین حقوقی که به زبان حقوق مدرن ادا شده باشد، وجود نداشت. دکتر سیمایی تصریح کرد: رهبر معظم انقلاب اشاره می‌کنند به اینکه ریشه قانون اساسی در جنبش مهم و بزرگ مشروطیت بوده و ایشان جنبش مشروطیت را با عظمت یاد می‌کنند در حالی که برخی از حقوق‌دانان اساسی، خیلی عنایتی به نهضت مشروطه ندارند.

وی افزود: بعضی از حقوق‌دانان اساسی به اهمیت و نقش مشروطه در قانون‌خواهی کمتر توجه کردند و بعد از یک دوره سکوت به انقلاب اسلامی می‌رسیم و برای من



افزود: آزادی منفی به معنای رفع موانع است و آزادی مثبت به این معناست که دولت و حکومت باید زمینه رشد و تعالی انسان‌ها را فراهم کنند.

وزیر علوم اظهار امیدواری کرد که در این همایش بتوانیم آرزوی دیرینه ملت ایران که در نهضت مشروطه به درستی محقق نشد و در انقلاب اسلامی تعالی و تکامل یافت را تبیین کنیم.

دکتر سیمایی با اشاره به روز قانون اساسی در کشور اظهار داشت: لازم است تا ۱۲ آذرماه سال آینده که روز قانون اساسی است، طی یک برنامه‌ریزی در همه دانشکده‌های حقوق دانشگاه‌های کشور متولی نشست‌هایی با عنوان قانون اساسی با محوریت «همایش بین‌المللی حقوق ملت و آزادی‌های مشروع در منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)» باشیم.

این همایش، گویا آزادی‌ها اهمیت بیشتری نسبت به سایر حقوق دارند.

وی افزود: میل به آزادی، هم ریشه در عقلانیت دارد و هم ریشه در حیوانیت؛ به دلیل اینکه حتی یک پرنده در قفس هم به هر طرف می‌کوبد تا آزاد شود و معلوم می‌شود آن بُعد حیوانی هم آزادی را می‌خواهد اما آزادی اخلاقی و سیاسی، ناشی از بُعد عقلی و فطری انسان است. وزیر علوم در بخش دیگری از سخنان خود بیان کرد: در دیدگاه‌های مقام معظم رهبری وقتی که مبنا و منشا مشروعیت آزادی را مطالعه می‌کنید، می‌بینید که بین دیدگاه ایشان و نظریه حقوق طبیعی، سازگاری است و ایشان آزادی را یک امر فطری و الهی می‌دانند که یکی از قرائت‌های حقوق طبیعی است.

وی به فرمایشات مقام معظم رهبری در بیان آزادی در ابعاد مثبت و منفی اشاره کرده و





اجرائی کشور اعمال شود

دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان شورای نگهبان که به عنوان رئیس همایش بین‌المللی حقوق ملت و آزادی‌های مشروع در منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در نشست هم‌اندیشی با رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و اساتید دانشگاه سخن می‌گفت، ضمن تبریک ایام خجسته ماه مبارک رمضان و تشکر از آقای دکتر سیمایی صراف، وزیر علوم، تحقیقات و

وی در خاتمه خواستار همکاری جدی روسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها با ستاد و دبیر همایش بین‌المللی حقوق ملت و آزادی‌های مشروع در منظومه فکری مقام معظم رهبری شد و افزود امیدوارم با کمک هم شاهد برگزاری همایشی آبرومند، پربار و غنی باشیم و همچنین تدابیری اندیشیده شود که مقالات برگزیده این همایش در مجلات علمی معتبر منتشر شود.

نتایج علمی همایش باید در سیاست‌های

اساس ما در مقوله آزادی و در مقوله حقوق ملت یک قانون اساسی مترقی و پیشرو است.

رئیس پژوهشکده شورای نگهبان با اشاره به اینکه فصل سوم قانون اساسی شامل حقوق ملت است و اصول دیگری هم در این زمینه علاوه بر مقدمه به بحث های آزادی و استقلال پرداخته است اضافه کرد: طبیعتاً این موضوع یک موضوع شکلی و ظاهری نبود که رهبران دینی ما بخواهند فقط به خاطر خوشایند مردم و شکل گیری یک انقلاب یا تحول مطرح کنند. حضرت امام رضوان الله تعالی علیه عمیقاً به این مسئله باور داشتند و علما و صاحب نظران ما هم که در حوزه های مختلف در انقلاب حضور داشتند به این مطلب اعتقاد واقعی و قلبی داشته و دارند. بعد از انقلاب هم به هر حال در شکل گیری نظام جمهوری اسلامی ایران آزادی و حقوق ملت و هر آنچه که به مردم برمی گردد به عنوان یک موضوع محوری مطرح بود چون اعتقاد حضرت امام و مبنای قانون اساسی این بود که ما بدون مردم نمی توانیم حرکتی بکنیم و مردم هسته اصلی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و هستند.

رئیس همایش بین المللی حقوق ملت و آزادی های مشروع در منظومه فکری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) افزود: یکی از اندیشمندانی که در این حوزه نظرات بسیار بلندی دارند و متأسفانه کمتر به آن پرداخته شده است مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله امام خامنه ای (مدظله العالی) هستند



فناوری به خاطر فراهم آوردن زمینه برگزاری این جلسه با روسای محترم دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی گفت: آزادی از جمله شعارهای اساسی و آرمان های ملت عزیز ما در قبل از انقلاب بود و نهضت اسلامی هم که به رهبری حضرت امام رضوان الله تعالی علیه شکل گرفت شعار اصلی اش استقلال آزادی و حکومت اسلامی بود یعنی آزادی به عنوان یکی از آرمان های مردم در شعارهای مبارزات قبل از انقلاب مطرح شد و تجلی و تبلور داشت.

دکتر کدخدایی افزود: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم آزادی در قانون اساسی ما به خوبی تبیین شد و باید درود بفرستیم به روح بزرگ شهدای گرانقدر و کلیه علما و اندیشمندانی که در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی زحمت کشیدند از جمله شهید بزرگوار شهید دکتر بهشتی که دو مقوله استقلال و آزادی به خوبی در قانون ما لحاظ شد و ما امروز مدعی هستیم که قانون

اجرائی برای همه ماست که در نظام مقدس جمهوری اسلام ایران مسئولیت اجرایی داریم یا در حوزه های نظری فعالیت می کنیم تا بتوانیم با کمک اندیشمندان داخلی و خارجی در بحث آزادی ها و حقوق ملت موضوع را به بحث بنشینیم.

رئیس پژوهشکده شورای نگهبان سپس افزود: ما توفیق داشتیم که این وظیفه مهم به پژوهشکده شورای نگهبان تفویض شد و بنا شد این همایش و همچنین نشست های علمی مرتبط با آن منجر به نتایج علمی وزینی شود که بتواند در اختیار دستگاه های اجرایی ذربط قرار بگیرد برای اجرا و فقط در حوزه نظری و کتابخانه ها باقی نماند.

دکتر کدخدایی در خاتمه با اشاره به برنامه ریزی های صورت گرفته برای برگزاری این همایش، «بررسی مفاهیم، مبانی و چارچوب حقوق ملت و آزادی های مشروع در نظام جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با سایر نظام های حقوقی»، «تحلیل سازوکارها و الزامات تأمین و تضمین حقوق ملت و آزادی های مشروع، با تأکید بر ارائه راهکارهای عملی» و «بررسی دستاوردهای جمهوری اسلامی در حوزه حقوق ملت و آزادی ها، همراه با آسیب شناسی وضعیت موجود و ارائه پیشنهادات برای بهبود آن» را سه محور موضوعی همایش برشمرد و از دانشگاه ها و مراکز علمی خواست تا با برگزاری نشست های علمی و ارائه مقالات پژوهشی، در غنای علمی این همایش سهیم باشند.

که در این حوزه و حوزه های دیگر با تکیه بر مبانی و موازین اسلامی اندیشه های ناب و بلندی را دارند، اما به دلیل جایگاه سیاسی و اجرایی ایشان ما کمتر به این موضوعات پرداخته ایم و کمتر به سراغ این اندیشه های بلند و بزرگ رفته ایم، اندیشه هایی که در اداره کشور می تواند راهگشا باشد.

وی خاطرنشان کرد: مقام معظم رهبری (مدظله العالی) قبل از اینکه به عنوان رهبر عالی نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح باشند به عنوان یک اندیشمند بزرگ جهان اسلام تلقی می شوند، به عنوان کسی که در این حوزه ها سالیان سال قبل از انقلاب و بعد از انقلاب سخنرانی ها و نوشته های بسیار مهمی را داشتند و نظراتی را مطرح کردند که می تواند در حل مشکلات ما کمک کننده باشد.

دکتر کدخدای درباره ضرورت برگزاری همایش بین المللی حقوق ملت و آزادی های مشروع در منظومه فکری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) گفت: حقوق ملت و آزادی های مشروع کمتر با نگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) تبیین شده است و از این جهت تصمیم گرفته شد تا مقوله آزادی ها و مقوله حقوق ملت را با تکیه بر مبانی اندیشه ای مقام معظم رهبری در مجامع علمی بازخوانی کنیم و آن را ترویج کنیم و نهایتاً در دستگاه های اجرایی و دستگاه هایی که مرتبط با این مسئله هستند برای حل مشکلات از آنها بهره گرفته شود. ترویج اندیشه های بلند مقام معظم رهبری وظیفه اخلاقی، دینی، سیاسی و



در اولین نشست همایش بین المللی آزادی های مشروع در اندیشه های آیت الله خامنه ای مطرح شد:

آیت الله رشاد: آزادی تشریعی و تکوینی دوروی یک سکه هستند



دکتر لاریجانی: حکومت برای محافظت از آزادی ها شکل می گیرد



دکتر خسروپناه: عدالت باید در تمامی قوانین و سیاست گذاری ها به عنوان یک اصل محوری مورد توجه قرار گیرد



اشاره: اولین نشست علمی همایش بین المللی حقوق ملت و آزادی مشروع در منظومه فکری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) با حضور آیت الله رشاد، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ حجت الاسلام والمسلمین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و دکتر محمدجواد لاریجانی، رئیس پژوهشگاه دانش های بنیادی در پژوهشگاه شورای نگهبان و دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان و رییس پژوهشگاه شورای نگهبان و رییس همایش در پژوهشگاه شورای نگهبان برگزار شد.



وی ادامه داد: موضوع دوم که بخش عمده‌ای از بحث این نشست و سلسله پیش‌نشست‌ها و نهایتاً همایش بزرگ بین‌المللی خواهد بود، آزادی تشریعی است. آزادی تشریعی را می‌توان به دو قسم تقسیم کرد: آزادی درونی و آزادی بیرونی.

رشاد بیان کرد: آزادی درونی به رهایی و آزادی انسان در خوی و خصلت و کشش‌های درونی و جهات معنوی مربوط می‌شود. این نوع از آزادی موضوع علم اخلاق و عرفان است. از سوی دیگر، آزادی بیرونی عمدتاً به کنش‌های جوارحی انسان اطلاق می‌شود که رفتار او را در چهارچوب قواعد و ضوابط مدیریت می‌کند.

به گفته وی؛ برای تأکید بر مفهوم آزادی درونی، به کلام حافظ اشاره می‌کنم: غلام همت آنم که زیر چرخ کبود، ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است. این شعر در واقع سخن از آزادی درونی را به میان کشیده است.

آیت‌الله رشاد در ابتدای این نشست گفت: ما اصطلاحی داریم که به مفهوم «آزادی تکوینی» تعبیر می‌شود. این آزادی گاهی با «آزادی تشریعی» مقایسه می‌شود. در واقع، این یک مسئله مربوط به تکوین انسان‌هاست که آیا انسان تکویناً آزاد است یا مجبور. وقتی قائل به آزادی می‌شویم، به اختیار نیز اشاره داریم. کلمه «اختیار» یک سلاح کلامی و فلسفی است و این مفهوم موضوع بحث‌های کلامی و فلسفی است. بنابراین، دانش فلسفه و دانش کلام عهده‌دار بحث از این تلقی و این مقوله هستند.

وی افزود: اصطلاح دیگری که ممکن است مصطلح نباشد، اما به عنوان اصطلاح تعبیر می‌شود، «قیاس تغییر آزادی تکوینی» است. از این رو، می‌توان گفت که آزادی تشریعی در مقابل آزادی تکوینی قرار دارد. آزادی تکوینی به باطن انسان و وجود او مربوط می‌شود و به این می‌پردازد که چه کاری از او برمی‌آید و آیا در توانش هست یا نیست؛ در حالی که در آزادی تشریعی بحث این است که آیا فرد می‌تواند کاری را انجام دهد یا نه.

رئیس پژوهشگاه تصریح کرد: در این زمینه، شعر معروف مولانا را به یاد می‌آوریم: گویی این کنم یا آن کنم، خود دلیل اختیار است ای صنم. این شعر نشان‌دهنده مقوله اول یعنی آزادی تکوینی است.



که ایهام دارد. آزادگی یک حالت، خصلت، خوی و وصف است که باید به آن توجه کرد.

رشاد عنوان کرد: در آموزه‌های دینی و تعلیم قرآن کارکردها و خدماتی برای رسول خدا ذکر شده است. ممکن است کسی به اعتبار اطلاق این فرقه از آیه‌ای بگوید که آن بزرگوار برده‌ها را آزاد کردند؛ زیرا آن‌ها گرفتار اسارت درونی بودند. ای بسا فردی در ظاهر آزاد باشد؛ اما در باطن تحت زنجیر تحکم باشد. پیامبر اعظم (ص) آمدند تا این زنجیرها را بشکنند، چرا که در جامعه‌ای که برده‌داری رواج فوق‌العاده‌ای داشت، اصولاً کسی برده‌داری را قبیح نمی‌دانست.

وی همچنین افزود: به نظر می‌رسد بر اساس قاعده سیاه که مایعات را غالباً می‌توانیم بر اساس آن فهم کنیم، مرحوم

اگر انسان وابسته شود و گرفتار تعلقات گردد، آزاد نیست. وقتی درونش اسیر باشد، به تبع آن، بیرونش نیز اسیر خواهد بود.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی بیان کرد: اگر بخواهیم تصرفی در بیت حافظ داشته باشیم، می‌توانیم بگوییم: غلام همت آنم که زیر چرخ کبود، ز هرچه رنگ تحکم پذیرد آزاد است.

وی افزود: آزادی دوم یعنی آزادی بیرونی، زمانی تحقق می‌یابد که فرد تحت فشار یا تحکم از بیرون قرار گیرد. در واقع، اگر ما تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار بگیریم، آزادی ما تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. بنابراین، ما دو مفهوم داریم که شبیه هم هستند اما در پیوند با یکدیگر یک مفهوم واحد از آزادی را تشکیل می‌دهند.

به گفته وی؛ آزادی را باید اصلاح کنیم؛ آن را به همان «آزادی درونی» تعبیر کنیم

است، هیچ یک از یهودیان یا مسیحیان نتوانسته‌اند انکار کنند. آن‌ها حتی تن به جنگ دادند؛ اما هرگز نگفتند که نام شما کجا آمده است. بنابراین، معلوم می‌شود که در نسخه‌های آن زمان در انجیل و تورات اوصاف ایشان ذکر شده بود و اینکه ایشان به عنوان پیامبر خاتم ظهور خواهند کرد.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بیان کرد: نسخه‌های فعلی تورات متاخر تنظیم شده‌اند و انجیل اصلی حوالی ۳۰۰ سال بعد از ظهور مسیح نوشته شده است. برخی معتقدند حدود ۳۰۰ انجیل مختلف وجود داشته که از میان آن‌ها چهار تا انتخاب و رایج شده است. به هر حال، تصرفاتی که فرمودید، پنج عمل و رفتار را سرلوحه کار خود قرار داده بود.

وی همچنین افزود: نهی از منکر با سردشت و حلال انگاشتن طیبات و حرام اعلام کردن حوائج، تعبیر بسیار گسترده‌ای دارد؛ مثلاً از لحم خنزیر حرام کرده‌اند یا فرض کنید میوه‌ها را حلال اعلام کرده‌اند. این عبارات بسیار وسیع هستند و یادم می‌آید که عقلانیت را جمع‌بندی می‌کنند. بنابراین نمی‌توان رو به یک مصداق یا نوع خاصی از اقلام آورد؛ مثلاً زنجیر یا حتی نظام برده‌داری که احیاناً رایج بوده است؛ بلکه همه اقلام شامل همه آنچه در آن روزگار بوده‌اند، مدنظر هستند.



علامه طباطبایی نیز تقریباً بر مبنای تقلید از این قاعده در تفسیر المیزان بهره برده‌اند. ایشان عمدتاً با تمسک به سیاق آیات یک بخش از یک سوره و همچنین سیاق کلان قرآن به تفسیر قرآن پرداخته‌اند.

به گفته وی، اگر ملاحظه کنیم، قرآن کریم می‌فرماید: «الذین يتبعون الرسول النبى امى الذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التورات والانجیل یا مرهم بالمعروف وینهیهم عن المنکر». (آیه ۱۵۷ سوره اعراف) این آیه نشان‌دهنده این است که اهل انجیل و اهل تورات نیز نام مبارک رسول خدا (ص) را می‌شناختند؛ زیرا به نحو مکتوب در انجیل و توراتی که در آن عصر وجود داشت، ذکر شده بود.

رشاد گفت: به همین جهت، با اینکه این مسئله بارها در قرآن آمده است که نام حضرت در انجیل و تورات موجود

رشاد بیان کرد: حال باید مطالعه تاریخی و جامعه‌شناختی انجام داد تا مطالب مربوط به شناختی کرد که چه بندهایی بر گردن مردم بسته بوده است؛ از خرافات و اوهام گرفته تا انگاره‌های غلطی که رایج بوده‌اند و مسلم قلمداد می‌شده‌اند. همچنین باید به اصالت‌های قومیتی، فرهنگی و اجتماعی توجه کرد؛ زیرا شرایط حقوقی وجود داشت که افرادی برده و کنیز قلمداد می‌شدند و در خانه‌ها یا مزارع کار می‌کردند.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تصریح کرد: نتیجه این تحریر محتوایی این آیه این است که پیامبر اعظم (ص) آمدند تا هر دو نوع یا همه انواع آزادی‌هایی را که می‌توان برشمرد با ضوابط برای بشریت آوردند و همه اسارت‌هایی را که متصور است، بنا داشتند که از بشریت بردارند. اما به نظر می‌رسد اگر بخواهیم انتخاب کنیم آیا اینجا مسئله آزادی‌های درونی است یا بیرونی، شاید بتوان گفت آزادی‌های درونی را حتی تقسیم‌بندی کرد؛ زیرا آزادی‌های بیرونی هم باز به دو قسم تقسیم می‌شوند.

وی بیان کرد: گاهی جوانه آدمی اسیر است؛ مثلاً فرض کنید فرد آزادی تفکر ندارد یا آزادی عقیده ندارد. همچنین جوانح آدم نیز اسیر هستند؛ یعنی آزادی بیان ندارد یا آزادی عمل ندارد. بنابراین، آزادی بیرونی هم به آزادی جوانی و آزادی

جوارحی تقسیم می‌شود.

به گفته وی، از توضیحاتی که درباره این کلمات و تعابیر ارائه کردم، هدفم این است که بعداً بتوانیم تلقی روشنی از این اصطلاحات پیدا کنیم. قطعاً اساتید حاضر در جلسه نیز به این نکته توجه دارند. قبل از اینکه به مبنای رهبر معظم انقلاب بپردازم، غنای این سلسله نشست‌ها عمدتاً تحلیل ترقی‌ها و تعاریف و دیدگاه‌ها و نگرش‌های رهبر انقلاب خواهد بود.

رشاد عنوان کرد: در نگاه ما، این تقسیم‌بندی انجام گرفته و تمرکزی که صورت می‌پذیرد روی آزادی بیرونی، در نگاه دینی ما چنین نیست. این تقسیم‌بندی به لحاظ نظری درست است اما به لحاظ واقعی ناقص است؛ زیرا ساحت‌های مختلف در خارج با یکدیگر پیوند دارند. یعنی آزادی و آزادگی دو مقوله نیستند که کاملاً جدا باشند؛ بلکه اگر فردی آزادی داشته باشد بدون اینکه مبتلا به آزادگی باشد، چنین چیزی ممکن نیست.

وی افزود: اگر کسی مرزهای خود را نشناسد، از اصرار به خود تا اصرار به غیر مرتکب خواهد شد. این بدان معناست که نقض آزادی دیگران نیز نقض آزادی خودش خواهد بود. در تبیین ما در واقع دینی ما در اسلام، آزادی و آزادگی دقیقاً دو روی سکه‌ای هستند که ارزش واحد دارند؛ دو رویه دارند اما ارزش واحد دارند.



رشاد عنوان کرد: بنابراین باید توجه داشت که اطاعت طاغوت ممکن است در بعضی فضاهای اجتماعی انصراف داشته باشد؛ قبل از اینکه به مواجهه با آزادی بیرونی پردازیم باید به آزادی درونی توجه کنیم. هر دو باید مورد توجه قرار گیرند.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اسلامی بیان کرد: عبادت را بیان می‌کنیم و سپس عمدتاً به مسئله آزادی اندیشه و آزادی بیان می‌پردازیم. در واقع، تدعون احسنه در اینجا به معنای یتبعون است؛ یعنی در عمل، بهتر را می‌پسندند و می‌پذیرند. به لحاظ اندیشه، مقام عمل نیز مهم است. بنابراین، باید بگوییم که افرادی که صاحب فکر و عقل هستند، خردمندان واقعی‌اند.

به گفته وی؛ این نکته را از بعضی آیات می‌توان استفاده کرد. آیه معروفی که ما معمولاً محدود معنی می‌کنیم یا ناقص آیه را معنی می‌کنیم، آیه‌ای از سوره زمر است؛ آیات ۱۷ و ۱۸. معمولاً از ذیل دو کلمه آخر آیه ۱۷ شروع می‌کنیم؛ اما آیه ۱۸ را کامل نمی‌خوانیم. دعای کاملش این است: «إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ مَنْ إِذَا ذُكِّرَ بِهِ وَقَلْبُهُ مُتَجَاوِزٌ إِلَى اللَّهِ.» (آیه ۱۷ سوره زمر)

وی ادامه داد: این آیه نشان‌دهنده آن است که کسانی که از طاغوت پیروی می‌کنند، نه تنها طاغوت را عبادت نمی‌کنند؛ بلکه تسلیم تحکمی‌هایی هستند که متوجه انسان می‌شود. عبادت طاغوت عبادت نیست؛ بلکه تسلیم شدن در مقابل طاغوت تحکمی‌بایست که متوجه انسان می‌شود.

مكلف دانست؛ چرا كه انسان دست بسته نمى‌تواند تكليفى داشته باشد. اگر فردى صاحب خرد و تشخيص نباشد، نمى‌تواند مكلف باشد.

رشاد بيان كرد: در حقيقت، حق و تكليف با همدیگر ارتباط دارند؛ يعنى هر حقى تكليفى بر عهده انسان مى‌آورد و هر تكليفى احياناً حقى را موجب مى‌شود. بنا بر اين، وقتى ما مى‌گوئيم آزادى‌ها با حقوق چه نسبتى دارند، بايد توجه كنيم كه اين‌ها با عدالت پيوند دارند. بزرگ‌ترين حق انسان در عين حال بزرگ‌ترين تكليف انسانيت نيز عدالت است.

رئيس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ى اسلامى تصريح كرد: آزادى‌هاى مشروع و حقوق دو روى يك سكه‌اند و كاملاً در پيوند با يكديگر هستند. كماً اينكه عدالت مقوله‌اى

وى افزود: به همين دليل، يك اصل اساسى در حل مسئله آزادى سياسى، اجتماعى، بيان و عقیده وجود دارد. اين اصل اساسى اين است كه ما در جهان انديشگى و به تغيير فرهنگى اسلامى بايد توجه داشته باشيم كه نمى‌توان آزادى را از آزادگى جدا كرد. اين دو در پيوند با يكديگرند و هر يك بدون ديگرى ناقص و گاه اصلاً معدوم خواهد بود.

به گفته‌ى وي؛ نکته ديگرى كه بايد مطرح كنم، نسبت آزادى‌هاى مشروع با حقوق و رابطه اين دو با عدالت است. آزادى خود حقى است از جمله اساسى‌ترين حقوق بشر. در عين حال، آزادى تكليف نيز به همراه دارد. انسان به لحاظ مفهوم تكوينى و همچنين مفهوم تشريعى خود مكلف است. زيرا اگر انسان آزاد نباشد، نمى‌توان او را



رشاد بیان کرد: به نظر من، قاعده «لا ضرر» یکی از قواعد فوق‌العاده کارآمد در این زمینه است. پس از این توضیحات، اشاره بیشتری نمی‌کنم؛ اما ظاهراً وقتی تمام ۲۵ دقیقه شد، فکر می‌کنم آقایان مرور کردند برخی از فقرات ایشان را که در مناسبت‌های مختلف بیان فرموده بودند.

وی افزود: به یاد دارم که ایشان سلسله بحث‌هایی را در نماز جمعه تهران مطرح کردند. همچنین در جلساتی که با حضور استاد محترم برگزار می‌شد، بحث آزادی یکی از موضوعات اصلی بود. این جلسات اندیشه راهبردی با برنامه‌ریزی دقیق تدارک دیده شده بود و مورد توجه قرار گرفت.

رشاد عنوان کرد: در اسلام، مبنای اصلی آزادی انسان توحید است. از هر زاویه که به توحید نگاه کنیم، پیوند آن با آزادی روشن است. خداوند ما را آزاد خلق کرده است؛ به تعبیر امام سجاد (ع)، در نامه ۳۱ خود به امام (ع)، این نکته را بیان می‌کند که خداوند تو را آزاد خلق کرده است. هیچ‌کس نمی‌تواند عبد غیر خدا باشد. اگر می‌خواهیم عبادت کنیم و توحید و صفات الهی را درک کنیم، عرفا اصطلاحی دارند که به آن «تخاصم» می‌گویند. این اصطلاح به ما کمک می‌کند تا رفتار خود را در چارچوب اسامی الهی تنظیم کنیم. هر اسم الهی با اسم دیگر در تعامل است و تجلی اسماء الهی نیز با حدود و ثغور مواجه است.

است که مذهب به هم سنجش آزادی است؛ هم اعمال حق و هم انجام تکلیف. عدالت با گستردگی خود می‌تواند مجموع این‌ها را در یک چهارچوب حل کند.

به گفته وی؛ در این راستا، قاعده‌ای داریم که استاد محترم خسرو پناهی در کتاب بسیار ارزشمند و عمیق خود به آن پرداخته‌اند. قاعده «لا ضرر» یا اصل «لا ضرر» مبنای استدلال این قواعد است. داستانی که از ساحت مقدس رسول اعظم (ص) نقل شده است، به ما می‌آموزد که چگونه باید در این زمینه عمل کنیم. اجمالاً می‌دانید که کسی نخلی در باغستان یک انصاری داشت و بار آن باغ بر دوش او بود، در حالی که خانواده‌اش در آن باغ زندگی می‌کردند. این فرد مکرراً وارد حریم خصوصی آن خانواده می‌شد و به بهانه آبیاری درختان، مزاحم زندگی آن‌ها می‌گردید. انصاری شکایت به ساحت رسول خدا (ص) برد و گفت: «آقا! این شخص مزاحم زندگی ماست و من باید در حریم خصوصی خودم آزادانه زندگی کنم.»

وی ادامه داد: حضرت پیشنهاد دادند که درخت را از او بخرند یا به او چیزی بدهند تا او راضی شود، اما او نپذیرفت. در نهایت، حضرت فرمودند: «**أذهب فقلعها**» یعنی برو و درخت را بکن. سپس فرمودند: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»؛ یعنی در اسلام هیچ ضرری وجود ندارد.

وی افزود: در واقع، تجلی الهی در هستی و رفتار انسان، تحت تأثیر احکامی است که خداوند متعال وضع کرده است. به همین دلیل، قاعده «لا ضرر» که پیش‌تر ذکر شد، در عبادت ما نیز تأثیرگذار است. عبادت چگونه باید باشد؟ در روایات از رسول خدا (ص) تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای از عبادت داریم. عبادت می‌تواند به سه دسته تقسیم شود: عبادت بردگان و بندگان یا افراد ترسو، عبادت تجار که به نوعی به فاکتورهای دنیوی وابسته‌اند، و عبادتی که از سر شکر یا از سر شناخت عظمت الهی و شایستگی خداوند برای عبادت انجام می‌شود.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی بیان کرد: این نوع عبادت باید با حرارت و عشق انجام شود؛ یعنی باز هم آزادی به امر توحید گره می‌خورد. آیه‌ای که در آن جلسه تلاوت شد، نشان می‌دهد که توحید فقط بحث عبادت مصطلح نیست، بلکه شامل اعتقاد به خدا و کفر به طاغوت نیز می‌شود. عبودیت خدا به معنای عدم عبودیت غیر خداست. در این راستا، آیه‌ای را تلاوت کردند که می‌فرماید: «کلمة سوا بینا و بینکم الله نعبد الا الله ولا نشرک به شیئا». استفاده زیبایی از این آیه کردند و فرمودند که آیه تصریح نمی‌کند که ما کسی را شریک قرار نمی‌دهیم، بلکه می‌گوید هیچ شیئی را شریک قرار نمی‌دهیم. واژه «شی» در ادبیات عرب به معنای همه چیز است؛ از ثروت گرفته تا قدرت.

وی بیان کرد: این آیه پیامبر (ص) را مأمور می‌کند تا به مسیحیان بگوید: «بیایید بر سر مشترکات خود بایستیم؛ یعنی توحید». پس از آن، باید توجه کنیم که عبادت جز خدا را نکنیم و شرک نورزیم؛ نه به هیچ کس و نه به هیچ چیز، حتی اگر آن چیز سنگ یا بت باشد. حاصل بحث این است که ما باید مجموعاً آزادی و آزادگی را در پیوند با یکدیگر مطالعه کنیم. اگر ما آزادی بیرونی را در چارچوب ضوابطی که توحید را محقق می‌سازد و انسان را ملتزم به توحید نگاه می‌دارد، نبینیم، آن آزادی واقعی نخواهد بود و عملاً چنین آزادی‌ای محقق نخواهد شد.

عدالت بدون آزادی محقق نمی‌شود و آزادی بدون عدالت به وجود نمی‌آید

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در اولین پیش نشست همایش بین المللی حقوق ملت و آزادی‌های مشروع در منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای که با عنوان «نسبت سنجی حقوق ملت و آزادی‌های مشروع با عدالت» در پژوهشگاه شورای نگهبان برگزار شد به تشریح جایگاه عدالت و نسبت آن با آزادی پرداخت.

وی تأکید کرد: این نشست مقدمه‌ای برای همایش بین‌المللی اصلی است و با تدبیری حکیمانه و مشارکت مراکز علمی برگزار شده است.

تمامی قوانین و سیاست‌گذاری‌ها به‌عنوان یک اصل محوری مورد توجه قرار گیرد. وی همچنین درخصوص برخی تصورات نادرست درباره عدالت گفت: عدالت به معنای مساوات مطلق، توزیع فقر یا تندرستی نیست. برخی گمان می‌کنند که ایجاد هیاهو و تشکیل احزاب با شعار عدالت، خود مصداق عدالت است، درحالی‌که این رفتارها گاهی عین بی‌عدالتی است.

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی همچنین به نسبت عدالت با سایر مفاهیم در اندیشه رهبر انقلاب پرداخت و بیان کرد: عدالت با مهدویت، عقلانیت، معنویت و ارزش‌های اخلاقی پیوند عمیقی دارد. تمام انبیا و ائمه برای تحقق عدالت مبعوث شده‌اند، و عدالت‌ورزی نیز بدون بهره‌گیری از عقلانیت و وحی امکان‌پذیر نیست.

حجت‌الاسلام والمسلمین خسروپناه در ادامه سخنان خود با اشاره به فرمایشات مقام معظم رهبری گفت: عدالت بدون آزادی محقق نمی‌شود و آزادی بدون عدالت به وجود نمی‌آید. این جمله به‌ویژه نسبت تعامل میان عدالت و آزادی را در اندیشه اسلامی روشن می‌کند و نشان می‌دهد که در تفکر اسلامی، این دو مفهوم در هم تنیده و به یکدیگر وابسته هستند.

وی در ادامه به نقد لیبرالیسم و سوسیالیسم پرداخت و اظهار داشت که در تفکر لیبرالی، آزادی در اولویت است که در نهایت منجر

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی با اشاره به اهمیت عدالت در اندیشه رهبر معظم انقلاب گفت: عدالت یکی از اهداف مهم نظام اجتماعی اسلام است که هم عقل عملی بر حسن آن حکم می‌کند و هم وحی الهی آن را تأیید می‌نماید. مقام معظم رهبری نیز در نشست اخیر خود با قاریان قرآن فرمودند که عدالت مهم‌ترین مسئله بعد از توحید است.

وی در ادامه با بررسی دو تعریف رایج از عدالت افزود: عدالت هم به معنای وضع تکوینی است که شامل نظام خلقت می‌شود، و هم به معنای «إعطاء كل ذي حق حقه» که به حوزه تشریع، قوانین و سیاست‌گذاری مربوط است. مقام معظم رهبری در سخنان خود به هر دو بُعد اشاره کرده‌اند.

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی همچنین به هفت ویژگی عدالت در منظومه فکری رهبر انقلاب اشاره کرد و گفت: «عدالت عام، مطلق، وسیع، امری غایی، فرازمانی، جانبدارانه و جامع است و این ویژگی‌ها در تمامی ابعاد عدالت اعم از فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و سیاسی مطرح می‌شود.»

حجت‌الاسلام والمسلمین خسروپناه با تأکید بر این که عدالت محور اصلی نظام اسلامی است، تصریح کرد: عدالت یک حق ثابت، طبیعی و فطری، نیاز بشری، سنت الهی و اصل ثابت اسلام است و باید در

به فدای عدالت می‌شود، در حالی که در تفکر سوسیالیستی، عدالت در اولویت قرار دارد. اما در اندیشه مقام معظم رهبری، عدالت و آزادی به‌طور هم‌زمان و متوازن تحقق پیدا می‌کنند.

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی سپس با تبیین مفهوم آزادی در نظام اسلامی گفت: آزادی در اندیشه مقام معظم رهبری به معنای رهایی از قید و بند طاغوت‌ها و حرکت به سوی تعالی معنوی و الهی است. آزادی برای تحقق استعدادهای انسانی است و این فرآیند در نظام عادلانه اجتماعی ممکن می‌شود.

حجت الاسلام و المسلمین خسروپناه در ادامه به نقش دولت اسلامی در تحقق نظام عادلانه اجتماعی و آزادی‌بخش پرداخت و گفت: دولت اسلامی باید قوانینی بازدارنده وضع کند که مبارزه با بی‌عدالتی را در پی داشته باشد. همچنین آموزش افکار عمومی و گفتمان‌سازی در زمینه عدالت و آزادی باید در اولویت قرار گیرد. وی افزود که دولت باید با قاطعیت در مبارزه با بی‌عدالتی عمل کند و بر آموزش و ایجاد بینش عمومی در خصوص مفاهیم عدالت و آزادی تأکید کند.

در نگاه اسلامی، آزادی در چارچوب عدالت و عدم ظلم تعریف می‌شود
دکتر محمدجواد لاریجانی: پس از انقلاب اسلامی، ملت ایران تصمیم گرفتند نظامی

مدنی و سیاسی مبتنی بر عقلانیت اسلامی و مکتب اهل‌بیت (ع) را در چارچوب دموکراسی نمایندگی ایجاد کنند. این تجربه در بسترهای واقعی اجتماعی و سیاسی شکل گرفته و این شرایط بر روند تحول آن تأثیرگذار بوده است.

رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی در ادامه به برخی دیدگاه‌های مطرح‌شده درباره امکان‌پذیری نظام اسلامی در اوایل انقلاب اشاره کرد و گفت: برخی از ابتدای انقلاب معتقد بودند که اسلام دینی مندرس است و توانایی ایجاد یک نظم اجتماعی مدرن را ندارد. برخی دیگر باور داشتند که دین تنها در حوزه خصوصی کاربرد دارد و نباید مبنای زندگی مدنی باشد. گروه سومی نیز بودند که اسلام را توانمند می‌دانستند اما تحقق آن را در عرصه سیاسی دشوار می‌پنداشتند.

لاریجانی با اشاره به پاسخ امام به سه دیدگاه اضافه کرد: امام اندراس اسلام را رد کردند و این مثال را زدند که دموکراسی از زمان افلاطون و قبل اسلام بوده است و الان در حال اجراست. لذا قدیمی بودن دلیل بر مندرس بودن نیست و مکتب اسلام پویا و فعال است. درباره گروه دوم نیز هابرماس می‌گوید مسیحیت را با استفاده از کلیسا سمت خصوصی سازی بردیم تا دین را خصوصی سازی کنیم. در دیدگاه گروه سوم هم امام همنه‌ای را شکستند و تحقق آن را ممکن دانستند.

وی همچنین دیدگاه شیخ انصاری را درباره عدالت تشریح کرد و افزود: شیخ انصاری معتقد است که عدالت فرع بر ظلم است، به این معنا که عدالت در تقابل با ظلم معنا پیدا می‌کند.

رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی با بررسی مفهوم ظلم، آن را به دسته‌های مختلفی از جمله ظلم به خود، خانواده، دیگران، دین و خدا تقسیم کرد و تأکید کرد: عدالت در مقابل هر یک از این موارد مطرح می‌شود.

وی همچنین تفاوت نگاه اسلام و غرب به آزادی را مورد بررسی قرار داد و گفت: در فرهنگ غربی، افراد در بسیاری از موارد آزادی مطلق دارند، در حالی که در نگاه اسلامی، آزادی در چارچوب عدالت و عدم ظلم تعریف می‌شود.

لاریجانی همچنین به چالش‌های جمهوری اسلامی در اجرای احکام اسلامی اشاره کرد و با ذکر خاطره‌ای از حضرت امام خمینی (ره) گفت: برخی پیشنهاد می‌دادند که اجرای برخی احکام اسلامی را به تعویق بیندازیم، اما امام خمینی (ره) تأکید داشتند که قوانین اسلامی باید اجرا شوند.

وی در پایان بر ضرورت حل مسائل کشور توسط خود ایرانیان تأکید کرد و گفت: باید مسائل خود را خودمان حل کنیم و منتظر راه‌حل‌های دیگران نباشیم.

ایشان گفتند که تمدن غربی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد و نباید بترسیم.

وی همچنین به نقش حکومت در این چارچوب فکری اشاره کرد و گفت: پس از تعیین محدوده‌های آزادی فردی، حکومت به‌عنوان نهادی برای محافظت از این آزادی‌ها شکل می‌گیرد. در اینجا، مفهوم امنیت ملی به‌عنوان محور اصلی حکومت مطرح می‌شود. به همین دلیل، در مواقع بحران، مانند حملات تروریستی، قوانین مربوط به حقوق فردی تغییر می‌کنند، همان‌طور که پس از حملات ۱۱ سپتامبر، محدودیت‌های جدیدی در قوانین آمریکا و انگلیس وضع شد.

رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی در ادامه به ارتباط تمدن غرب با خشونت پرداخت و گفت: تمدن غربی به دلیل امنیت‌محور بودن، رابطه‌ای پیچیده با خشونت دارد. این امر نه تنها در سیاست داخلی، بلکه در رفتارهای بین‌المللی آن نیز مشهود است. نمونه آن، توجیه جنایات رژیم صهیونیستی در جنگ غزه به بهانه دفاع از امنیت است.

لاریجانی در بخشی دیگر با اشاره به دیدگاه فارابی گفت: حق زمانی که به وجود استناد پیدا کند، واجب‌الوجود است و سایر موجودات نمی‌توانند برای آن استناد وجودی بیاورند. اما وقتی حق به گفتار یا فعل استناد یابد، مفاهیم صدق و عدالت مطرح می‌شوند.



در کرسی ترویجی با موضوع «در جست‌وجوی نظریه قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران» مطرح شد؛

پیشنهاد طراحی سامانه جدید ترکیبی و تفکیکی براساس فقه و حقوق



اشاره: بیست‌ونهمین کرسی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره پژوهشکده شورای نگهبان با موضوع «در جست‌وجوی نظریه قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران» با ارائه دکتر عطاءالله بیگدلی، عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع) و نقد دکتر علیرضا عالی‌پناه، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و دکتر محمد بهادری جهرمی، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد.

آغاز کردیم مبنی بر اینکه «نسبت فقه و حقوق با یکدیگر به مثابه دو نظام تنظیمی چیست و در جامعه ایران چه اتفاقی برای آن افتاده است؟»

در ابتدای این نشست، دکتر عطاءالله بیگدلی، عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع) اظهار داشت: ما در سالیان گذشته با تعدادی از دوستان، پژوهشی را

می‌گویند که به ما اجازه بدهید که در مواردی از جمله طلاق و ازدواج و ارث، به جای اینکه به نهاد حقوقی مراجعه کنیم، به ساختار سنتی خودمان مراجعه کنیم. این طیف می‌گوید چرا ما باید طبق قانون مصوب مجلس ازدواج و طلاق را انجام بدهیم؟! اجازه بدهید که مرجع تقلیدمان اجازه بدهد و مرجع تقلیدمان این را ساماندهی کند.

در کشور ما، قانون عرف همزاد با قانون شرع بوده است

در ادامه این نشست، دکتر محمد بهادری جهرمی، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس اظهار داشت: شما در این پژوهش به دو حوزه فقه و قانون اشاره کردید، اما از یک مسئله مهم غفلت کردید و این غفلت، آسیبی جدی به جامعیت پژوهش شما وارد می‌کند و آن چیزی نیست جز «عرف».

وی افزود: یعنی شما عملاً قانون را در نظریه‌ای که ارائه کردید، دو شاخه دیدید، یا قانون شرع و یا قانون موضوعه، در حالی که ما سابقه قانون موضوعه‌مان به ۱۵۰ سال نمی‌رسد. از هزار و دویست و هشتاد و شش هم حساب کنید خیلی کمتر از چیزی که عرض کردم در کشور قانون داشتیم. عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس خاطرنشان کرد: این در حالی است که در این کشور، قانون عرف همزاد با قانون شرع بوده است، چه از بعد از اسلام و چه پیش از اسلام و حرکت آن هم به نظر من در طول تاریخ سینوسی بوده است.

بیگدلی افزود: در این خصوص دو راه وجود دارد؛ راه اول این است که ما با منازعه کار را پیش ببریم، یعنی بگوییم که فقه یک دستگاه و حقوق نیز دستگاهی جداگانه است. در ادامه باید بگوییم که اینها با یکدیگر قابل جمع نیستند و بر همین اساس ناچاریم که با هم شروع به دعوا بکنیم و... این یک راه بوده، یک راه دیگر این بوده و هست که ما از در صلح وارد شویم. در ظاهر امر، شاید این دو را نتوان با یکدیگر جمع کرد ولی در مقطعی که اضطرارهای اجتماعی و وضعیت‌های خاص تاریخی رخ می‌دهد، به این نتیجه می‌رسیم که این دو را با یکدیگر جمع کنیم.

وی خاطرنشان کرد: نکته اینجاست که ما در قانون اساسی هم همین کار را انجام داده‌ایم؛ یعنی در حوزه حقوق اساسی ما تا جایی که ممکن است، این‌ها را تفکیک کرده‌ایم، به عنوان مثال، فقیه را به عنوان ناظر گذاشتیم؛ به این معنا که گفتیم شما حافظ آن چارچوب کلام باشید و نهاد فقیهان را مطلقاً حذف کردیم.

بیگدلی اظهار داشت: ما باید سامانه جدیدی بسازیم تحت عنوان «سامانه جدید ترکیبی و تفکیکی»؛ یعنی اصل راهبرد در این سامانه براساس تفکیک است. به این مثال توجه کنید: در احوال شخصیه، افرادی هستند که بیشتر میل دارند که ذیل فتاوی‌ علمای حوزه علمیه، احوال شخصیه‌شان را از جمله ازدواج، طلاق و ارث انجام بدهند. این‌ها

بهادری چهارمی در ادامه گفت: بر همین اساس ما ادواری در تاریخ می‌بینیم که حوزه شمول احکام شریعت در اداره امر عمومی، خیلی پررنگ و عرض وسیعی دارد. در برخی ادوار نیز قانون عرف آمده و روح و قانون شرع را به محاق برده و محدود کرده است، مثل دوره شاه عباس صفوی، شاه عباس اول و دوم و دوره نادرشاه افشار.

وی اظهار داشت: و اما در حال حاضر ما به سمت عرفی شدن پیش می‌رویم. لذا این نشان دهنده این است که ما به این ادعای نظریه رفع تفکیک نرسیدیم و شکست خوردیم. عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس افزود: بحث‌های شما برای من خیلی جذاب بود. اتفاقاً سوژه این پژوهش، حوزه علاقه شخصی بنده نیز هست و موارد متعددی بود که بسیار استفاده کردم و نکات ریز و البته تاریخی موجود در پژوهش شما را یادداشت کرده‌ام تا از آن استفاده کنم و فکر می‌کنم که موضوع بسیار مهمی است. از این جهت واقعاً شایسته تقدیر است که شما تلاش کردید و به نظرم جا دارد که روی این مباحث بیشتر کار شود.

یکی از چالش‌های پیش رو، حاکمیت قانون است

در ادامه این نشست، دکتر علیرضا عالی‌پناه، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی اظهار داشت: بحث‌های آقای دکتر بیگدلی همیشه برای من درس‌آموز و ایجادکننده

ایده‌های جدید و محل تأمل و تفکر بوده است. این مربوط به امسال و پارسال هم نیست. این مسئله بیش از بیست سال سابقه دارد.

وی افزود: جناب آقای دکتر بیگدلی، در متن و در جلسه، نزاعی را مطرح کردند که این نزاع زمانی نزاعی بسیار جدی بوده است. جامعه ایران تحولات بسیار زیادی را مخصوصاً در سال‌های اخیر از سر گذرانده است. به نظرم نظریات تحقیق شما امروزه به بدیهیات تبدیل شده است.

دکتر عالی پناه در تحلیل وضعیت تاریخی این مسئله اشاره کرد: بنیان شرع و حقوق دیدند منازعه دشوار است و امکان‌پذیر نیست؛ لذا ایده شرعی کردن حقوق و حقوقی کردن شرع مطرح شد؛ و مشروطه به شرعی کردن حقوق رضایت داد؛ به این معنا که شریعت، تبدیل به قانون شود؛ لذا در قانون اساسی مشروطه آمده است که شرع در حوزه صلاحیت مقتن نیست؛ و چنانچه قانونی جعل شود، طبق اصل ۲ متمم، باید مورد تأیید علمای تراز قرار گیرد و مواردی از این دست.

وی در ادامه با تشریح دقیق‌تر این مسئله بیان کرد: راهی که در مشروطه طی شد اولاً مسالمت، ثانیاً راه تفکیک و ثالثاً راه نظارت عالی بود. حقوق‌دان‌ها روی کاغذ این مسئله را پذیرفتند؛ اما در عمل اتفاق دیگری افتاد که با جلوس سید ضیاء طباطبایی مسئله به شکل دیگری رقم خورد؛ لذا این مسئله برای ما چیز جدیدی ندارد. این نکات با مطالعه قوانین این بازه تاریخی به خوبی روشن می‌شود.

بن‌بست ندارد» از همین مسئله ناشی می‌شود. وی اظهار داشت: رابطه امام‌المسلمین با امت بسیار پیچیده است. امام‌المسلمین با امت همراه است، امت هم با امام همراه است. امام، امت را هدایت می‌کند. در بعضی مقاطع، امت با امام همراهی نمی‌کند، اینجا امام صبوری می‌کند. بر همین اساس می‌گویند امام مظلوم شده است. اینها در تاریخ موجود است. امام هیچوقت نمی‌گوید که من رها می‌کنم و می‌روم.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی افزود: به نظر بنده، یکی از چالش‌های جمهوری اسلامی در چهل سال دوم، حاکمیت قانون است، اما در کنار این مسئله، باید حتما توجه داشته باشیم که امامت برای حکومت کردن است و حکومت اسلامی نیز تعطیل بردار نیست. منظورم این نیست که می‌کشیم و حکومت می‌کنیم، خیر، منظورم این است که راه را باز می‌کنیم و حکومت می‌کنیم.

در ادامه این نشست، حضار سوالات خود را مطرح کرده و اساتید به این سوالات پاسخ دادند.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی خاطرنشان کرد: جمهوری اسلامی، ایده امامت را آورد که اکنون بیشتر به اسم ولایت فقیه معروف است. چه قانون اساسی سال پنجاه و هشت و چه قانون اساسی سال شصت و هشت تاکید دارد که ما حکومتی داریم که امام‌المسلمین در رأس آن هست. امام از یک سو صلاحیت تشریع دارد و از سوی دیگر نیز صلاحیت تعلیق احکام بالفعل را دارد، البته نه به عنوان ثانوی و امثال آن.

عالی پناه در ادامه گفت: آن حرفی که به مردم زده شد و امام آن را مطرح کرد و به درستی نیز به آن اشاره کردند، این بود که امام‌المسلمین در امامت، هیچ تفاوتی با پیغمبر(ص) ندارد، فقط یک تفاوت دارد؛ پیغمبر(ص) و امیرالمومنین(ع) در درک احکام و تطبیق، معصوم هستند، اما امام‌المسلمین در عصر غیبت، در درک احکام و تطبیق معصوم نیست. این تفاوت پیغمبر(ص) و امام(ع) با ولی فقیه است. بر همین اساس از حیث اختیارات با هم تفاوتی ندارند. بنابراین این که امام می‌گوید «آقا، اسلام عزیز





در کرسی ترویجی با موضوع «معناکاوی و سنجه شناسی عدالت قضایی در پرتو قانون اساسی» مطرح شد؛

دکتر مسعودیان: تحقق عدالت در دستگاه قضایی و احقاق حقوق طرفین دعوی یکی از مطالبات جدی قانون اساسی است



دکتر اسحاقی: در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ابعاد مختلف عدالت توجه شده است



دکتر توکل پور: عدالت قضایی باید در تمام مراحل، از تعیین مجازات توسط قاضی تا اجرای آن، رعایت شود



از موضوعات محوری در همه نظام‌های حقوقی است و در نظام حقوقی اسلام هم تأکیدات فراوانی، هم در آیات و هم در روایات در خصوص موضوع عدالت وجود

در ابتدای این نشست، دکتر مسعودیان، عضو هیئت‌علمی دانشگاه شاهد با اشاره به اهمیت عدالت در دین مبین اسلام تصریح کرد: موضوع عدالت یکی

معنای رعایت حقوق طرفین دعوا در مقام دادرسی و حکم در دستگاه قضایی است.

وی در ادامه تصریح کرد: گرچه ما در قانون اساسی اصطلاحی تحت عنوان عدالت قضایی نداریم، منتهی برآیند مقدمه قانون اساسی و اصول قانون اساسی آن است که یکی از مطالبات جدی قانون‌گذار اساسی، تحقق عدالت در دستگاه قضایی و احقاق حقوق طرفین دعوا بوده است.

مسعودیان خاطرنشان کرد: تعیین شاخص‌های عدالت قضایی دو فایده و کارکرد مهم دارد: اولاً، موجب جهت‌دهی برنامه‌ریزی‌های کلان دستگاه قضایی در تحقق عدالت قضایی می‌شود، ثانیاً، امکان رصد مسیر حرکت نیل به عدالت قضایی و پاسخ‌گویی دستگاه قضایی در این خصوص را فراهم می‌کند.

وی در ادامه به تشریح شاخص‌های عدالت قضایی مبتنی بر قانون اساسی پرداخت و گفت: قانون اساسی برای تحقق عدالت قضایی شاخص‌ها و سنجه‌هایی را مطرح و برای تضمین آن‌ها قریب به ۱۴ تدبیر را مطرح کرده است که برخی از این تدابیر عبارتند از در دسترس بودن دادگاه‌ها؛ حاکمیت قانون بر: جرم و مجازات، تشکیل دادگاه‌ها و مستند بودن احکام قضایی؛ استقلال قضایی از جهات استقلال ساختاری و استقلال شخصی؛ برابری؛ اتقان دادرسی مبتنی بر: شایسته‌گزینی، مستدل بودن احکام قضایی، لزوم جبران

دارد و خداوند در آیه بیست و پنجم سوره مبارکه حدید اساساً یکی از اهداف بعثت انبیا و انزال کتاب‌های آسمانی را تحقق عدالت و قسط معرفی کرده است.

مسعودیان افزود: عدالت سپر هر نظام سیاسی و هر نظام حاکم هست، به این معنا که هرچقدر آن نظام سیاسی عدالت را در شئون مختلف رعایت کند، این سپری است که جلوگیری می‌کند از اینکه این نظام سیاسی به مرز فروپاشی و انحلال دچار شود.

وی در ادامه برای ورود به بحث، تعریف عدالت را لازم دانست و افزود: عدالت حوزه‌ها و ساحت‌های مختلفی دارد که یکی از مهم‌ترین حوزه‌ها، عدالت قضایی است.

مسعودیان یکی از معانی رایج عدالت را «وضع کل شیء فی موضعه» دانست که این تعریف درواقع برگرفته از روایتی از حضرت امیر (ع) هست.

عضو هیئت‌علمی دانشگاه شاهد در ادامه برای تبیین مفهوم قضا گفت: منظور ما از قضا هم صرفاً به معنای فصل خصومت نیست چون وقتی که عدالت را به معنای اعطای حق به ذی حق معنا کردیم طبعاً قضا صرفاً به معنای فیصله دادن دعوا بین طرفین نیست بلکه به معنای احقاق حق مدنظر هست، لذا اکنون با جمع این دو مفهوم، عدالت قضایی به

بعضی از موارد خلط بین شاخص و مؤلفه و سنجه شده است.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در ادامه درباره تعیین مصادیق ذیل سنجه‌ها گفت: علنی بودن دادرسی را به عنوان اتقان در دادرسی آورده‌اید در صورتی که این به عنوان حقوق متهم یعنی حقوق دفاعی متهم محسوب می‌شود. همچنین حق سکوت متهم را نیز می‌توان از برخی اصول قانون اساسی برداشت نمود که در میان مصادیق ذکر نشده است. بحث منع شکنجه نیز که در بحث مربوط به حفظ کرامت آورده‌اید، حفظ کرامت خیلی عام هست.

وی در ادامه افزود: ما انتظار داریم که از منظر قانون اساسی یک تعریفی از عدالت قضایی به دست بدهیم. از منظر قانون اساسی و نه اینکه دیگران چه گفته‌اند. بلکه باید تعریف دیگران را تحلیل کنیم، اما نهایتاً باید ببینیم که قانون اساسی از عدالت قضایی چه تعریفی ارائه می‌دهد، ماهیتش را چه می‌داند و اصولش چیست؟

اسحاقی در پایان ضمن تقدیر از تلاش دکتر مسعودیان، نکات و پیشنهادهایی برای تکمیل و غنای بیشتر بحث ارائه کرد که عمده‌تاً به تعریف دقیق شاخص‌های عدالت قضایی از منظر قانون اساسی، تفکیک آن‌ها از مؤلفه‌ها و سنجه‌ها، بررسی تضمین‌های قانونی این شاخص‌ها و توجه به پیشینه

اشتباهات قضایی، علنی بودن دادرسی؛ رعایت حقوق طرفین مبتنی بر: اصل برائت، تفهیم فوری اتهام، در دسترس بودن وکیل، حضور هیئت منصفه در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و حفظ کرامت اصحاب دعوا.

در ادامه این نشست، دکتر محمد اسحاقی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در نقد مطالب مطرح شده گفت: قانون اساسی ما به عنوان میثاق ملی مبتنی بر ارزش‌ها و مبانی قرآنی و روایی و همچنین تجربه جهانی واقعاً یک قانون پیشرفته و از هر جهت کامل و مؤثر و مطابق با نیازهای روز است. یکی از دلایل و شواهد آن هم همین بحث عدالت قضایی است که علاوه بر موضوع عدالت، به صورت اساسی و به عنوان یکی از اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی به ابعاد مختلف عدالت هم توجه شده است.

اسحاقی در ادامه در سطح کلان ارزیابی پژوهش به این موضوع اشاره کرد که در بسیاری از موارد تحلیل فقهی و حقوقی و آن چیزی که مورد نیاز است یا انتظار داریم صورت نگرفته و بخش‌های مختلفی هست که ذکر اصول شده و یک شرح مختصری داده شده ولی مورد تحلیل و ارزیابی قرار نگرفته است.

وی در ادامه عدم تعریف دقیق از شاخص را از نقایص پژوهش مطرح شده دانست و گفت: از شاخص تعریفی ارائه نشده و در

سنجه‌ها و شاخص‌هایی که قرار هست مشخص بکنند که ما اصول را رعایت کردیم، سیاست‌های مان را درست طراحی کردیم، یا در نیل به اهدافمان موفق بوده‌ایم یا خیر؟

توکل پور در خاتمه به تحلیل و نقد دیدگاه مطرح‌شده درباره تمایز عدالت کیفری در مرحله قانون‌گذاری و عدالت قضایی پرداخت و محور اصلی صحبت‌های وی تأکید بر لزوم تعریف دقیق و تفکیک مفاهیم کلیدی همچون اهداف، اصول، حقوق، سیاست‌ها و به‌ویژه سنجه‌ها (شاخص‌های ارزیابی) در نظام عدالت قضایی بود که از نگاه او برای ارزیابی عینی میزان تحقق عدالت ضروری است.

در ادامه این نشست که دبیری آن را احمد رحیمی، پژوهشگر پژوهشکده شورای نگهبان و دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی برعهده داشت، حاضرین سوالات خود را مطرح کرده و اساتید به این سوالات پاسخ دادند. برعهده داشت.

پژوهش‌های مشابه اختصاص داشت.

در ادامه این نشست، دکتر محمدهادی توکل پور، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم قضایی در نقد مطالب ارائه شده توسط دکتر مسعودیان گفت: ارزیابی میزان عدالت در دستگاه قضایی مستلزم وجود شاخص‌ها و معیارهای کمی و عینی است، اما تعریفی از سنجه و شاخص ارائه نشده است. علاوه‌بر آن اصول مبنایی و ثابتی هستند که می‌توانستید در کار به آنها هم اشاره کنید، ازجمله استقلال قضایی، اسلام‌مداری، سلامت دستگاه قضایی یا دوری از فساد و غیره.

وی در ادامه افزود: برخی مصادیق ذکر شده سنجه نبوده و اصل هستند و مناسب بود که میان سیاست‌ها، اصول و سنجه‌ها تفکیک‌شده و هر یک تعریف و تبیین می‌شدند.

عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم قضایی سپس اضافه کرد: آن چیزی که جنبه نوآوری به کار می‌دهد همین بحث است که ما واقعاً متمرکز شویم بر خود آن





دکتر کدخدایی در نشست مشترک با روسای دفاتر نمایندگی رهبری در دانشگاهها مطرح کرد:

همایش حقوق ملت مصداق بارز دفاع نرم افزاری از جمهوری اسلامی است



تشکر از حجت الاسلام والمسلمین رستمی، رئیس محترم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها به خاطر فراهم آوردن زمینه حضور در این نشست، اضافه کرد: با توجه به همه‌های دشمن به کیان نظام جمهوری اسلامی ایران و منافع ملی در همه جهات، چه سخت‌افزاری از چه نرم‌افزاری، در جهت دفاع نرم‌افزاری از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران نیازمند تلاش‌های جدی هستیم و طبیعتاً مسئولیت همه ما در این جهت خطیر است.

دکتر کدخدایی، عضو حقوقدان شورای نگهبان که به عنوان رئیس همایش بین‌المللی حقوق ملت و آزادی‌های مشروع در منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دفتر مرکزی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها و در نشست «نقش‌آفرینی آموزش عالی و دانشگاهها در حوزه دفاع نرم‌افزاری از جمهوری اسلامی» سخن می‌گفت، ضمن آرزوی قبولی طاعات و عبادات حاضران در ماه مبارک رمضان و

طاغوت لمس کرده بودند و برای همین هم در کنار حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه مبارزه کردند که با لطف الهی و با پشتیبانی مردم، نهضت انقلاب اسلامی به نتیجه رسید و نظام جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد و ایشان بعد از پیروزی انقلاب هم به تبیین مبانی آزادی و اجرای آزادی پرداختند. بنابراین جایگاه معظم له فراتر از یک نظریه پرداز بوده و در عمل نیز تجارب زیادی داشته که در این نظریه پردازی مورد توجه بوده است.

رییس پژوهشکده شورای نگهبان سپس افزود: ما توفیق داشتیم که این وظیفه مهم به پژوهشکده شورای نگهبان تفویض شد و بنا شد این همایش و همچنین نشست‌های علمی مرتبط با آن منجر به نتایج علمی وزینی شود که بتواند برای اجرا در اختیار دستگاه‌های اجرایی ذیربط قرار بگیرد برای اجرا و فقط در حوزه نظری و کتابخانه‌ها باقی نماند. دکتر کدخدایی در خاتمه با اشاره به برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته برای برگزاری این همایش، «بررسی مفاهیم، مبانی و چارچوب حقوق ملت و آزادی‌های مشروع در نظام جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با سایر نظام‌های حقوقی»، «تحلیل سازوکارها و الزامات تأمین و تضمین حقوق ملت و آزادی‌های مشروع، با تأکید بر ارائه راهکارهای عملی» و «بررسی دستاوردهای جمهوری اسلامی در حوزه حقوق ملت و آزادی‌ها، همراه با آسیب‌شناسی وضعیت موجود و ارائه پیشنهادات برای بهبود آن» را سه محور موضوعی همایش برشمرد و از دانشگاه‌ها، مراکز علمی و همه صاحبان اندیشه و قلم دعوت خواست تا با برگزاری نشست‌های علمی و ارائه مقالات پژوهشی، در غنای علمی این همایش سهیم باشند.

دکتر کدخدایی افزود: مقام معظم رهبری به عنوان یک اندیشمند برجسته جهان اسلام، چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب نظرات مهم و وزینی را در جهات مختلف داشته‌اند و اندیشه‌های بزرگی را مطرح کرده‌اند که به صورت کتاب یا سخنرانی در اختیار ما قرار گرفته است، اما به دلیل اینکه ایشان بعد از انقلاب در مصادر عالی اجرایی قرار گرفتند، کمتر به این بعد شخصیتی ایشان پرداخته شده است و برگزاری همایش بین المللی حقوق ملت و آزادی‌های مشروع در منظومه فکری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) گامی در جهت تبیین و ترویج این اندیشه‌های سترگ است و می‌توان آن را مصداق بارز دفاع نرم‌افزاری از جمهوری اسلامی دانست.

رییس پژوهشکده شورای نگهبان با اشاره به اینکه موضوع حقوق ملت و آزادی از جمله مسایلی بوده که به عنوان آرمان مردم مسلمان ما در هنگامه نهضت انقلاب اسلامی در کنار استقلال و حکومت اسلامی به عنوان شعار اصلی مطرح بوده است اضافه کرد: قانون اساسی ما هم نگاه ویژه‌ای به این مسئله داشته و علاوه بر مقدمه در اصول مختلف به آن پرداخته است و نهایتاً فصل سوم قانون اساسی به حقوق ملت اختصاص یافته است که اصول مختلفی در تبیین حقوق مردم و آزادی‌ها دارد. رئیس همایش بین‌المللی حقوق ملت و آزادی‌های مشروع در منظومه فکری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) افزود: مقام معظم رهبری فقط یک نظریه‌پرداز نبودند که صرفاً نظریه‌ها را مطرح کنند بلکه ایشان از مبارزین راه تحقق آزادی بودند، به خاطر آزادی به زندان رفتند، شکنجه شدند و به تبعید رفتند، یعنی عملاً نبود آزادی را در دوره رژیم

کارنامه؛



گفتگو با مدیران

اصلی ترین هنجار قابل شناسایی برای اداره نظام
حکومتی قانون اساسی است



اشاره: برای آشنایی و اطلاع بیشتر مخاطبان از روند، اهداف و فعالیت‌های پژوهشکده شورای نگهبان، مصاحبه‌هایی با مدیران این مجموعه تحت عنوان کارنامه تهیه و تدوین شده است. در شماره‌های قبلی اقدامات پژوهشکده شورای نگهبان در آموزش قانون اساسی برای کودکان در گفتگو با دکتر علی فتحی زعفرندی قائم مقام پژوهشکده مورد بررسی قرار گرفت. در این شماره ماهنامه به سراغ دکتر امیر کشتگر، مدیر گروه نظام سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان رفته ایم و از فعالیت‌های پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان پرس و جو کرده‌ایم.

چگونه و در چه سالی همکاری خودتان را با پژوهشکده آغاز کردید؟

تعداد قابل توجهی از پژوهشگرانی که جذب پژوهشکده شورای نگهبان میشوند از طریق رویدادهای علمی نظیر نظیر کارگاههای آموزشی، رویداد شبیه سازی و ... با این مجموعه آشنا میشوند و طبعاً اگر کسی دارای تحصیلات عالیه مرتبط و سوابق علمی پژوهشی متناسب باشد میتواند امیدوار باشد به چنین مجموعه هایی راه یابد. من هم از طریق کارگاههای آموزشی با پژوهشکده شورای نگهبان آشنا شدم و از سال ۱۳۹۶ در شرایطی که در حال تحصیل در مقطع دکتری بودم بعد از طی فرآیندهای احراز شرایط علمی و عمومی فرصت حضور پیدا کردم.

کارکرد و اهداف معاونت شما در پژوهشکده چیست؟

در ذیل معاونت پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان مبنی بر حوزه های تخصصی مورد نیاز، سه کارگروه علمی پیش بینی شده است؛ گروه مطالعات قانون و قانونگذاری، گروه مطالعات ساختارهای و نهادهای اساسی و گروه مطالعات نظام سازی اسلامی. همچنان که از عناوین گروه ها نیز بر می آید



آقای دکتر سلام. لطفا خودتون رو معرفی کنید.

بنده هم عرض سلام دارم خدمت شما و خوانندگان محترم اساسنامه. من امیرکشتگر، دانش آموخته دکترای فقه و حقوق اسلامی از دانشگاه تهران هستم و هم اکنون افتخار دارم به عنوان عضو هیئت علمی و مدیر گروه نظام سازی اسلامی در پژوهشکده شورای نگهبان خدمت میکنم.

کارویژه های این گروه ها متفاوت و تخصصی است. در گروه مطالعات نظام سازی اسلامی اهداف مشخصی دنبال می شود که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱- توجه به ابعاد کاربردی دانش های دینی در مواجهه فعال با نیازها، چالش ها و پرسش های نوپدید مرتبط با نظام سیاسی و بطور خاص کارویژه های شورای نگهبان.

۲- فهم نظام مند از ادبیات حکمرانی برآمده از مبانی نظری غرب مدرن و تلاش جهت مواجهه فعال و آگاهانه از طریق پرسشگری و نقد بنیادهای فلسفی و حقوقی آن.

۳- زمینه سازی برای گسترش و تعمیق مطالعات نظام سازی اسلامی در قالب های متعدد نظریه پردازی و ترویجی از قبیل: برگزاری کرسی های نظریه پردازی، جلسات نقد کتاب و ... که با حضور و مشارکت صاحب نظران و متخصصان حوزه و دانشگاه امکان پذیر می گردد.

قسمت شما در پژوهشکده چگونه به شورای نگهبان و حاکمیت کمک میکند؟

در پژوهشکده شورای نگهبان کلیه واحدهای پژوهشی و کارشناسی با هدف تقویت بُعد نرم افزاری حکمرانی و به طور خاص نهاد شورای نگهبان تدارک شده است. این

موضوع در معاونت مطالعات کاربردی که طیفی از موضوعات کارشناسی در دستور کار قرار دارد جنبه عینی تر و ملموس تر پیدا میکند و در معاونت پژوهش های بنیادین جنبه کلان تر و بلند مدت تر دارد. استنباط رهیافتهای و بصیرتهای فکری و اندیشه ای دایرمدار حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در معاونت پژوهشهای بنیادین و بطور خاص گروه مطالعات نظام سازی اسلامی مد نظر است که میتواند در ارتقای بنیه نرم افزاری نظام حکمرانی و مشخصا شورای نگهبان موثر واقع شود. برخی از این تلاش ها در قالب کتاب و گزارش پژوهشی در معرض صاحب نظران و علاقمندان این حوزه قرار گرفته است.

در سال گذشته چه فعالیت هایی را انجام دادید و برنامه هاتون برای سال ۱۴۰۴ چیه هست؟

اصلی ترین هنجار قابل شناسایی برای اداره نظام حکومتی که نرم افزار شورای نگهبان برای اعمال صلاحیت نظارت تقنینی نیز محسوب میشود «قانون اساسی» است. فلذا از مهم ترین کارویژه های سالیان اخیر ما در معاونت پژوهش های بنیادین، شرح قاعده مند اصول قانون اساسی است. پروژه «تحلیل مبانی نظام مبتنی بر اصول قانون اساسی» از جمله فعالیتهای پژوهشی مهم است که توسط جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه تحت نظر حضرت آیت الله کعبی

جلسات و تکمیل مباحث بتوانیم آثار تاثیرگذاری را در این رابطه عرضه کنیم. از دیگر فعالیت‌های مهم قابل اشاره، تعریف کلان پروژه «تالیف کتب درسی» مصوب وزارت علوم بود. کتب «متون فقه حقوق عمومی» و «حقوق عمومی در اسلام» مهم ترین عناوین درسی است که نگارش آن از سال گذشته آغاز شد و هم اکنون در مراحل پایانی نگارش هستند و در سال پیش رو انتشار خواهند یافت. تلاش ما در تنظیم و نگارش این کتب و دیگر عناوین درسی، ارائه ادبیات متمایز و جذاب برای یادگیری مضامین اسلامی و فقهی در حوزه حقوق اساسی است. امیدواریم با انتشار این آثار دانشجویان از فرصت‌های مطالعاتی بهتری جهت آشنایی با مضامین حقوق عمومی اسلامی برخوردار شوند. البته فعالیت‌های کارگروه نظام سازی اسلامی در سال گذشته به پژوهش محدود نماند و این فرصت فراهم شد با همکاری بخش های آموزشی پژوهشکده شورای نگهبان، رویدادهای تبیینی و ترویجی نیز با حضور نخبگان فقه سیاسی و حقوق عمومی اسلامی از دیگر دانشگاهها و مراکز علمی برگزار شود و غالباً هم مورد استقبال پژوهشگران و دانشجویان قرار گرفت. مدرسه حقوق بشر اسلامی و همچنین برگزاری نشستهای علمی - تخصصی از جمله این اقدامات بود که امیدواریم در سال پیش رو با انسجام بیشتری دنبال شود.

در سال گذشته نیز دنبال شد. در این پروژه تلاش میشود بنیادهای فقهی، کلامی و فلسفی اصول قانون اساسی مورد تبیین و تحلیل قرار گیرد. انتشار دو جلد از این کتاب با محوریت شرح اصول مرتبط با فصل سوم قانون اساسی موسوم به «حقوق ملت» در این رابطه قابل توجه است. در این اثر تلاش شده است ظرفیتهای منابع اسلامی در تبیین مضامین متعدد فصل سوم نظیر حریم خصوصی، آزادی بیان، تأمین اجتماعی، اشتغال، آموزش و پرورش و دیگر حقوق سیاسی و فرهنگی و قضایی مورد تتبع و کاوش جدی قرار گیرد. پیشنهاد میشود پژوهشگران فقه سیاسی و حقوق بشر فرصت مطالعه این اثر پر استدلال و پر استناد را از دست ندهند. «شرح مبسوط اصول قانون اساسی» دیگر پروژه مهم و راهبردی محسوب میشود که تحت نظر دکتر خدایی و با حضور جمعی از پژوهشگران و نخبگان حقوقی در راستای شرح و بسط قانون اساسی با رویکرد حقوقی دنبال شد و آثار متعددی در این رابطه نیز به انتشار رسید. اقدام مهم پژوهشی که در سال گذشته مد نظر قرار گرفت برگزاری نشستهای تخصصی با موضوع «بازخوانی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نظریه ولایت فقیه» بود که با ارائه درسگفتارهایی از سوی حضرت آیت الله سعیدی آغاز شد. امیدواریم در سال پیش رو با استمرار

دفتر مذاکرات؛



مشروح مذاکرات شورای نگهبان

**چالش اختیارات نماینده ویژه رئیس جمهور / محدود
به امور اجرایی یا شامل تصمیمات غیر اجرایی؟**



اشاره: بحث اصلی این جلسه شورای نگهبان در مورد اختیارات نمایندگان ویژه ای است که توسط رئیس جمهور تعیین می شوند و اینکه آیا این اختیارات تنها به امور اجرایی محدود می شود یا شامل تصمیمات غیر اجرایی نیز می شود. در گذشته، نمایندگان ویژه علاوه بر امور اجرایی، توانایی صدور دستورالعمل ها و تصمیمات غیر اجرایی نیز داشتند. اما شورای نگهبان اعلام کرده است که اصل ۱۲۷ قانون اساسی به امور اجرایی محدود است و تصمیمات این نمایندگان در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران تلقی می شود

شورای نگهبان در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۵/۲۰ را در ادامه بخوانید:

 آقای عزیزی - دستور اول

«استفساریه ریاست محترم مجلس شورای اسلامی در خصوص اصل

(۱۲۷) قانون اساسی»^[۱] است. با توجه

به اینکه قبلاً نمایندگان ویژه‌ای که از سوی دولت انتخاب می‌شدند هم دستورالعمل

تصویب و ابلاغ می‌کردند و هم جنبه‌های

اجرایی امور را پیگیری می‌کردند، همچنین

با توجه به بعضی از نظراتی که از سوی

شورای نگهبان صادر شده بود مبنی

بر اینکه اختیارات نمایندگان ویژه تنها

جنبه‌ی اجرایی دارد،^[۲] بعضی سوابقی

را تحقیق کرده‌اند که رویه‌ی شورای

نگهبان قبلاً بر این بوده است که

تصویب‌نامه‌های صادره از نمایندگان ویژه

را هم تأیید می‌کرده است. چون این

اختلاف نظر پیش آمده است، حالا رئیس

محترم مجلس به خاطر رفع این اختلاف

نظر تقاضای تفسیر کرده‌اند و پرسیده‌اند

که آیا لفظ «تصمیم» در اصل (۱۲۷)

قانون اساسی^[۳] صرفاً جنبه‌ی اجرایی دارد؟

یعنی اگر یک نماینده‌ی ویژه‌ای از سوی

دولت برای یک امر خاصی تعیین شد آیا

تصمیمات ایشان فقط جنبه‌ی اجرایی دارد؟

یا نه، او می‌تواند دستورالعمل هم صادر

بکند؟ [متن نامه‌ی شماره ۲۷۵۸/هـ/ب

مورخ ۱۳۷۹/۵/۴ رئیس مجلس شورای

اسلامی به این صورت است:]

نمایندگان مجلس، به ویژه آقای کروی، به این نکته اشاره دارند که الفاظ و عبارات به کار رفته در اصل ۱۲۷، به هیچ وجه محدود به امور اجرایی نیست و شامل تصمیمات غیر اجرایی نیز می‌شود. لذا درخواست تفسیر از شورای نگهبان به منظور روشن شدن این موضوع مطرح شده است.

رئیس مجلس به منظور رفع اختلاف نظرها از شورای نگهبان درخواست تفسیر کرده است که آیا لفظ «تصمیم» در اصل ۱۲۷ قانون اساسی تنها به امور اجرایی مربوط می‌شود یا اینکه نمایندگان ویژه می‌توانند دستورالعمل‌ها و تصمیمات غیر اجرایی نیز صادر کنند.

آیت الله یزدی و دیگران تأکید کردند که نمایندگان ویژه باید بتوانند در امور غیر اجرایی نیز تصمیم‌گیری کنند و این نشان‌دهنده‌ی ضرورت اختیارات وسیع آنها است. در مقابل، آیات الله رضوانی و دیگر اعضا به محدودیت‌های قانونی اشاره کردند و این نکته را مطرح کردند که تصمیمات نمایندگان ویژه باید به اطلاع رئیس مجلس برسد تا او بتواند نظارت کند. در نهایت، شورای نگهبان باید به تفسیر اصل ۱۲۷ بپردازد تا وضعیت اختیارات نمایندگان ویژه و ضرورت اطلاع‌رسانی آن‌ها به رئیس مجلس مشخص شود.

بخش اول گزیده مشروح مذاکرات اعضای

«دبیر محترم شورای نگهبان»

مقدمتاً یادآوری این نکته را لازم می‌داند که تا قبل از نظریه شماره ۶۱۸۶/ت ۲۱-۷۸-۱۳۷۸/۱۱/۲۰ آن شورای محترم، اولاً مصوبات ناظر به تعیین نماینده یا نمایندگان ویژه و به تبع آن، تصمیمات نماینده یا نمایندگان مزبور، حاوی امور اجرایی و غیر آن می‌بود، ثانیاً این مصوبات و تصمیمات حاوی امور اجرایی و غیر آن کلاً برای رئیس مجلس شورای اسلامی ارسال می‌شد و ثالثاً کلیه مصوبات و تصمیمات مزبور از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی مورد بررسی و اعلام نظر نهایی قرار می‌گرفت و اما در دفاع حقوقی و قانونی از شیوه فوق‌الذکر که پس از بازنگری قانون اساسی قریب به یازده سال مستمراً مورد استفاده مراجع قانون ذی‌ربط قرار گرفته است. نظر آن شورای محترم را به استدلالات ذیل که با استفاده از الفاظ و عبارات اصل (۱۲۷) قانون اساسی و صورت مشروح مذاکرات شورای محترم بازنگری قانون اساسی در خصوص اصل مزبور، به عمل آمده و کلاً مبین شمول این اصل به امور اجرایی و غیر آن به نظر می‌رسد جلب می‌نماید:

۱- در مجموع الفاظ و عبارات مذکور در اصل (۱۲۷) نه فقط هیچ لفظ و عبارتی مشاهده نمی‌شود که صریحاً مبین حصر این اصل به امور اجرایی باشد، بلکه هیچ لفظ و عبارتی وجود ندارد که تلویحاً نیز مفید حصر مزبور باشد.

۲- هیچ یک از دو عبارت «موارد خاص» و «اختیارات مشخص» مذکور در اصل (۱۲۷) که عمده‌ترین نقش را در تشخیص دامنه شمول اصل مزبور به امور اجرایی یا غیر آن ایفاء می‌کنند مقید به امور اجرایی نبوده، همچنان که اطلاق دو عبارت دیگر مذکور در این اصل یعنی عبارت «تصمیمات نماینده یا نمایندگان ویژه» و عبارت «در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران» نه فقط شامل امور اجرایی و غیر آن می‌شوند، بلکه ذکر کلمه «تصمیمات» در هر دو عبارت، پیش و بیش از آنکه به امور اجرایی دلالت کند به غیر این امور دلالت دارد.

۳- صورت مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی نیز ضمن آنکه مبین اهمیت فوق‌العاده انتخاب نماینده یا نمایندگان ویژه و وسعت دائره اختیار فراوان آنان در رفع مشکلات و معضلات پیچیده و سطوح بالای مملکتی است، نه فقط به هیچ وجه محدود و محصور به امور اجرایی نیست که نوعاً مستلزم ایفاء نقش نمایندگی در رهگذر صدور دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، تصمیم‌نامه‌ها و از این قبیل است که اغلب به بیش از امور اجرایی تسری دارد. اینک برای ذکر نمونه بعضی از مذاکرات مزبور را ذیلاً به آگاهی می‌رساند:

الف: «ما فکر می‌کنیم دولت این اختیار را داشته باشد که گاهی در حدود اختیارات خودش نه فراتر از آن به بخشی از اختیارات خودش که مشخص می‌شود،

تصمیمی گرفت وزیری نباید بگوید نخیر، وظایف خاص من مربوط به خودم هست نمی‌خواهم وظایفم را واگذار به شخص دیگر بکنم...» (پاراگراف دوم صفحه ۱۱۳۶) مجلد دوم صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی).

به طوری که ملاحظه می‌شود استنباط شورای محترم بازنگری از اصل (۱۲۷) قانون اساسی اولاً شامل اختیارات تام، ثانیاً شامل مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی و ثالثاً مقتضی واگذاری مطلق بعضی از وظایف خاص یک یا چند وزیر بوده است؛ بنابراین ایفاء مسئولیتی این چنین مهم که نوعاً بدون وضع ضوابط و مقررات لازم‌الاتباع امکان‌پذیر نیست، شمول مدلول اصل (۱۲۷) قانون اساسی به امور اجرایی و غیر آن را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

ج: «... یکی از اختیاراتی که او می‌تواند داشته باشد اختیار هماهنگی است و خوب ما در دستگاه‌های مختلف فرض بکنیم در یک موردی که مسائل امنیتی، خوب اوایل انقلاب بود در بعضی استان‌ها دیدیم که خوب وزارت آموزش و پرورش یک نوعی می‌رود؛ یعنی برخوردش با معلم‌ها فرضاً استاندار که مسئول امنیت آن مناطق بود می‌گفت که این تصفیه باید انجام صورت بگیرد. برخوردها با ضداقلاب باید صورت بگیرد. خوب، یک مشکلی در این رابطه داشتیم قسمت اقتصادی به یک نوعی، قسمت‌های انتظامی به نوعی دیگر،

تعیین می‌شود، حدودش در دولت تصویب می‌شود، به افرادی یا فردی یک اختیاراتی بدهد که اینها بروند کار بکنند و مسائل را حل کنند.» (دو سطر آخر صفحه ۱۱۳۲) و سطر اول صفحه ۱۱۳۳) مجلد دوم صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی)

به طوری که ملاحظه می‌شود اولاً واگذاری بخشی از اختیارات دولت به طور مطلق، مطرح است و نه مقید، ثانیاً حدود اختیارات اعطایی باز هم به طور مطلق از طرف دولت تعیین می‌شود و ثالثاً مسائلی که نوعاً ناظر به اختیارات هیئت دولت است، حداقل اغلب مستلزم وضع مقررات و ضوابطی بیش از محدوده امور اجرایی است.

ب: «... حداقل در ذهن من این است که وزیری را که شما تعیین فرمودید در قانون اساسی که وزیر مسئول وظایف خاص خویش است بر اساس همان اصل اگر رئیس جمهور و هیئت وزیران آمدند برای یک منطقه‌ای مثل کردستان گفتند ما یک نفر را می‌خواهیم بفرستیم تام‌الاختیار که مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی آنجا را همه تحت نظرش باشند، نمی‌تواند این کار را بکند برای اینکه وزیر کشور می‌گوید من مسائل امنیتی را نمی‌خواهم واگذار کنم. قانون اساسی شما محدودش کرده است؛ بنابراین همین‌جا پیش‌بینی کنید؛ یعنی در خود قانون اساسی باید راه حل بدهید که اگر فردا شورایی آمد

همان‌گ کردن تمام این دستگاه‌ها کار مشکلی در آنجا بود ...» (اواخر صفحه ۱۱۴۲) مجلد سوم صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی و نیمه اول سطر اول صفحه (۱۱۴۳) همین مجلد).

به طوری که ملاحظه می‌شود اولاً موضوع نمایندگی نوعاً رفع مشکلات و معضلات پیچیده مملکتی است، ثانیاً رفع مشکلات و معضلات مزبور نوعاً مستلزم ایجاد هم‌آهنگی بین تعدادی از مقامات مسئول محلی است و ثالثاً رفع این قبیل مشکلات و معضلات و یا ایجاد این گونه هم‌آهنگی‌ها مقتضی برخی امور اجرایی و وضع پاره‌ای ضوابط و مقررات به صورت دستورالعمل، بخشنامه، تصمیم‌نامه و از این قبیل است.

بنا به مراتب مذکور، به نظر می‌رسد شیوه قبلی هیئت وزیران، نماینده یا نمایندگان ویژه و رئیس مجلس شورای اسلامی که به تبع استدالات فوق‌الذکر و صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی اتخاذ شده بود حداقل فاقد قوت استدلال نبوده و از جاهت حقوقی و قانونی بی‌بهره نباشد و اما اینک که شورای محترم نگهبان به موجب نظریه اخیر خود تبصره (۳) طرح الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصل (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی را از جهت الزام به ارسال تصمیمات مذکور در اصل (۱۲۷) برای رئیس مجلس شورای اسلامی خلاف قانون اساسی می‌داند، این اشکال پدید آمده است که سوی شورای محترم نگهبان

به اجرایی بودن موارد و اختیارات موضوع اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی دلالت دارد؛ لکن با التفات به اینکه قبل از تفسیر اصل مزبور و روشن شدن این نکته که شورای محترم نگهبان به لحاظ تفسیری نیز عقیده بر محدود و محصور بودن اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی به امور اجرایی دارد یا نه، خواهشمند است برای روشن شدن تکلیف قانونی مراجع ذی‌ربط مقرر فرمایید با عنایت به اصل نود و هشتم قانون اساسی نسبت به تفسیر اصل مورد نظر اقدام و از نتیجه، اینجانب و سایر مراجع ذی‌ربط مزبور را آگاه فرمایند.

ضمناً برای استحضار بیشتر از نحوه استنباط و عمل هیئت وزیران و نماینده یا نمایندگان ویژه، فهرست برخی از تصویب‌نامه‌های ناظر به تعیین نماینده یا نمایندگان ویژه به انضمام تصویب‌نامه‌های مزبور و نیز فهرست برخی از تصمیم‌نامه‌های این نماینده یا نمایندگان، به انضمام تصمیم‌نامه‌های مزبور را که فهرست نخست مبین اعطای اختیاری بیش از موارد اجرایی به نماینده یا نمایندگان ویژه و فهرست اخیر نیز مبین اتخاذ تصمیماتی زائد بر امور اجرایی از سوی این نماینده یا نمایندگان است، به پیوست ارسال می‌دارد.

مهدی کروی

رئیس مجلس شورای اسلامی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب چهارم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هشت مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ شورای نگهبان مطرح شد و نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

در تبصره (۳) با استظهار اینکه اصل (۱۲۷) مربوط به امور اجرایی است، الزام به ارسال تصمیمات مذکور در اصل (۱۲۷) قانون اساسی به رئیس مجلس، خلاف قانون اساسی شناخته شد.»

سند بعدی اصولی از قانون اساسی است که آنها را می‌خوانم:

«**اصل ۱۲۷-** رئیس جمهور می‌تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیئت وزیران، نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص، تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران خواهد بود.

اصل ۹۸- تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه‌چهارم آنان انجام می‌شود.

اصل ۸۵- سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند، ولی در

اسناد استنادی ایشان هم در پیوست همین نامه آمده است. سند اول، طرح الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۱۱/۴ مجلس شورای اسلامی است. «**ماده واحده- تبصره‌های ذیل به عنوان تبصره‌های (۳) الی (۷) به قانون نحوه اجرای اصل (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۸/۱۰/۲۶ الحاق می‌گردد:**

تبصره ۳- مصوبات دولت و کمیسیون‌های مربوط در مورد اصل هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) و نیز تصمیمات موضوع اصل یکصد و بیست و هفتم (۱۲۷) قانون اساسی باید ظرف یک هفته از تاریخ تصویب یا اتخاذ تصمیم، ضمن ابلاغ برای اجراء، به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.»

نظری که از سوی شورای نگهبان در خصوص این مصوبه ابراز شده، این است:

«ریاست محترم مجلس شورای اسلامی»

عطف به نامه شماره ۳۵۴۴-ق مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۵ و پیرو نامه شماره ۷۸/۲۱/۶۱۳۸ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۳، طرح الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصل (۸۵) و (۱۳۸)

موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد، تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل ۱۳۸- علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز

در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد، ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیئت وزیران بفرستد. «اختلافی در خصوص این دو اصل اخیر نبوده است و فقط راجع به اصل (۱۲۷) گفته‌اند آن تصویب‌نامه‌ها که می‌آید، جنبه‌ی اجرایی دارد.

آقای یزدی - برای اینکه وارد این بحث بشویم باید بگویم به نظر می‌رسد که در حقیقت آقایان می‌خواهند بگویند آن چیزی که ظاهر اصل (۱۲۷) است با این چیزی که شورای نگهبان اظهار کرده است در تضاد است؛ منتهی آن چیزی که شورای نگهبان اظهار کرده است مربوط به تبصره‌ی سوم است که نمایندگان مجلس به قانون نحوه‌ی اجرا، الحاق کرده‌اند. شورای نگهبان در مورد آن تبصره گفته

جمهور آن کار را انجام داده است؛ بنابراین این شخصی که از طرف رئیس جمهور به عنوان نماینده‌ی ویژه با مصوبه‌ی هیئت وزیران و رئیس وزیران به یک منطقه‌ای رفته است اختیارات او اختصاص به امور اجرایی ندارد. اگر این شخص مثلاً آنجا لازم دانست یک دستورالعملی به یک کارخانه‌ای یا به نیروی انتظامی یا به شهرداری بدهد یا اگر مثلاً خواست به هر کجا یک دستورالعملی بدهد، ظاهر اصل (۱۲۷) می‌گوید او باید بتواند این کار را بکند. ظاهر این اصل، این‌طور است. چرا؟ به خاطر اینکه کلمه‌ی «تصمیمات» اطلاق دارد و شامل تصمیمات غیراجرایی هم می‌شود. «تصمیم» که صرف اجرا نیست، درست است؟ مثلاً او برای یک بخشنامه یا دستورالعمل هم تصمیم می‌گیرد و همین‌طور عبارت «در موارد خاص» هم همین‌طور است. معنای عبارت «در موارد خاص» این است که او را برای یک جای خاص نماینده قرار می‌دهند؛ بنابراین ظاهر این اصل این‌طور است که آن نماینده‌ی ویژه می‌تواند تصمیمات غیراجرایی مثل بخشنامه و دستورالعمل و امثال اینها هم داشته باشد. شما در رد این تبصره در نظر شورای نگهبان فرموده‌اید که چون اصل (۱۲۷) مربوط به امور اجرایی است، از این جهت تصویب این تبصره درست نیست. آیا واقعاً اصل (۱۲۷) همین‌جور است؟ و بعد هم عملاً در طول این مدت، نمایندگان ویژه‌ای که به یک منطقه‌ای می‌رفته‌اند، غیر از این موارد، کارهای دیگری هم



است که چون اصل (۱۲۷) مخصوص امور اجرایی است از این جهت این تکلیف که بگوید این تصمیمات باید به رئیس مجلس داده بشود خلاف قانون اساسی است؛ در حالی که اصل (۱۲۷) در قانون اساسی اطلاق دارد. حاصل حرف ایشان این است دیگر؟ حالا با وجود اینکه در اصل (۱۲۷) می‌گوید معنای نماینده‌ی ویژه این است، چطور باید گفت که اصل (۱۲۷) اطلاق دارد؟ فرض کنید در هیئت دولت تصویب می‌کنند که این نماینده به فلان جا برود و این شخص نماینده‌ی ویژه‌ی رئیس جمهور است. البته رئیس جمهور با تصویب هیئت وزیران این عمل را انجام داده است، ولی تصمیمات این نماینده مثل تصمیمات رئیس جمهور است؛ یعنی او آنجا هر کاری که انجام بدهد مثل این است که رئیس

می‌کرده‌اند و به رئیس مجلس هم ارجاع می‌شده است. آن قسمت اخیر نامه‌ی ایشان مربوط به همین موضوع است. حالا آن کلماتی هم که ایشان از صورت مذاکرات شورای بازنگری آورده‌اند، خوب، آنها هم یک مقداری قرینه‌ای بر این بحث می‌شود. من یادام است که جناب دکتر [= آقای حبیبی] هم در آن شورای بازنگری تشریف داشتند، ما هم خدمت ایشان بودیم. عرض کنم که بیشتر مسئله‌ی لزوم باز بودن دست این نماینده مطرح بود. مثلاً کردستان به عنوان بهترین نمونه ذکر شد که این عبارت هم در مشروح آمده است. یک کسی که می‌خواهد به کردستان برود اگر بخواهد مشکلات را حل بکند، دست این شخص باید باز باشد. شما بگویید هر کاری که می‌خواهد بکند، باید با مرکز [= پایتخت] تماس بگیرد، خوب این کار که عملی نیست؛ بنابراین وقتی یک کسی می‌خواهد به عنوان نماینده‌ی ویژه به آنجا برود باید با دست باز برود. معنای با دست باز هم که آنجا بحث شد به معنای حکومت فدرالی نیست. ما نمی‌خواهیم یک حاکم مطلق آنجا بگذاریم، ولی در هر حال یک اختیارات وسیع‌تری از طرف رئیس‌جمهور به او می‌دهیم. نه اینکه ما یک منطقه‌ای را از کشور جدا بکنیم و بخواهیم بگوییم اینجا برای خود یک حاکم دارد؛ مثل مثلاً بعضی از کشورها که مناطق خود را تقسیم‌بندی کرده‌اند و در هر قسمتی یک حاکم گذاشته‌اند و یک حکومت مرکزی هم کلیت

حاکمیت را در اختیار دارد، نه این‌جوری نیست، بلکه حاکمیت برای مرکز است و همه تابع مقررات حاکم هستند؛ منتهی این شخص یک نماینده‌ی ویژه در خصوص مثلاً کردستان یا فرض کنید در سیستان و بلوچستان برای یک مدت معینی است. این شخص یک نماینده‌ی ویژه است و این نماینده‌ی ویژه‌ای که این اختیار را دارد، این اختیارات او صرفاً برای امور اجرایی نیست، بلکه او باید بتواند در یک موارد لازمی یک کاری را متوقف بکند، یک دستورالعملی بدهد یا یک بخشنامه‌ای را صادر بکند. طبعاً با آن [دیدگاهی که اختیارات او را منحصر در امور اجرایی می‌داند، این موضوع] محدود می‌شود. حالا اگر بخواهیم این اصل را تفسیر بکنیم ظاهر بحث این‌طور است. به نظر آدم می‌رسد که این حرف، حرف درستی است که این اصل واقعاً اطلاق دارد، لفظ «تصمیمات» هم اطلاق دارد، فلسفه‌ی این اصل هم نشان می‌دهد که اطلاق دارد؛ یعنی واقعاً آن نماینده نمی‌بایست فقط برای یک سری کارهای اجرایی به آنجا برود. آن فرد از طرف رئیس‌جمهور نماینده شده است. فرض هم بر این است که رئیس‌جمهور در این مورد مستقلاً تصمیم نگرفته است، این موضوع را به هیئت دولت آورده است و با تصویب هیئت دولت او را به یک جایی فرستاده است. اگر یک نماینده صرفاً برای یک کاری از طرف رئیس‌جمهور نماینده بود، ممکن بود یک کسی بگوید که شما رئیس امور اجرایی هستید و نمی‌توانید

امور غیراجرایی را هم در اختیار داشته باشد، خوب، آن استظهار شما درست بوده است و الآن هم می‌توانیم اصل (۱۲۷) را هم این‌طور تفسیر کنیم که بگوییم این اصل اطلاق دارد.



آقای زواره‌ای - عرض شود که اولاً تصمیم و تصویب با هم فاصله دارد؛ یعنی اینها دو چیز جدا از هم هستند. مطلب دیگر اینکه در اصل (۸۵) اختیار قانون‌گذاری، در یک امر خاص برای یک مدت مشخص به دولت داده شده است. در اصل (۱۳۸) هم اختیار تدوین آیین‌نامه‌ها به دولت داده شده است. این موارد چون مقررات هستند؛ در بازنگری قانون اساسی گفته‌اند که اینها برای رئیس مجلس فرستاده بشود.

در اموری که مثلاً مربوط به دولت است تصمیماتی را بگیرید؛ ولی فرض بر این است که این نماینده‌ی ویژه از طرف رئیس جمهور با پشتیبانی مصوبه‌ی هیئت وزیران، نماینده‌ی ویژه شده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد که این اصل واقعاً اطلاق دارد، کلمه‌ی «تصمیمات» هم اطلاق دارد، کلمه‌ی «اختیارات» هم اطلاق دارد. ما می‌توانیم بگوییم قاعده‌تاً باید در تفسیر و برداشتی که شورا از این اصل کرده است، تجدید نظر بشود. نظر شورای نگهبان این‌طور بوده است که: «در تبصره (۳) با استظهار اینکه اصل (۱۲۷) مربوط به امور اجرایی است، الزام به ارسال تصمیمات مذکور در اصل (۱۲۷) قانون اساسی به رئیس مجلس، خلاف قانون اساسی شناخته شد.» با این استدلال‌ها می‌شود گفت که ظاهر اصل (۱۲۷) غیر از این نظر شورای نگهبان است؛ یعنی ظاهر، اختصاص این نمایندگی به امور اجرایی نیست. شاید یا لابد، شما آن موقع در شورا در این خصوص بحث‌هایی را هم مطرح کرده‌اید. اینکه می‌گویید: «مربوط به امور اجرایی است»، یعنی اختصاص به امور اجرایی دارد یا عبارت «مربوط به امور اجرایی است» یعنی قسمت عمده‌ی آن امور اجرایی است؟ اگر منظورتان از این جمله‌ی «مربوط به امور اجرایی است» آن است که این نمایندگی باید اختصاص به امور اجرایی داشته باشد، می‌شود گفت این استظهار، ناقص است، ولی اگر که نه، منظور شما اختصاص نیست و نماینده‌ی ویژه می‌تواند

یا طبق اصل (۸۵) و اصل (۱۳۸)، دولت حق قانون‌گذاری یا وضع مقررات ندارد. بعد هم، دولت اختیار واگذاری حق آیین‌نامه‌نویسی را به هیچ کسی ندارد. دولت فقط می‌تواند طبق آن شرایط اصل (۱۳۸) آیین‌نامه بنویسد. آیین‌نامه هم در قانون پیش‌بینی می‌شود، وزیر تدوین می‌کند به دولت می‌دهد و در نهایت تصویب می‌شود. اصل (۱۲۷) هم دارد یک سری اختیاراتی را برای یک کار اجرایی به نماینده‌ی ویژه می‌دهد. بعد در همین اصل (۱۲۷) هم می‌گوید: «... نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. ... این اختیارات هم معلوم است؛ یعنی می‌گویند این اختیارات برای شما است، بروید این کار را بکنید. اینکه در این اصل چنین اجازه‌ای داده شده است، به خاطر سرعت کار است. حضرت‌عالی فرمودید که یک وقتی ممکن است در کردستان بخواهند یک کاری انجام بدهند که به پنج تا وزارتخانه مربوط است. از قدیم هم می‌گفتند که آشپز دو تا بشود آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک. در اینجا هم می‌خواهند بگویند که آقا، دولت سریع یک هیئتی را تعیین بکند که پنج تا وزارتخانه هر روز نظراتی منافی با تصمیمات همدیگر نداشته باشند. [در نتیجه باید بگویم که] نمایندگان ویژه طبق قانون اساسی حق تصویب آیین‌نامه نخواهند داشت. حداکثر این است که خود دولت حق تصویب آیین‌نامه دارد، ولی نماینده‌ی آنها که حق تصویب آیین‌نامه ندارد. وقتی هم صلاحیت این نماینده وضع آیین‌نامه نبود

 **آقای یزدی -** نماینده‌ی ویژه می‌تواند تصمیماتی را بگیرد.

 **آقای زواره‌ای -** نماینده نمی‌تواند تصمیمات این‌طوری بگیرد.

 **آقای یزدی -** اینجا بحث تصویب‌نامه مطرح نیست.

 **آقای زواره‌ای -** بله، اگر بحث تصویب‌نامه مطرح نباشد، دیگر نباید نزد رئیس مجلس هم بیاید.



آقای یزدی - فقط در امور اجرایی است یا شامل امور غیراجرایی هم می‌شود؟

آقای رضوانی - به نظر من فقط در امور اجرایی است.

آقای یزدی - چرا؟

آقای رضوانی - به خاطر اینکه مصوبات خود ریاست جمهوری و هیئت وزیران به رئیس مجلس ارجاع می‌شود، غیر از اینها هم که هیچ کسی مصوباتی ندارد. برای اینکه خود اصل (۸۵) می‌گوید مصوبات مخصوص به مجلس است و در حدود معین و وضعیت‌های خاص حق تصویب یک قانون به یک کمیسیون مجلس هم داده می‌شود. مصوبات یا از هیئت دولت است یا از کمیسیون‌های مجلس است که اینها به نظر رئیس مجلس می‌رسد، اما غیر از اینها دیگر چیزی نداریم که به نظر رئیس مجلس برسد.

آقای زواره‌ای - عرض شود در این رابطه من هم خاطرم هست که آن موقع این قضیه مورد بحث بود که گفته می‌شد این عبارت در حکم تصمیم رئیس جمهور برای این است که وقتی این آدم به عنوان نماینده وارد یک کاری می‌شود یک سری اشخاص ثالثی هم آن طرف قضیه هستند، پس آن اشخاص ثالث باید از نظر قانونی این اطمینان را داشته باشند که این تصمیم در حکم تصمیم دولت است. این عبارت را به این جهت در اینجا آورده‌اند که این تضمین حقوقی برای این اشخاصی

آقای رضوانی - آن وقتی که این مسئله در رابطه‌ی با این تبصره (۳) مطرح بود، آنجا روی این موضوع صحبت شد. لفظ تصمیماتی که در اینجا آمده است در دو جا ذکر شده است؛ در اصل (۱۲۷) یکی تصمیمات رئیس جمهور، یکی هم تصمیمات نماینده‌ی ویژه آمده بود که گفته است: «... در این موارد، تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران خواهد بود.» مراد از این تصمیماتی که ایشان [= آقای کروبی] در این نامه آورده است تصمیمات نماینده است. ایشان می‌خواهد بگوید این موارد باید به نظر رئیس مجلس برسد؛ و الا تصمیمات رئیس جمهور یا هیئت وزیران که منظور ایشان نبوده است. در خصوص آن مواردی که مشمول اصول (۸۵) و (۱۳۸) است که حرفی نیست؛ چون این موارد به نظر رئیس مجلس می‌رسد. ایشان می‌خواهد این قسمت از تصمیماتی را که از این موضوع [= نظارت رئیس مجلس] خارج است به موضوع اصول (۸۵) و (۱۳۸) ملحق کند؛ در حالی که اینها هرگز به این تصمیمات ملحق نمی‌شود. تصمیمات خارج از تصویبات ملحق به تصویبات نخواهد شد.

آقای یزدی - یعنی تصمیمات نماینده، تصمیمات رئیس جمهور است؟

آقای رضوانی - در حکم تصمیمات رئیس جمهور است.

که طرف معامله قرار می‌گیرند یا طرف دیگر قضیه هستند وجود داشته باشد.

آقای جنتی - حالا با این وضعیت، نتیجه این می‌شود که اصلاً نماینده‌ی ویژه حق تصویب ندارد، نه اینکه بگوییم او حق تصویب دارد، ولی نباید تصویب خودش را برای رئیس مجلس بفرستد، بلکه او اصلاً حق تصویب ندارد. اگر که این‌طور باشد، رئیس مجلس دیگر نباید دغدغه‌ای داشته باشد. ایشان دیگر چه دغدغه‌ای دارد؟ چون دغدغه در این صورت است که این نماینده، حق تصویب داشته باشد، حق اجرا هم داشته باشد، اجرائیات او برای رئیس مجلس بیاید، ولی تصمیمات او نیاید. اصلاً او حق ندارد آیین‌نامه یا دستورالعمل و از این قبیل موارد را تصویب بکند، خب، قهراً رئیس مجلس هم دیگر نمی‌تواند ادعایی در این خصوص داشته باشد.



آقای رضوانی - در این اصل (۱۲۷) موضوع تصویب هیئت وزیران آمده است. مصوبات هیئت وزیران اگر تصویب‌نامه باشد، این تصویب به نظر رئیس مجلس می‌رسد. رئیس مجلس این مصوبه را می‌بیند اگر دید اینها یک چیزی تصویب کرده‌اند که قاعده‌تاً مجلس باید آن مورد را تصویب بکند آن مصوبه را رد می‌کند. اگر نه هم، آن مصوبه را تأیید می‌کند.

آقای یزدی - ملاحظه می‌فرمایید که تبصره (۳) طرح الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: «تبصره ۳- مصوبات دولت و کمیسیون‌های مربوط در مورد اصل هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) و نیز تصمیمات موضوع اصل یکصد و بیست و هفتم (۱۲۷) قانون اساسی باید ظرف یک هفته از تاریخ تصویب یا اتخاذ تصمیم، ضمن ابلاغ، برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.» یعنی هم تصمیم و هم تصویب باید به اطلاع رئیس مجلس برسد. شما فرموده‌اید که با استظهار اینکه اصل (۱۲۷) مربوط به امور اجرایی است، چرا تصمیمات باید به نظر رئیس مجلس برسد؟ حالا هم رئیس مجلس آمده است سؤال می‌کند می‌گوید که تصمیمات اختصاص به امور اجرایی ندارد و در عین حال تصویب هم نیست. ما قبول داریم که مصوبات، به قول شما مصوبات رئیس جمهور و مصوبات هیئت

که یک تصمیمی در امر غیراجرایی می‌گیرد، اصل (۱۲۷) شامل این امر غیراجرایی هم که او در مورد آن تصمیم گرفته است، می‌شود. درخواست رئیس مجلس الآن این است که آقا من هم بدانم که مصمم این نماینده‌ی ویژه چیست؛ من که رئیس مجلس هستم بدانم این نماینده‌ی ویژه شما در کردستان دارد چه کار می‌کند. می‌گوید این نماینده، تصمیم خود را به اطلاع من رئیس مجلس هم برساند. شما می‌گویید که چون اصل (۱۲۷) اختصاص به امور اجرایی دارد لازم نیست او مصممات خود را به اطلاع رئیس مجلس برساند. بله، لازم نیست مصوبات را به اطلاع رئیس مجلس برساند، ولی چرا مصممات را به اطلاع نرساند؟ مجلس حق قانون‌گذاری دارد. مجلس آمده است در این تبصره‌ی سوم می‌گوید آقا من دلم می‌خواهد وقتی هیئت دولت یک نماینده‌ی ویژه‌ای را به یک استانی فرستاد و به آن نماینده‌ی ویژه هم یک سری اختیاراتی داده شد و قرار شد که فلان کار را بکند، من رئیس مجلس دلم می‌خواهد بدانم آن نماینده‌ی ویژه‌ی دولت، در آن استان دارد چه کار می‌کند. من باید تصمیمات او را بدانم. او دارد کارهای اجرایی می‌کند، کارهای غیراجرایی هم می‌کند، ولی تصویب نمی‌کند. بله، درست است او حق قانون‌گذاری ندارد، اما تصمیماتی که می‌گیرد رئیس مجلس باید از آنها مطلع بشود. از این جهت در تبصره‌ی سوم گفته بودند که تصمیمات هم به رئیس مجلس ارجاع داده بشود؛ بنابراین این تبصره هم

دولت قطعاً باید به اطلاع رئیس مجلس برسد. آنکه بحث دیگری است، این موضوع در متن این اصل هم آمده است، اما این نماینده‌ی ویژه که تصمیماتی می‌گیرد این تصمیمات به امور اجرایی اختصاص ندارد، هم امور اجرایی و هم امور غیراجرایی را شامل می‌شود؛ یعنی آن نماینده‌ی ویژه، هم کار اجرایی می‌کند هم کارهای دستورالعملی می‌کند که شامل بخشنامه یا دستورالعمل است. یک دستورالعملی که او داده است یا یک بخشنامه‌ای که او تنظیم کرده و ابلاغ کرده است، خب، این یک کار اجرایی که نیست، این یک کار غیراجرایی است، ولی تصمیم گرفته است، چیزی هم تصویب نکرده است، مصوبه نیست، ولی او مصمم [= تصمیم‌گیرنده] است، یک امر مصممی [= تصمیم‌گرفته‌شده] است که غیراجرایی است. اطلاق اصل (۱۲۷) می‌گوید که این امر مصمم غیراجرایی مثل تصمیم رئیس جمهور است. به خاطر این است که دیگر شما نمی‌توانید به کار او شک نکنید. فلسفه‌ی این اصل هم همین است که آن نماینده‌ی ویژه بتواند در آن منطقه به خوبی عمل بکند. تصمیم این آقا مثل تصمیم رئیس جمهور و هیئت دولت است و تصمیم هم اعم از اجرا و غیراجرا است، البته شامل مصوبه نمی‌شود؛ یعنی او حق تصویب ندارد، درست است؟ بله، یعنی نمی‌تواند آیین‌نامه تنظیم کند، نمی‌تواند قانون بگذارد. قانون‌گذاری حق مجلس است و مقررات‌گذاری هم حق دولت است، اینها درست است، ولی نماینده‌ی ویژه

🗣️ **آقای رضوانی -** اگر اصل (۱۳۸) قانون اساسی نبود، مجلس نمی‌توانست مصوبه‌ای تصویب بکند و بگوید رئیس مجلس باید مصوبات دولت را ببیند و اگر خلاف قوانین بود جلوی آنها را بگیرد؛ به خاطر اینکه مستلزم دخالت قوه‌ی مقننه در قوه‌ی مجریه می‌بود. خود این اصل آمده است این نظارت را تجویز کرده است. اصل (۱۳۸) آمده است تجویز کرده است که رئیس مجلس این مصوبات را ببیند، این حکم غیر از محدوده‌ی خودش را هم در بر نمی‌گیرد، محدوده‌ی خودش هم مصوبات است؛ یعنی اصل (۱۳۸) اختصاص به مصوبات دارد. مصوبات دولت، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و خلاصه آنچه که شامل عنوان مصوبات است، بایستی این موارد را ضمن اجرا به رئیس مجلس هم برسانند که اگر او آن مصوبات را خلاف قوانین دید برای جلوگیری تذکر بدهد. رئیس مجلس نسبت به [غیر از این موارد نمی‌تواند تذکر بدهد. حالا شما می‌خواهید بگویید که مجلس قانون تصویب بکند که رئیس مجلس این تصمیمات را هم بفهمد. خب، رئیس مجلس بفهمد عیبی ندارد، مجلس هم این قانون را تصویب بکند، ولی این کار دیگر مصداق اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) نیست؛ در حالی که در آن مصوبه می‌گفتند برای اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) باید این کار را بکنند. آن مصوبه می‌گفت که دارد مفاد اصول (۸۵) و (۱۳۸) را در تبصره (۳) پیاده می‌کند؛ ما هم گفتیم که مفاد آن اصول این نیست.

فلسفه‌ی درستی دارد؛ یعنی رئیس مجلس و به عبارت دیگر مقام قانون‌گذاری می‌گوید این شخصی که به آنجا رفته است و در حقیقت دارد به جای دولت در آنجا عمل می‌کند من می‌خواهم مصمّمات او را هم بدانم. او که مصوبه ندارد، ولی مصمّمات او را هم باید بدانم. شما می‌فرمایید که نه، اصل (۱۲۷) امور اجرایی را می‌گوید و شما لازم نیست تصمیمات را بدانید؛ در حالی که اصلاً اصل تصمیمات نماینده‌ی ویژه است که مهم است. بنابراین شما اول استظهار اینکه گفته‌اید اصل (۱۲۷) اختصاص به امور اجرایی دارد را درست کنید که من فکر می‌کنم هیچ اختصاصی ندارد و واقعاً شامل تصمیمات هم می‌شود و اصلاً فلسفه‌ی تعیین نماینده‌ی ویژه هم همین است. بعد هم شما می‌فرمایید که لازم نیست این تصمیمات را به رئیس مجلس بدهد، چون امور اجرایی است. اولاً که نه، اختیارات او فقط شامل امور اجرایی نیست، ثانیاً هم اینکه لازم است این تصمیمات را به رئیس مجلس بدهد، چرا لازم نباشد؟ شما می‌گویید آن اصلی که می‌گوید مصوبات را به اطلاع رئیس مجلس برسانند برای مصوبات است. بله، برای مصوبات است، ولی خود مجلس آمده است در این تبصره‌ای که در قانون عادی گذاشته است می‌گوید این تصمیمات را به رئیس مجلس هم بدهید تا مقام قانون‌گذاری بداند مقام اجرایی دارد در کشور چه کار می‌کند؛ بنابراین خلاصه به نظر من آن استظهار که اصل (۱۲۷) را محدود کرده است، درست نیست.

می‌گویند را قبول ندارید، پس بگویید اصل موضوع این‌طوری نیست، ولی ظاهر اصل باید قبول بشود. حالا آقایان می‌گویند که منظور از تصمیمات دولت چیست و دولت چه زمانی تصمیم می‌گیرد. حالا مثلاً اسم تصمیم دولت هم تصویب‌نامه نباشد این در هر صورت باید ابلاغ بشود. ببینید؛ دولت، هم تصویب و هم تصمیم دارد. آن نماینده‌ی ویژه هم، هم تصمیم و هم تصویب دارد. مجلس می‌گوید هر دوی اینها مثل هم هستند. شما اگر موضوع اولی [=لزوم ارسال تصمیمات هیئت وزیران به رئیس مجلس] را قبول ندارید، پس بگویید که این موضوع اولی اشکال دارد.



آقای استادی - یک سؤال این است که آیا دولت حق تصمیم و تصویب، هر دو تا را دارد یا نه؟ دولت هم تصویب دارد، هم تصمیم؟ هر دوی آنها باید به رئیس مجلس ابلاغ بشود؟ اگر این‌طور است، چرا ما یک مرحله‌ی قبل [=بحث لزوم ارسال تصمیمات دولت] را بحث نکنیم. ما هنوز در این خصوص بحثی نکرده‌ایم. یعنی آنها [=نمایندگان مجلس] مسلم گرفته‌اند که هر چیزی در دولت هست، باید به نظر رئیس مجلس برسد. حالا می‌گویند شما چرا این شباهت را قبول نمی‌کنید؟ آنها می‌گویند تصمیمات این نماینده‌ی ویژه هم مثل تصمیمات دولت است؛ یعنی چون آنها باید به رئیس مجلس ابلاغ بشود، این مورد هم باید ابلاغ بشود. شما یک اصلی که آنها

آقای رضوانی - اصل (۱۲۷) این مطلب را نمی‌گوید.

آقای استادی - چرا؛ اصل (۱۲۷) این را می‌گوید.

آقای رضوانی - نه.

آقای استادی - چرا؛ می‌گوید تصمیمات نماینده‌ی ویژه مثل تصمیمات دولت است و این تصمیمات شامل تصویبات هم می‌شود.

آقای رضوانی - رئیس مجلس هم می‌گوید که من بحث اجرایی را نمی‌گویم، ولی مصوبات این نماینده را باید ببینیم.

آقای استادی - من بحث امور

غیراجرایی را عرض می‌کنم. وقتی می‌گویند تصمیمات این نماینده مثل تصمیمات دولت است؛ گویا اتخاذ تصمیمات غیراجرایی را برای نماینده مسلم گرفته‌اند. تصمیمات دولت که اعم از مصوبه و غیرمصوبه است. حالا باید ببینیم تصمیمات نماینده هم مثل آن است یا نه.

آقای رضوانی - نه، این طور نیست.

آقای استادی - پس شما این

موضوع را به مجلس بفرمایید؛ چون مجلس این موضوع را مسلم گرفته است.

آقای رضوانی - نخیر آقا جان، رئیس

مجلس می‌گویند من در مورد اجرائیات حرفی ندارم.

آقای استادی - خب، پس اینکه

اصل (۱۲۷) می‌گویند که تصمیمات این نماینده ویژه مثل تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران است، یعنی چه؟ یعنی او هم مثل آنها تصمیمات دارد.

آقای جنتی - تصمیم دولت، تصمیم

اجرایی است دیگر، لازم نیست برای رئیس مجلس ارسال بشود.

آقای استادی - ما کجا این

حرف را گفته‌ایم؟ اینها می‌گویند قبلاً تصمیمات نمایندگان ویژه را هم به ما ابلاغ می‌کردند. در ضمن سؤال من این

است که اصلاً اصل تصمیمات دولت که جنبه‌ی تصویب‌نامه ندارد و مصوبه نیست، آیا باید به رئیس مجلس ابلاغ بشود یا نه؟

آقای رضوانی - نه.

آقای استادی - اگر نه که در

مورد نماینده‌ی ویژه هم مسلم است که نمی‌خواهد به رئیس مجلس ابلاغ بشود؛ چون رئیس مجلس می‌خواهد تصویب‌نامه‌ها به اطلاع او برسد.

آقای رضوانی - تصویبات او چطور؟

آقای استادی - تصویبات کی؟

آقای رضوانی - نماینده.

آقای استادی - آنکه باید ابلاغ

بشود. ما هم که قبول داریم.

آقای رضوانی - نخیر، صحبت

سر همین است که [طبق نظر شورای نگهبان، نماینده‌ی ویژه] در اصل (۱۲۷) تصویبی ندارد.

آقای استادی - اینکه حق دارد

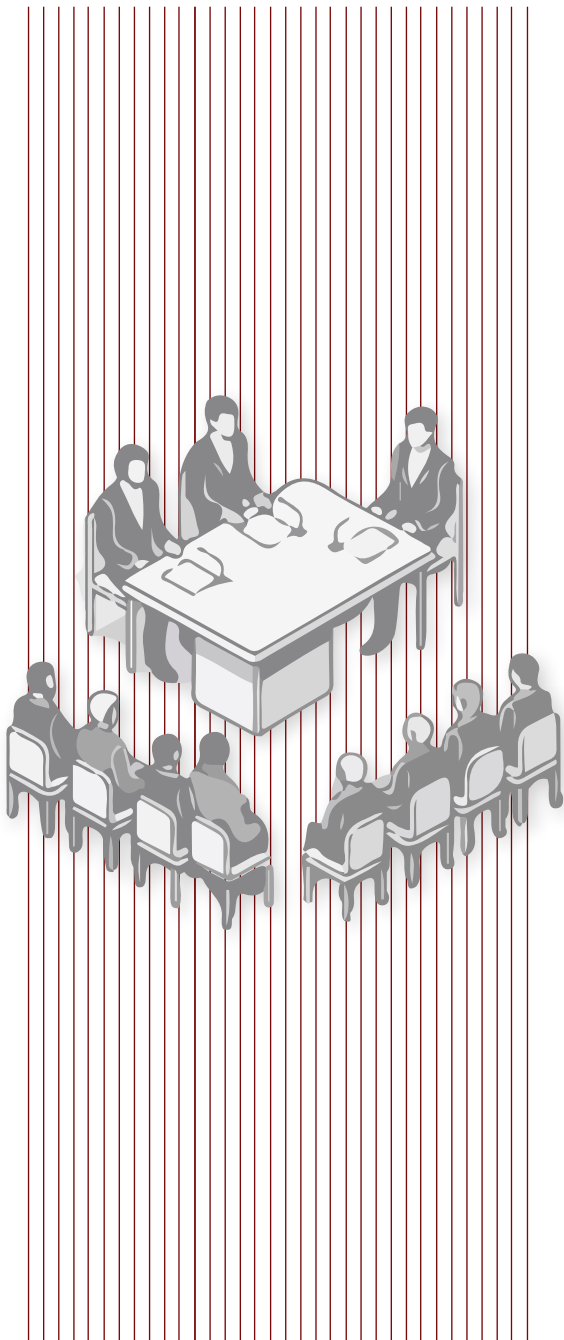
یا ندارد، حرف دیگری است. آن بحث را با این موضوع خلط نکنید. ما کاری نداریم که نماینده‌ی ویژه حق تصویب دارد یا ندارد. اگر دولت حق اتخاذ تصمیمات را داشت او هم باید حق اتخاذ تصمیم داشته باشد، اگر هم او این حق را نداشت که هیچ، اما

 **آقای زواره‌ای -** ببینید؛ عرض شود که قانون اساسی در دو اصل [= اصل (۸۵) و (۱۳۸)] در رابطه‌ی با قانون‌گذاری که دامنهی شمول آن همه جا را می‌گیرد آمده است آن هم دوبار، در مورد مصوبات یعنی آیین‌نامه و تصویب‌نامه‌های دولت حکم آنها را تکرار کرده و گفته است یک نسخه از اینها را هم برای رئیس مجلس بفرستند که اگر او اینها را خلاف قانون دید، اعلام کند. چرا؟ چون این مصوبات جنبه‌ی قانون‌گذاری و حقوق عمومی دارد. در اصل (۸۵) قانون اساسی گفته است قانون‌گذاری حق نماینده است و حق واگذاری هم ندارد، اما در زمان بازنگری قانون اساسی در یک شرایط خاصی آمده‌اند گفته‌اند که آقا، مجلس می‌تواند این حق را به دولت هم واگذار کند؛ چون این مصوبات جنبه‌ی قانون‌گذاری و حقوق عمومی دارد گفته‌اند رئیس مجلس هم این مصوبات را ببیند که یک وقت دولت بیش از میزان اختیاری که به او داده‌اند تصمیمی نگرفته باشد. یکی هم در رابطه‌ی با اصل (۱۳۸) قانون اساسی است که اختیاراتی به هیئت وزیران یا وزرا داده شده است. در اینجا وقتی گفته می‌شود «تصمیمات»، هر دو تا منظور است یا تصمیم و تصویب با هم فرق دارد؟ مثلاً در قانون بودجه، هر سال یک رقمی برای کارهای غیرقابل پیش‌بینی در اختیار دولت است، اما تصویب اولیه‌ی این موارد با مجلس

اگر حق دارد که نمایندہ هم باید این حق را داشته باشد. حالا ممکن است شما بگویید دولت هم می‌آید تصویب می‌کند، ما اصلاً به آن کاری نداریم. با این موضوعات یک قدری بحث را از موضوع اصلی دور می‌کنیم. ما الآن در مورد این موضوع بحث نمی‌کنیم که اینها چه حقی دارند یا چه حقی ندارند. اگر دولت حق اتخاذ تصمیمی دارد که می‌تواند تصمیم بگیرد یا اگر حق تصویبی دارد که می‌تواند تصویب بکند یا نماینده‌ی او حق اتخاذ تصمیمی دارد که می‌تواند تصمیم بگیرد یا حق تصویبی دارد که می‌تواند تصویب بکند، بحث بر سر این است که این تصمیم یا تصویب باید به رئیس مجلس ابلاغ بشود یا نه؟ اگر شما می‌فرمایید اصل تصمیمات دولت لازم نیست به رئیس مجلس ابلاغ بشود، خب این تصمیم نمایندہ هم که فرقی نمی‌کند، نظارت بر اینکه دیگر از خود تصمیم دولت بیشتر نمی‌شود. اگر مصوبه‌های دولت باید ابلاغ بشود، این مصوبه هم مثل آن است که مسلم است باید ابلاغ بشود. اگر نمایندہ‌ی ویژه این حق را دارد که شما اینجا هم باید قبول بکنید، اگر هم حق ندارد که اصلاً اینجا جای بحث آن نیست.

است؛ یعنی دولت اول در لایحه‌ی بودجه این موضوع را تصویب می‌کند، بعد می‌آید مجلس تصویب نهایی می‌کند که آقا این مقدار پول در اختیار رئیس جمهور است. الآن اگر مثلاً در یک جا یک سیلی می‌آید آقای رئیس جمهور در مورد آن تصمیم می‌گیرد. این مورد که دیگر تصویب نیست، بلکه این تصمیم است.

ایشان می‌گویند این قدر از این پول مصوب را در اینجا هزینه نکنند، اما این تصمیماتی که اختیار آنها به نماینده‌ی ویژه داده شده است، اینها طرف قرارداد دارند. من دیگر مطلب قبلی را تکرار نکنم. الآن فرض کنید دولت با تصویب هیئت وزیران نماینده یا نمایندگانی را تعیین کرد؛ اولاً قبل از اینکه اینها بروند این کارها را انجام بدهند، مصوبه‌ی هیئت دولت که گفته است در این موضوع خاص برای کردستان یا بلوچستان این افراد یا این فرد به عنوان نماینده‌ی ویژه تعیین شده‌اند که بروند این کارها را انجام بدهند، برای رئیس مجلس می‌رود، اما این طرف و این نماینده، آنجا می‌خواهد کارهای اجرایی یعنی کارهای مشخص و معینی را انجام بدهد یا می‌خواهد تعهداتی را به عهده بگیرد، اگر فردا این شخص برکنار شد، فارغ از اینکه هیئت دیگری تعیین بشود یا نه، فرض کنید دولت گفت که نه هر کدام از این کارها را باید وزرای مربوط به خود این امور انجام بدهند، خب، تکلیف



آن چیزی که نظر خبرگان در بازنگری قانون اساسی بوده است، این است؛ یعنی چیزی که جنبه‌ی مقرراتی دارد اعم از قانون یا آیین‌نامه یا تصویب‌نامه، آنهایی که جنبه‌ی مقرراتی و عام دارد اینها باید به نظر رئیس مجلس برسد که ببیند اینها خلاف قانون نباشد، اما آنچه که مربوط به اجرا است و تصمیم است و جزء امور اجرایی است آنها ضرورتی ندارد به نظر رئیس مجلس برسد.

پایان بخش اول، ادامه مشروح مذاکرات این جلسه در شماره بعدی ماهنامه منتشر خواهد شد...

آن طرف قرارداد در اینجا باید روشن باشد. برای همین اصل (۱۲۷) می‌گویید تصمیمات اینها در حکم تصمیم رئیس جمهور و در حکم تصمیم دولت است. یعنی آقای دولت، این نماینده‌ای که به آنجا فرستاده‌ای تعهداتی را که بر عهده می‌گیرد عین تعهدات رئیس جمهور، لازم‌الاجرا است؛ یعنی شما باید تعهد او را عملی بکنید؛ برای اینکه آن طرف قضیه اطمینان داشته باشد که طبق قانون این نماینده از این مقدار اختیار برخوردار است، ولی این نمایندگان ویژه نمی‌توانند آیین‌نامه بنویسند، آنها نمی‌توانند مصوبه‌ای داشته باشند.



زمانه؛



تاریخ حقوق اساسی ایران

قسمت پنجم

نگارش اولین پیش نویس قانون اساسی؛ آغاز حرکت به سمت قانون اساسی



دکتر مهدی نورابی
عضو هیات علمی و مدیر گروه صلح مرکز تحقیقات و کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی (ره)

سازوکار خود محدودیتی برای اعطای پاره ای از امتیازات به مردم استفاده کرده اند؛ برای نمونه پادشاه بریتانیا در سال ۱۲۱۵ با صدور منشور کبیر قانون اساسی را زیر فشار شرایط اجتماعی و سیاسی پایه گذاری کرد ایران بعد از پیروزی مشروطه نیز در زمره این گونه موارد به شمار می رود در برخی کشورها همچون هند و پاکستان و ایالات متحده آمریکا به دنبال

در خصوص چگونگی و دلایل ظهور قوانین اساسی با مطالعه تاریخچه حقوق اساسی کشورها چند نتیجه به دست آورد. در برخی موارد تحول تدریجی جوامع و آمادگی ذهنی فرمانروایان و شهروندان موجبات پایه گذاری قانون اساسی شده است. در این باره حاکمان برای جلوگیری از شورش مردم علیه خود و با هدف حفظ موقعیت و تداوم قدرت خویش از



امام خمینی ره از ضروری ترین اموری که باید بدان پرداخته می شد، تعیین اصول سیاسی، ساختار سلسله مراتب جایگاه و حدود قدرت سیاسی و همچنین تعیین و به تبع آن تضمین حقوق شهروندان و نوع نظام حاکم بر کشور بود جایگاه پردازش چنین مسائلی در نظامهای سیاسی رایج عالی ترین سند حقوقی یک کشور یعنی قانون اساسی است امام خمینی با درک این ضرورت قبل از ورود به ایران اهمیت تدوین قانون اساسی جدید را برای چندمین بار در تاریخ هجدهم و بیست و پنجم دی ماه ۱۳۵۷ در مصاحبه با خبر نگاران مطرح می کنند.

دستیابی به استقلال یا بعد از رهایی از استعمار دول اروپایی قانون اساسی پایه ریزی شده است. نوع سوم پایه گذاری قانون اساسی با حوادث دگرگون کننده مرتبط است فرانسه به دنبال انقلاب خویش در سال ۱۷۹۱ شوروی بعد از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ قوانین اساسی خویش را این گونه پایه گذاری کرده اند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در زمره این گونه موارد به شمار می آید در ادامه به نحوه تدوین و تصویب قانون اساسی پرداخته میشود.

با نمایان شدن بارقه های پیروزی نهضت و قیام مردم مسلمان ایران به رهبری

تنظیم طرح اولیه پیش نویس قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸

جمهوری اسلامی برای اداره حکومت از میان انواع قوانین اساسی نوع مدون و موضوعه آن را همچون بسیاری از نظامهای سیاسی رایج بر نوع عرفی آن ترجیح میدهد به همین دلیل در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی حسن حبیبی از حقوق دانان ایرانی ساکن در پاریس به صورت غیر رسمی و با نظر مثبت حضرت امام پیگیر تدوین پیش نویس قانون اساسی میشود به طور هم زمان برخی گروه ها نیز که از مخالفان حکومت پهلوی به شمار میرفتند به تهیه پیش نویس قانون اساسی اقدام میکنند چندی بعد حسن حبیبی با ورود به ایران برای اجرایی کردن نظر، امام از برخی نیروهای مبارز میخواهد تعدادی از اشخاص مسلمان و انقلابی و آگاه به مسائل روز را برای نگارش پیش نویس قانون اساسی به کار گیرند به همین دلیل جلسات مشترکی با حضور وی و برخی حقوقدانان از جمله محمد جعفری لنگرودی فتح الله بنی صدر، عبدالکریم لاهیجی، ناصر میناچی و ناصر کاتوزیان در قالب تشکیل یک کمیسیون حقوقی برگزار میشود. طبق توافقات به عمل آمده در این کمیسیون مسئولیت نگارش، اصول بعد از استماع نظرات کمیسیون حقوقی به عهده ناصر کاتوزیان قرار داده میشود طی این جلسات متن از پیش تهیه

شده حسن حبیبی با طرح از پیش تهیه شده آقایان ناصر میناچی احمد صدرحاج سیدجوادی، فتح الله بنی صدر و عبدالکریم لاهیجی تلفیق میشود برای نگارش پیش نویس قانون اساسی از قوانین اساسی چند کشور از جمله فرانسه استفاده میشود.

بررسی متن پیش نویس در دولت موقت

طریقه و نوعی که حضرت امام برای تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مناسب میدانستند قانون اساسی مردم سالار بود؛ لذا حضرت امام در حکم انتصاب بازرگان به ریاست دولت موقت در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ وی را مأمور تشکیل مجلس مؤسسان و زمینه سازی برای تدوین قانون اساسی کردند. هیئت دولت بر پایه همین مأموریت در تاریخ ۸ فروردین ۱۳۵۸ هیئت دولت طی مصوبه ای به تأسیس شورای عالی طرحهای انقلاب اقدام کرد و اساسنامه آن را به تصویب رساند. به موجب ماده دوم این اساسنامه تهیه طرح قانون اساسی بر مبنای ضوابط اسلامی و اصول آزادی از وظایف شورای عالی طرحهای انقلاب معین شد. برای این منظور طرح اولیه پیش نویسی که دکتر حسن حبیبی و چند تن دیگر از حقوق دانان و فعالان که ریاست آن به عهده یدالله سحابی، بود ارجاع داد و مقرر شد شورای عالی طرح های انقلاب طرح اولیه پیش نویس قانون اساسی را در جلساتی با



اساس بعد از انتشار پیش نویس پیشنهادی احزاب، گروه ها و سایر اقشار جامعه از طریق صدور بیانیه ها اطلاعیه ها و همچنین تهیه جزوات و نامه نگاری ها به نقد گسترده آن اقدام میکنند. در فرایند انعکاس نقدها و پیشنهادهای مردم و نخبگان به پیش نویس قانون اساسی مطبوعات یکی از مهم ترین ابزارهای انعکاس نقدها و پیشنهادهای به حساب می آید.

حضور دکتر سنجابی وزیر امور خارجه یا نماینده او دکتر سامی و همچنین دکتر صحت به عنوان نماینده داریوش فروهر وزیر کار و چند نفر از کارشناسان حقوقی ارزیابی و نظر خود را اعلام کند.

اعلام نظر علما و سیاسیون در خصوص مفاد پیش نویس

با توجه به اهمیت قانون اساسی و برای رفع اشکالات احتمالی پیش نویس قانون اساسی امام خمینی در موارد متعددی طی بیانات خویش از اقشار مختلف جامعه و صاحب نظران خواستار مطالعه پیش نویس قانون اساسی و اظهار نظر درباره اصول آن میشوند به همین منظور برای دریافت نقدها و پیشنهادهای مردم و اقشار مختلف جامعه درباره اصول پیشنهادی قانون اساسی، کمیسیونی ویژه در ساختمان مجلس سنا پیش بینی میگردد بر این



پاسداران عدالت؛



مروری بر صلاحیت‌های نهادهای دادرس اساسی در جهان

دادگاه قانون اساسی فدرال اتریش؛

نهاد ناظر بر قانون اساسی و حقوق بنیادین شهروندان



علی کمالی

پژوهشگر پژوهشکده شورای نگهبان

آشنایی با نظام حقوق اساسی اتریش

اهمیت بسزایی دارد. اعضای مجلس فدرال از پارلمانهای ایالتها انتخاب و دولت از صدر اعظم معاون اول او و وزرا تشکیل یافته است. اولین قانونی که میتوان آن را مقدمه ای بر قانون اساسی کنونی شمرد، قانون اساسی کا اتریش در سال ۱۸۶۷ است که پایه تشکیل امپراتوری اتریش - مجارستان را بنا نهاد. قانون اساسی جدید پس از تشکیل

کشور اتریش از سال ۱۹۱۸ کشوری پادشاهی بوده و در حال حاضر دارای دموکراسی پارلمانی با قانون اساسی مبتنی بر قواعد و اصول جمهوری دموکراسی است. رئیس جمهور بالاترین مقام و نماینده ی دولتی است که به طور مستقیم توسط مردم برای دوره شش ساله انتخاب می شود. مجالس فدرال و ملی قوه مقننه را تشکیل میدهند که مجلس ملی



تأمین کننده و حافظ این حقوق در اتریش است. در قانون اساسی اتریش بر حقوق ملت و اینکه تمام آنها در مقابل قانون یکسانند و هیچ فردی به لحاظ رنگ پوست نژاد و زبان به افراد دیگر برتری ندارد و همچنین حقوق مربوط به، آزادی شغل مسکن مسافرت و مهاجرت تاکید شده است

میتوان گفت که دادگاه قانون اساسی اتریش قدیمی ترین دادگاه قانون اساسی است که براساس نظرهای هانس کلسن شکل گرفته و الگویی برای دیگر دادگاه های قانون اساسی در سراسر جهان به ویژه اروپا بوده است. در واقع اصل وجود محکمه ای برای دعاوی اساسی از الگوی اتریشی اقتباس شد.

حکومت جمهوری در اتریش (۱۹۱۸م) در سال ۱۹۲۰ تصویب شد. در تدوین این قانون هانس، کلسن متخصص برجسته ی حقوق بین الملل، نقش مؤثر و مهمی داشت. در جمهوری دوم که پس از جنگ جهانی دوم در اتریش به وجود آمد (۱۹۴۶م) دوباره قانون اساسی سال ۱۹۲۰ مورد احترام و عمل قرار گرفت و این کشور را جمهوری دموکراتیک فدرال و مبتنی بر تفکیک قوای سه گانه ی مقننه، مجریه و قضاییه اعلام کرد و از همان زمان اتریش جزء کشورهای امضاکننده حقوق بشر سازمان ملل قرار گرفت. اگرچه تضمین عرفی این حقوق سابقه ای نسبتاً طولانی در اتریش دارد اصول قراردادهای حمایت حقوق انسانی و آزادیهای بنیادین استفاده شده در قانون اساسی که ضمیمه ی آن شده است

ساختار دادگاه قانون اساسی اتریش



نهاد تصمیم گیری در دادگاه قانون اساسی هیأت عمومی است. هیأت عمومی به طور معمول برای رسیدگی، محتوایی هر سه ماه یک بار جلسه .. دارد قضاتی که به عنوان ممبر دائمی انتخاب میشوند باید گزارش خود را در مورد پرونده‌ها به گونه ای تهیه کنند که بتوان آنها را هیأت عمومی بررسی و احتمالا قطعی کرد.

در نهایت بیش از ۸۰ نفر در دادگاه قانون اساسی مشغول به کارند . در دفتر ریاست مدیردفتر (یا مدیر دبیرخانه دادگاه) روند صحیح کارهای جاری را تضمین میکنند.

دادگاه قانون اساسی به طور متوسط در هر سال به ۳۰۰۰ پرونده ی جدید رسیدگی می کند. در دادگاه چهارده عضو اصلی و شش عضو علی البدل (که در صورت بیماری یا ذی نفع بودن یکی از اعضای اصلی در دادگاه شرکت میکنند) که باید حداقل تحصیلات حقوقی و تجربه ی حرفه ای گسترده داشته باشند پیش بینی شده است. قضات از حرفه های مختلف (استاد دانشگاه، کارمند دولتی و وکیل) ایالات متعدد و از حوزه های مختلف سیاسی - اجتماعی هستند که ترکیب متکثر دادگاه را تضمین میکند.

انتخاب اعضای دادگاه متأثر از قواعد سیاسی حاکم است، چراکه هر یک از مجالس ملی و فدرال ۳ عضو را تعیین میکنند و در مقابل دولت فدرال به تنهایی ۸ عضو از جمله رئیس و نایب رئیس را تعیین می کند.

صلاحیت‌های دادگاه در تطبیق قوانین

صلاحیت نظارت دستوری بر مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- نظارت پیشگیرانه

«هرگاه یک عمل قانون‌گذاری یا یک عمل اداری به حوزه صلاحیت‌های دولت مرکزی یا دولت‌های ایالتی تجاوز نماید، دادگاه قانون اساسی با درخواست دولت مرکزی یا دولت ایالتی به تعیین حدود صلاحیت می‌پردازد». این صلاحیت دادگاه شامل مصوبات حین تصویب آن‌ها توسط مجالس و آیین‌نامه‌ها یا دیگر اعمال اداری نیز می‌شود. تصمیم دادگاه در این زمینه در «بولتن قوانین فدرال» منتشر می‌شود و دارای قدرت الزام‌آور و ارزش قانون اساسی است.

۲- نظارت پسینی

■ شکایت دولت‌های ایالتی و فدرال
دولت‌های ایالتی می‌توانند علیه قوانین

اهمیت این مسئله آنقدر زیاد است که در دموکراسی‌های پارلمانی، دادرسی اساسی باید ضرورتاً به حمایت از اقلیت بپردازد».

■ ارجاع توسط خود دادگاه

دادگاه قانون اساسی صلاحیت بررسی خودکار انطباق قانون عادی با قانون اساسی را دارد، مشروط بر اینکه قانون مورد نظر مبنای موضوع در حال رسیدگی دادگاه باشد و همچنین دادگاه درباره انطباق این قانون با قانون اساسی تردید داشته باشد. یک قانون می‌تواند به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم مبنایی برای تصمیم دادگاه قانون اساسی باشد. در موردی که این قانون در پرونده مطروحه نزد دادگاه اعمال می‌شود، این قانون مبنای مستقیم تصمیم‌گیری دادگاه است. مبنای قرار گرفتن غیرمستقیم در مواردی است که یک عمل اداری با هنجار کلی مبتنی بر یک هنجار برتر باشد. برای مثال، هنگامی که فردی از عمل اداری که مغایر با حقوق تضمین‌شده او توسط قانون اساسی است، شکایت می‌کند و با این استدلال که این عمل اداری مبتنی بر یک قانون مغایر با قانون اساسی است. البته این خود دادگاه است که از بین پرونده‌های مختومه، مواردی را انتخاب می‌کند تا مورد ارزیابی قرار دهد. این روش، اصلی‌ترین شیوه نظارت دادگاه بر انطباق قوانین عادی با قانون اساسی است.

فدرال به دلیل تجاوز به قانون اساسی شکایت کنند. دولت فدرال نیز می‌تواند دعوای مشابهی را علیه دولت‌های ایالتی مطرح کند. این شیوه، تضمینی برای رعایت قواعد ماهوی مربوط به تقسیم صلاحیت‌ها بین دولت مرکزی و دولت‌های محلی است.

■ ارجاع توسط دادگاه‌ها

در اتریش، دادگاه عالی، دادگاه عالی اداری و دادگاه‌های تجدیدنظر مجاز هستند تا ایرادات مربوط به مغایرت قوانین با قانون اساسی را که در حین اجرا و استناد به آن قانون مطرح می‌شود، بررسی کنند.

■ ارجاع توسط نمایندگان

از سال ۱۹۷۵، این امکان برای یک‌سوم اعضای مجلس ملی، مجلس فدرال و همچنین شورای ایالتی وجود دارد که به دادگاه قانون اساسی رجوع و تقاضای مداخله کنند. قوانین اساسی ایالت‌ها نیز می‌توانند اختیار مشابهی را به یک‌سوم نمایندگان مجالس ایالتی اعطا کنند. در عمل، از آنجا که احزاب بزرگ معمولاً یک‌سوم پارلمان را به دست می‌آورند، این روش تضمین مناسبی برای اقلیت پارلمان است تا بتواند قوانین مصوب اکثریت را به معرض دادرسی اساسی قرار دهد. کلسن در سال ۱۹۲۸ حمایت از اقلیت پارلمانی را یکی از کارکردهای دادرسی اساسی تلقی می‌کرد و بیان داشت: «درباره طرح شکایت علیه قوانین، این نکته بسیار مهم است که به اقلیت پارلمانی نیز حق شکایت داده شود.

■ شکایت افراد

از سال ۱۹۷۵، افراد نیز می‌توانند مسئله مطابقت قانون با قانون اساسی را مورد اعتراض قرار دهند، مشروط بر آنکه حقوق آن‌ها توسط قانون مذکور مورد تجاوز قرار گرفته باشد.

غیر از تطبیق قوانین، صلاحیت‌های دادگاه را می‌توان به موارد زیر خلاصه کرد:

۱. صلاحیت ویژه دادرسی اداری

دادگاه عالی اداری به عنوان مرجع رسیدگی به ترافعات اداری شناخته می‌شود. بر اساس ماده (۱۴۴) قانون اساسی، دادگاه قانون اساسی می‌تواند به دعاوی مربوط به اعمال اداری رسیدگی کند. همچنین، این دادگاه صلاحیت رسیدگی به شکایات علیه آیین‌نامه‌های مصوب مقامات اداری را داراست. به منظور طرح چنین شکایتی، باید مشخص شود که آیا حقوق تضمین‌شده قانون اساسی در مورد اشخاص مورد تعرض واقع شده‌اند یا اینکه اجرای آن قانون غیرقانونی بوده است. این شکایت می‌تواند در دادگاه قانون اساسی مطرح شود، مشروط بر آنکه دیگر مراحل رسیدگی به اتمام رسیده باشد. به عبارت دیگر، در مقابل دادگاه عالی اداری که وظیفه رسیدگی به تجاوز علیه حقوق به رسمیت شناخته‌شده در قانون عادی را دارد، دادگاه قانون اساسی صلاحیت رسیدگی به موارد تعرض به حقوق تضمین‌شده

توسط قانون اساسی را دارد. از سال ۱۹۹۱، نظارت بر اعمال الزام‌آور مقامات اداری به دادگاه‌های اداری محلی واگذار شده است و این دادگاه به عنوان مرجع تجدیدنظر به آن‌ها رسیدگی می‌کند. در اصل، دادگاه قانون اساسی کارکرد کنترلی خود را به صورت پسینی اعمال می‌کند. در شرایط مناسب، دادگاه می‌تواند تعلیق موقت را در مورد یک قانون مورد استناد به اجرا درآورد. اگر دادگاه قانون اساسی با این تعلیق موافقت کند، اجرای آن تا هنگامی که قضات دادگاه تصمیم نهایی را اتخاذ کنند، موقتاً معلق خواهد شد. شکایات علیه آیین‌نامه‌ها نیز بخش عمده‌ای از رسیدگی‌های دادگاه قانون اساسی را تشکیل می‌دهد.

۲. حل تعارض صلاحیت‌ها

در دعاوی و اختلافات حقوقی، دادگاه قانون اساسی مشخص می‌کند که یک مسئله باید توسط فدراسیون یا یکی از ایالات رسیدگی شود. این دادگاه عهده‌دار حل تعارض صلاحیت نهادهاست و می‌تواند به تعارض‌های در صلاحیت، چه تعارض مثبت و چه تعارض منفی، بین دادگاه‌ها و مقامات اداری رسیدگی کند. این تعارض‌ها شامل اختلاف در صلاحیت بین دادگاه‌های عادی، مقامات فدرال با مقامات اداری محلی و همچنین اختلاف در صلاحیت بین دیوان محاسبات و دولت‌ها می‌شود.

یاد؛

زندگینامه اعضای شورای نگهبان



آیت الله ربانی شیرازی؛ یار امام وفقیه همیشه در صحنه



به فراگیری علوم اسلامی روی آورد. صبحها به مدرسه آقاباباخان که از مدارس معروف شیراز، واقع در جنوب شرقی مسجد وکیل می‌رفت و پس از آن به دلیل روحیه خودکفایی و مناعت طبع به کار در بازار وکیل نیز می‌پرداخت.

روزی مثل همیشه در مغازه‌اش مشغول به کار بود که داد و فریادی توجهش را جلب کرد. نزدیک رفت و دید یکی از مأموران انتظامی رضاخان، در وسط بازار با پیرمردی روحانی که گویا، به عمل پاسبان مبنی بر کشیدن چادر از سرزن مسلمانی،

آیت الله عبدالرحیم ربانی شیرازی، در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی، برابر با سوم شعبان ۱۳۴۰ هجری قمری، در شیراز متولد شد. دوران کودکی تا بخشی از جوانی را در این شهر گذرانیید. معنویت و اخلاص موجود در خانواده او، از وی انسانی متدین، مجاهد و وارسته ساخته، و او را به خدمت در راه تعالی اسلام و تشیع علاقه‌مند ساخته بود. آیت الله ربانی شیرازی، همانند دیگر کودکان، تحصیلات خود را در مکتب آن روزگار آغاز کرد و هم زمان به کسب و کار همراه پدر می‌پرداخت. در ۱۲ سالگی



مکان کرد و از طریق خرید و فروش کتاب و معامله، هزینه زندگی خود را تأمین می‌کرد. تلاش بی‌حدّ و عشق فراوان مرحوم ربانی شیرازی به تحصیل علوم دینی، باعث شد که به زودی مورد لطف و عنایت آیت الله العظمی بروجردی (ره) قرار گیرد و حتی او را به عنوان نماینده خود به شهرهای مختلف بفرستد.

آیت الله ربانی، با حضور در درس مرحوم بروجردی و مراجع ثلاث، به زودی به درجه اجتهاد نائل آمد و از مرحوم آیت الله شیخ محمد کاظم شیرازی، آیت الله سید عبدالله بلادی و آیت الله حاج آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت دریافت کرد.

اعتراض کرده بود، درگیر شده، عمامه‌اش را از سر برداشته و او را به زمین کوفته است و به او لگد می‌زند و ناسزا می‌گوید. دیدن این صحنه، ماجرای پیامبر(ص) و اذیت و آزار مشرکان را در ذهن آیت الله ربانی شیرازی زنده می‌سازد و همان جا تصمیم می‌گیرد که کار را رها کرده، صرفاً به طلبگی بپردازد. از این رو، با جدّ و جهد مسیر طلب علم را پیش گرفت و در فرصتی اندک، توانست دروس سطح را به پایان برساند.

در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی، به قم عزیمت نمود و در درس آیت الله العظمی بروجردی حاضر شد. وی در آغاز در مدرسه حجتیه قم سکنی گزید تا آنکه ازدواج کرد و به منزلی اجاره‌ای در یکی از محله‌های قدیمی قم نقل

طرح مرجعیت امام خمینی (ع)

آیت الله ربانی شیرازی از کسانی بود که پس از درگذشت آیت الله العظمی بروجردی، مرجعیت امام خمینی را پیشنهاد داد و همواره بر این باور بود که شرط اصلی رویارویی با دشمن، داشتن تشکیلات منسجم است که رهبری آن را فردی بر عهده داشته باشد که مورد تأیید علما باشد و از بینش سیاسی صحیح و منطبق بر اسلام و نیز از حس دشمن شناسی و موقعیت شناسی کامل برخوردار باشد و در این راه شجاعت و شهامت داشته باشد. آیت الله ربانی، از سال ۱۳۴۹ هجری شمسی، همزمان با مطرح شدن مبحث حکومت اسلامی در سخنان امام خمینی، در صدد کادرسازی و سازماندهی روحانیون انقلابی و فرستادن آنها به نقاط مختلف کشور برآمد.

فعالیت های سیاسی

با پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت سیاسی آیت الله ربانی شیرازی ادامه یافت. وی به سفارش امام برای حل مشکلات و جنگ های داخلی در مناطق کردستان و آذربایجان، به آن مناطق سفر کرد و اندکی بعد برای حل و فصل غائله فارس به آنجا رفت.

هم زمان ایشان از طرف مردم شیراز به عنوان نماینده ی خبرگان قانون اساسی انتخاب شد. وی در این مجلس با همکاری حضرات آیات بهشتی، مشکینی، جوادی آملی و دستغیب در کمیسیون مربوطه اصول کلیات قانون اساسی را تنظیم نمودند. در مجلس به

اتفاق دوستانش پافشاری کردند که پیش نویسی که از قبل تهیه شده بود از دستور خارج شود و به جای آن قانون جدیدی به وسیله ی این افراد نوشته شود و این اولین ضربه به غرب گرایان بود. آیت الله ربانی درباره فعالیتش در مجلس خبرگان می گوید: «در مجلس خبرگان درباره ولایت فقیه، معنای صحیح شورا، برقراری قانون سپاه پاسداران و مسائل دیگر پافشاری نمودم. بعضی از آقایان مانند بنی صدر ولایت فقیه را به معنای نظارت می گرفتند و من در کمیسیون مکرر در این زمینه صحبت کردم و پافشاری نمودم»

عزیمت وی به کردستان زمانی بود که ضد انقلاب بر بسیاری از امور منطقه حاکم شده و تقریباً اختیار آنجا را به دست گرفته بود. این گروه ها که نوعاً چپ گرا و مارکسیستی بودند به رغم اختلاف نظر شدیدی که در بعضی از مسائل اعتقادی و اقتصادی و سیاسی و... با یکدیگر داشتند با هم متحد شده و برای باج خواهی از دولت موقت، روانه مناطق

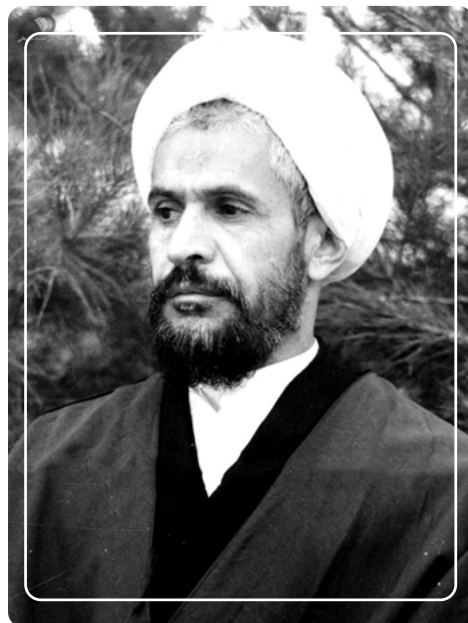


را بر ملا کند. نتیجه تلاش ربانی باعث شد تا در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۲۰ با مردم با همکاری نیروهای انتظامی و با یک اقدام ضربتی توانستند ضد انقلاب و افراد حزب خلق مسلمان را از مراکز رادیو تلویزیون تبریز که مدتی بود در اشغال آنها بود، بیرون کنند. با این اقدامات، آیت‌الله ربانی اولین سفیر حسن نیت امام خمینی لقب گرفت.

ورود به شورای نگهبان

در اوج مبارزات انتخاباتی اولین دوره مجلس شورای اسلامی حضرت امام (ره) با معرفی حضرات آیات احمد جنتی، عبدالرحیم ربانی شیرازی، لطف الله صافی، محمدرضا مهدوی کنی، غلامرضا رضوانی و یوسف صانعی به عنوان فقهای شورای نگهبان در اول اسفند ۱۳۵۸ اولین گام را برای شکل دادن به نخستین مجلس شورای اسلامی بعد از انقلاب برداشتند. بعداً مرحوم هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای درباره ملاک‌های حضرت امام در انتخاب اعضای شورای نگهبان گفت: «آنچه امام در نظر گرفتند این است که اعضای شورای نگهبان اسلام‌شناس باشند و قدرت اجتهاد و قدرت تشخیص آنچه که در مجلس تصویب می‌شود داشته باشند و به طور کلی اینها عدالت، علم و شهادت اظهار نظر داشته باشند.»

بعد از «همه‌پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی» انتصاب اعضای فقیه شورای نگهبان، نخستین حکمی بود که حضرت امام



مرزی و به خصوص کردستان شده بودند و به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.

البته وضع آذربایجان با کردستان تفاوت داشت. به همین سبب حزب خلق مسلمان چهره ضد انقلابی خود را پشت سر آیت‌الله شریعتمداری پنهان کرده بود و با زبان او به تحریک مردم می‌پرداخت و حتی زمزمه‌هایی برای بردن وی از قم به آذربایجان بر سر زبان‌ها افتاده بود. آیت‌الله ربانی شیرازی که از سال‌ها قبل آقای شریعتمداری را می‌شناخت، ضمن سفری به آذربایجان و تماس با علما و مردم آن منطقه به افشای اقدامات شریعتمداری در دوران مبارزه و پس از آن پرداخت و بدین‌وسیله توانست حزب خلق مسلمان را خلع سلاح و توطئه‌های پشت پرده

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا لله و إنا إليه راجعون

با کمال تأسف رحلت غم‌انگیز جناب حجت‌الاسلام والمسلمین، مجاهد عزیز، آقای ربانی شیرازی را به اسلام و اولیای معظم اسلام، بویژه حضرت بقیه‌الله - ارواحنا فداه - و به ملت شریف و حوزه‌های علمیه و اهالی محترم فارس و بازماندگان این فقید سعید تسلیت عرض می‌کنم. در طول تاریخ، مدعیان فضیلت و مجاهدت و شجاعت و تعهد به حق و دین بسیار بوده‌اند و هستند؛ لکن صاحبان فضایل و مجاهده و تعهد به حق و حقیقت در اقلیتند، و تنها در سختی‌ها و گرفتاری‌ها و حق‌گویی‌ها در مقابل قدرت‌های شیطانی است که مدعیان لافزن از متعبدان بی‌سرودا و خالصان فداکار از مغشوشان ریاکار متمایز می‌شوند. مرحوم مجاهد، سعید ارزشمند، ربانی شیرازی، که اکنون در جوار حق آرمیده و ما از برکات وجودش محروم شدیم از این اقلیت بود. او در طول زندگانی شرافتمندانه خود، چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن، در مقابل باطل و باطل‌ها ایستاد و از خود نرمش نشان نداد. او در حبس‌ها و زجرها و ناملایمات با قامت راست انسان‌های متعهد ایستادگی کرد و تسلیم نشد. او - که خدایش رحمت کند و به جوار قرب حضرتش بپذیرد - با روحی ملایم در مقابل دوستان و مؤمنان و مقاوم در برابر دشمنان خلق به لقاءالله پیوست؛ و ما عقب‌ماندگان که احتیاج به این مردان حق داریم از آن کمال و جمال محرومیم. از خداوند متعال توفیق خدمت برای همگان، و سعادت و صبر در این مصیبت برای دوستان و بازماندگان ایشان را خواستارم.

روح‌الله الموسوی الخمینی - ۱۸ اسفند ۱۳۶۰

(صحیفه‌ی امام، ج ۱۶، ص ۸۶)

خمینی(ره) برای یکی از نهادهای رسمی مصرح در قانون اساسی صادر کردند. این مهم حاکی از اهمیت این نهاد در نظام نوپای جمهوری اسلامی نزد بنیانگذار کبیر آن بود. مرحوم آیت الله ربانی از تاریخ ۱۳۵۹/۰۴/۲۶ تا لحظه رحلت یعنی ۱۳۶۰/۱۲/۱۷ عضو فقهای شورای نگهبان بودند.

ترور نافرجام و پرواز

مواضع قاطعانه آیت الله ربانی شیرازی دشمنان ایشان را بر آن داشت که وی را مورد تهدید قرار دهند و وقتی صلابت و ایشان را مشاهده کردند دست به ترور او زدند و در نهم فروردین سال ۱۳۶۰ در راه بازگشت از جهاد سازندگی، برای چندمین بار او را مورد سوء قصد قرار دادند به سوی ایشان تیراندازی کردند که یکی از گلوله‌ها به گردن وی اصابت کرد اما جان سالم به در برد. تا اینکه در تاریخ هفدهم اسفند ۱۳۶۰ که برای شرکت در جلسات شورای نگهبان از شیراز عازم تهران بودند، در بین راه دلیجان و محلات، اتومبیل ایشان پس از ترکیدن لاستیک آن توسط گلوله از جاده منحرف و واژگون شد. هنوز ساعاتی از انتقال ایشان به درمانگاه نگذشته بود که خبر رسید روح پاکش از محنت آباد دنیا پرواز کرد. امام خمینی در سوگ این روحانی بزرگوار و مجاهد فی سبیل الله در پیامی به ملت ایران به تجلیل از شخصیت و مبارزات آقای ربانی شیرازی در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۶۰، چنین فرمودند:

تازه‌ها



انتشار دو جلد از مجموعه تحلیلی نظرات شاخص شورای نگهبان توسط پژوهشکده شورای نگهبان



مجموعه پژوهشی دوجلدی با عنوان «تحقیق در متون و اسناد حقوق عمومی و تحلیل محتوای نظرات شورای نگهبان» از سوی انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، در بهار ۱۴۰۴ منتشر شد. این آثار حاصل طرحی نظام‌مند برای بازخوانی تحلیلی و انتقادی نظرات شاخص شورای نگهبان در حوزه حقوق عمومی و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

جلد اول



این مجموعه با تمرکز بر صلاحیت‌های شورای نگهبان، در ۳۵۰ صفحه، به بررسی و تحلیل عمیق نظرات شورای نگهبان در نظارت بر مصوبات مجلس و بررسی ابعاد مفهومی و رویه‌ای موضوعاتی نظیر استظهار، ابهام، تفکیک میان نظرات الزام‌آور و مشورتی، و نسبت آنها با اصول قانون اساسی می‌پردازد.



جلد دوم

حدود صلاحیت قانون‌گذاری مجلس در امور مرتبط با رهبری و امور حسبه، تفسیر نظرات ولایی، مواجهه شورای نگهبان با نظام بین‌الملل حقوق بشر، نظارت بر مصوبات مجلس خبرگان، حدود اختیارات دولت در بودجه، و صلاحیت دیوان عدالت اداری است.

این اثر، با عنوان «صلاحیت‌های رهبری، مجلس خبرگان رهبری، قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه» و در ۴۰۳ صفحه، به بررسی نظام‌مند نظرات شورای نگهبان در بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی و در ارتباط با سایر نهادهای کلان نظام می‌پردازد. این جلد مشتمل بر مباحث مهمی چون

این مجموعه برای استادان، دانشجویان، پژوهشگران حقوق عمومی، حقوق اساسی و کلیه علاقه‌مندان به مباحث نظری و کاربردی مرتبط با شورای نگهبان منبعی بی‌بدیل و مستند به‌شمار می‌رود.

علاقه‌مندان می‌توانند نسخه‌های این مجموعه را در «غرفه پژوهش‌کده شورای نگهبان در سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران» تهیه کنند.

این دو جلد نتیجه‌ی سلسله نشست‌های تخصصی در پژوهش‌کده شورای نگهبان هستند که با مشارکت پژوهشگران و صاحب‌نظران و بر پایه اسناد پشتیبان، متون نظرات رسمی شورا را تحلیل و ارزیابی کرده‌اند. منظور از «نظرات شاخص» در این طرح، نظراتی است که نقش تحول‌ساز در نظام حقوقی کشور داشته یا رویه‌ای جدید در مقام تفسیر قانون اساسی و شرع ایجاد کرده‌اند.

با چهل اثر جدید امسال
هم در نمایشگاه کتاب
تهران میزبان شما هستیم

راهرو ۲۶، غرفه ۲۲۷

هم برای
ران

ای بخوانی



نمایشگاه بین المللی
کتاب تهران
سی و ششمین

36th Tehran International
Book Fair

مهمان ویژه: عراق
العراق ضیف شرف
Guest of Honor: IRAQ

معرض طهران الدولي السادس والثلاثون للكتاب

مکان: تهران / مصلاي امام خميني (ره) • زمان: ۱۷ تا ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴

۹ تا ۱۹ ذی القعدة ۱۴۴۶ / 7-17 May 2025

